

UNIVERSAL  
LIBRARY

**OU-234102**

UNIVERSAL  
LIBRARY







۲۹۸۱

# بامیان

مترجم: احمد علیخان

انشرات انجمن ادبی کابل



۹۳۹۵۴

ع ۱ - ۱

# آثار عتیقه بودائی بامیان

جلد دوم

تالیف

موسیو ومادام گودار و جناب پروفیسر هاکن

ترجمہ

جناب احمد علیخان

از نشریات انجمن ادبی کابل

• برج جدی ۱۳۱۰ ش



# فهرست مضامین

## حصه اول

- کتاب بودائی با میان  
مقدمه مترجم - اجمال تاریخی  
آثار عتیقه بودائی بامیان - ملاحظات تاریخی و مطالعات تصویر شناسی  
ذکر آثار عتیقه بامیان از زبان سائر اروپائیان  
شرایط کار روائی عتیقه شناسی در افغانستان  
اجمال تحسسات عتیقه شناسی که قبل از ورود هیئت حفريات فرانسه در بامیان تکمیل شده  
نت های بزرگ  
راهای رفت و آمده سوج ها و غیره  
تصاویر رنگه

## حصه دوم

- سوج های با میان  
تعريفات بعضی معابد با میان  
زینت اصولات معماری معابد با میان  
نوته های منظمه - هیکل بودایی خوابیده و ازدها

## حصه سوم

- تصاویر قرن ۶ و ۷ میلادی دختر یاد ماه  
ضمایم - مضامین مختلفه راجع به بامیان  
الف - یادداشت آثار عتیقه بامیان بقلم مسن  
ب - اسم بامیان در مضامین چینی  
نوته زوار چینی هیوان - تسنگ راجع به بامیان  
اقتباس از کتاب حیات هیوان تسنگ - نوته راجع به بامیان  
یادداشت زوار هوتیجا او راجع به بامیان

## فهرست تصاویر

صفحه

تصاویر

- (۱) تصویر شاه کوشانی بامیان یا « پادشاه شکاری » که از معبد دره ککړک پیدا شده ۱۴
- (۲) سکه که از غزنی پیدا شده ۱۴
- (۳) منظر عمومی جدار کبیر بامیان ۳
- (۴) عکس ۱۰۴ - ارگک شهر غلغه ۵
- (۵) « ۱۰۲ - شهر ضحاک ۶
- (۶) « ۱۰۷ - هیکل ۳۵ متری بابت کوچک بامیان ۱۳
- (۷) « ۱۱۰ - هیکل ۵۳ متری بابت بزرگ بامیان ۱۴
- (۸) « ۱۱۱ - هیکل ۵۳ به وضعت فعلی ۱۵
- (۹) « ۱۱۲ - یکی از بوداهای نشسته ۱۶
- (۱۰) « ۱۱۷ - صحنه رنگه اولین دایره قسمت برجستگی طاق بودای ۵۳ متری ۱۸
- (۱۱) شکل ۲-۳ - جزئیات تصاویر اولین و سومین دایره قسمت برجستگی طاق بودای ۱۹
- ۵۳ متری
- (۱۲) عکس ۱۱۶ - صحنه رنگه که سومین دایره قسمت برجستگی طاق بودای ۵۳ متری را ۱۹
- سزین نموده ۲۰
- (۱۳) شکل ۱۰۴ - جزئیات تصاویر سومین دایره قسمت برجستگی طاق بودای ۵۳ متری ۲۱
- (۱۴) « ۱۰۶ - صحنه که رب النوع مهتاب را در سقف طاق بودای ۳۵ متری نمایش میدهد ۲۲
- (۱۵) عکس ۲۵ - صحنه رنگه که قسمت برجستگی طاق بزرگترین بودای نشسته را سزین نموده ۲۸
- (۱۶) « ۱۰۲۷ - تصاویر رنگه طاق یکی از بودای نشسته ۳۰
- (۱۷) « ۱۰۱ - دسته معابد دره ککړک ۳۸
- (۱۸) « ۱۰۳ - هیکل بودای ۱۰ متری دره ککړک ۳۹
- (۱۹) « ۱۰۶ - دره فولادی که باینخت بودائی بامیان به دهن آن واقع بود ۴۴
- (۲۰) « ۱۰۲ الف - هیکل بودائی ۳۵ متری و دسته معابد مجوار آن ۴۶
- (۲۱) « ۱۰۳۰ - تزیینات داخلی جدار یک سوچ قریب هیکل ۵۳ متری ۵۰
- (۲۲) « ۱۰۳۶ - سقف یک سوچ قریب هیکل ۵۳ متری ۵۶
- (۲۳) « ۱۰۴۰ - از نه‌های سرخدر بامیان ۶۲
- (۲۴) جناب احمد علیجان مترجم ا موسیو کرل عضو حفاریات فرازا ۶۲

صفحه آخر

# کتاب بودائی بامیان

جناب احمد علیخان مترجم که یکی از جوانان لائق و حساس وطن بوده و همواره بمقصد ابراز عواطف ملی در میدان خدمات قلمی و افاده باهل وطن حاضر شده اند مخصوصاً بقدریکه این جوان حساس از زبان فرانسه استفاده کرده همیشه آنرا باذوق و جدیت تمام کوشیده است تا بزبان فارسی اهل وطن افاده نمایند. انجمن ادبی زحمت معزی الیه را مخصوصاً در ترجمه این اثر که یکی از بهترین شواهد افتخارات یک ولایت تاریخی وطن است و رجال فاضل و علمای حق بین فرانسه در احیای اسامی و آثار و روشنی تاریخ این نقطه صرف مساعی و زحمت فرموده اند تقدیر و تمجید مینماید. چون این اثر از طرف هیئت اعزامی معروف عتیقه شناسی فرانسه در افغانستان تالیف و سپس در سال ۱۹۲۸ ع در پاریس بطبع رسیده است جناب احمد علیخان آنرا با انجمن ارائه داده و انجمن ترجمه آن را بمقصد استفاده اهل وطن مفید دانسته بمنترجم محترم ترجمه آن را توصیه و خواهش نمود. اینک جلد دوم اثر مذکور بمساعی و زحمت آقای احمد علیخان اتمام یافت انجمن آنرا در مطبعه عمومی کابل بمنظوری پادشاه معارف پرور شهید افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی تاجدار متبوع خود که آن شهریار فقید همواره در طرق امور عرفانی وطن با اهل آن از هرگونه لطف و مساعدت خود داری نقرموده اند بطبع و نشر آن موافقت حاصل نمود.

انجمن ادبی بمقصد اینکه ازین اثر مفید يك آن اولتر اهالی کشور ما استفاده کرده بتواند آن را بصورت مسلسل در نمرات مجله کابل بنظر قارئین رسانیده و آخرآ بصورت کتاب مستقلی جداگانه طبع و تدوین نمود .

بامیان که درجمله ولایات و نقاط داخلی وطن يك افتخار عظیم تاریخی داشته و امروز اهل ذوق و متبعین تاریخ از ممالک بمیده جهان برای نمایش آثار و آبدات آن زحمات سفر را متحمل شده و درین خاک می آیند البته آنها به بعضی غوامض تاریخی بر میخورند که بالاخره دانشمند شهر موسیو ها کن و موسیو گودار و ما دام گودار فرانسوی این عوائق را بر طرف کرده و در نتیجه تحقیقات موشکافانه بتدوین و طبع این اثر موفق گردیدند که امروز وجود این اثر برای اهالی کشور عزیز ما و سایر سیاحین خار جی نسبت به آثار و آبدات تاریخی بامیان رهنمای خوبی بشمار میرود .

اخیرآ انجمن ادبی از زحمات قابل قدر دانشمندان فاضل موسیو ها کن و موسیو و مادام گودار تشکر نموده و از جناب احمد علیخان که متحمل زحمت ترجمه آن شده اند امتنان مینماید . ( انجمن )



چون کتاب آثار عقبه بودائی بامیان حاوی یکرشته تدقیقات  
مقدماتی است و عموماً از نقطه نظر علمی نوشته شده برای اینکه  
بیشتر طرف دلچسپی اهل ذوق محبطاً واقع شود تا جاتی که مقدر  
این جانب بود در تالیقات جدیده هئیت حفريات فرانسه در افغانسان  
تفحص نموده مقدمه ترتیب و تحریر نموده ام که به شکل اجمال  
تاریخی فرار ذیل بنظر خوانندگان عزیز برسد و امید وارم  
به مقصدی که تحریر شده سوانح تاریخی این دره شهر را بنظر  
مطالع این اثر تصویر کرده بتواند . « احمد علی »

## مقدمه

### اجمال تاریخی:

قرار مطالعات طبقات الارضی که موسیو فیورن فرانسوی نموده بامیان در عهد دوم  
کاملاً زیر آب بوده و با خروج سلسله هندوکش در عهد سوم طبقات الارضی جدار عمودی  
آن از (کنگلو مرا) اختلاط سنگ ریزه و گل تشکیل گردیده است . چنانچه احجار  
و سنگ ریزه های اراضی این دره همه سائیده شده و بدون خط الراس است و فوسیل  
و حیوانات سنگ شده ، که عموماً در طبقات سوم عمر زمین موجود میباشد در آن مشاهده  
رسیده است .

در عصر قبل التاریخ بواسطه همین ساختمان طبیعی خود که برای کندن مغاره ها  
و بنا کاهای اولیه مساعد بود بامیان حتماً یکی از بهترین مراکز بود و باش آسیای میانه  
بوده و بشر عصر قبل التاریخ درین وادی که شکار و صید ماهی زیاد دارد بخوبی  
می زیسته چنانچه یکی از مهمترین بنا گاهای آنها که فعلاً به « چهل ستون » معروف  
میباشد به يك کیلو متری غرب بودای بزرگ ۵۳ متری به دهن دره که به سرک بامیان -  
اعرابات عمود افتاده واقع است این مغاره عبارت از يك سموچ فوق العاده وسیع است

که مدخل آن یکی و داخل آن به دالان های علیحدہ و طولانی تقسیم میشود و هر دالان را از دالان دیگر یکمده پایه های استون های سنگی از هم جدا میکند . کف مفارہ هنوز هم از استخوان های حیوانات و پرچیره پر است و از بس دالان ها و کوچہ های متعدد دارد رفتن در آن خصوصاً ناقصت های اخیر آسان نیست و برای معاینه آن وجود راه بلد بومی و چراغ های رقی متعدد لازم است .

در عصر تاریخی در موقع انبساط عوامل نژاد آریا از باختر به سائر نقاط افغانستان و انتشار آنها بطرف هند و ایران که آرا میتوان عصر مهاجرت های بزرگ نامید دره بامیان که راه طبیعی برای اتصال مناطق دو طرفه هند و کوه می باشد حتماً تفریح قبایل را دیده و دسته های ایشان در سایه جدار هفتاد متری آن پناه گزین شده اند .

در عصر زوراستری که بلخ کانون آئین آتش پرستی شده بود روشنی و حرارت این دیانت از فراز قلل شامخ هند و کوه زبانه کشیده بامیان راهم زیر شعله خود گرفته بود . در زمانه هخامنشی ها اگر چه در جمله ولایات مفتوحه از بامیان تذکری نرفته طبعاً مانند سائر نقاط افغانستان جزء آن بوده و احتمالاً مربوط ولایتی بود موسوم به ( پارو پا میزاد ) که منطقه هند و کش را در بر میگرفت .

در باب اینکه آیا اسکندر یونانی بعد از اضمحلال دار یوش کبیر هخامنشی و ادامه فتوحات خود در افغانستان بعد از اینکه سال ۳۲۹ ق م را در کاپیسا و بلگرام میگذراند و بطرف شمال هندوکوه بجانب باختر هسپار میشود از بامیان گذشته یا نه . اگر چه معلومات محقق در دست نیست باز هم گفته میتوانیم که نه زیر امور خین یونانی کسی در بن موضوع چیزی نگفته و از مدققین اروپائی تنها شخصیکه بصورت مبهم جواب مثبت میدهد ( ویلسن ) H. Wilson است که او هم شخصاً بامیان را ندیده و نا دیده می نویسد و بعد از او کسی دیگر نظریه او را تصویب ننموده است .

واضح است که بامیان در بن وقت حایز اهمیتی که بعدها پیدا میکند نبود زیرا آنچه اسباب شهرت این دره شهر میشود با دیانت بودائی و سلطنت خاندان

کوهشانی افغانستان در اوائل عهد مسیح شروع میشود بناء علیه درین وقت بامیان بحالت طبعی خود افتاده در جدار کبیر آن نه بتی بود و نه مجسمه نه سمچی و نه معد دره فولادی و ککړک که امروز هزاران شکاف خورده و بعقیده ابوالفضل حائز ۱۲ هزار سمچ میباشد درین وقت با همان وضع طبعی خود افتاده بود . و از قلم و چکش کاریگران و رفت و آمد هیکل تراشان و نقاشان خبری نداشت منتها چون از دهن دره غور بند الی کوتل اغربات میدان نسبتاً فراخی به استثنای بامیان وجود ندارد احتمال میرود که درین عصر قبل از بودیزم خود هم ایستگاه محقر يك شبه قافله ها بوده باشد .

بعد از لشکر کشی های اسکندر در فرصتیکه ژنرال ها و حکمرانان یونانی ولایات مفتوحه بین خود درزد و خورد بودند سلوسید ها که خود را وارث اراضی مفتوحه فاتح مقد و نیه در ایشیا تصور میکردند برای اینکه با سائر رقبای خود در قسمت های غربی فلات ایران و شام مقابله کرده بتوانند با خاندان موریای هندی از در صلاحیت پیش آمده و قسمت شرقی و مرکزی افغانستان را برای آنها گذاشتند چنانچه موقتاً این وضعیت تا شروع سلطنت مستقر باختری یونانی باقی ماند .

اشوکا نواسه موسس این خانواده در سال ۱۹ سلطنت خود که مطابق به ۳۲۷ ق م میشود در شهر ( پاتالا پوترا ) • پتنا • فعلی محفل مذهبی برای مدت ۹ ماه تحت ریاست • تلیسا Tissa • نام دایز نموده و در آن علاوه بر تنظیم قوانین مذهبی اعزام یکدسته مبلغین به مالک همجواری نیز تصمیم گرفته شد چنانچه پسر و برادر کوچک اشوکا هم در زمره مبلغین بود . مبلغی که در گندهار اوکشمیر افغانستان اعزام شده بود ( مجهان تیکا ) Majjhantika نام داشت علاوه بر او ( داماراکی تا ) Dhammarakkhita و ( ماهاراکی تا ) Maharakkhita نیز بطرف افغانستان فرستاده شده بود چنانچه طوریکه می نویسند اولی ( بممالک غربی ) و دومی نزد یونانیها آمده بود . ازین جا بوضاحت معلوم میشود که ازین

سه مباح اولی در منطقه پشاور و سمت مشرقی حالیه و کابل و دو نفر دیگر در سائر نقاط افغانستان و از انجا نزد یونانیها که در نقاط غربی فلات ایران بودند فرستاده شده بود چنانچه اشوکا در کتیبه های که یافته اند فخر میکند که نزد شاهان (یاوانا) Yavana یعنی یونانی های غرب مثل اتیاکا Antiyaka ( اتیوکوش دوم ) تو را مایا Turamaya ( پیتوله فیلادلف ) و آنتی کنا Amtikeana ( انتیگون ) و غیره مبلغ فرستاده است چنانچه بواسطه همین تذکر از روی شاهان یونانی معاصر او که تاریخ حکمفرمائی آنها معلوم است عصر سلطنت اشوکا را معین نموده اند .

این تبلیغات مذهبی نزد شاهان یونانی فوق الذکر که درین وقت خارج از خاک افغانستان امروزی در شام و قسمت های غربی فلات ایران بودند نتیجه نداد . آسیای مرکزی هم چند قرن بعد در عصر پوچی ها و کوشانی ها داخل دیانت بودائی شد . تنها گند ها را با وجودیکه از مگداه زمین خاص بودائی دور بود دیانت تازه را بزودی در عصر خود اشوکا پذیرفته و در نتیجه در قسمت شرقی افغانستان دین بودائی در قرن ۳ ق م رواج یافت .

دره بامیان حتماً عبور هیئت های مبنین اشوکا و غیره را دیده و طبیعی است که بعد از گند ها را ، کاپیسا و بامیان و بالاخره هبیک و باختر به تدریج بودائی شده رفته اند طوریکه در قرن اول ق م بودائیت در تمام افغانستان شرقی و مرکزی و شمالی انبساط یافته بود .

یونائی هائی که متعاقب ققوحات اسکندر و مداخلت خاندان موریای هندی در افغانستان سلطنت مستقل باختری را در ۳۵۰ ق م تشکیل داده اند چون محظ حاکمیت و احراز سلطه سیاسی را در نظر داشتند به معتقدات اهالی کار و هنر ضعیف نمیگرفتند بلکه برعکس برای پیشرفت مرام کشورکشائی خود مذاهب محلی را احترام منمنه دند چنانچه در باختر تمام ارباب النوع - بومی - یونانی - هندی همه وجود داشت . بناء علیه بودیزم در عصر ایشان نه تنها در نقاط جنوب هند کوه بلکه به ما و رای شمال

آن هم جانب بکتریان ریشه دوانیده بود. در زمان حکومت شاهان اسکائی یا «سیت و پارت» و پارت های سیستانی یا «هند و سیت» جای پرستش ارباب النوع یونانی را هم بودیم گرفت. اگرچه درین وقت بر همنیزم و پیروان «شیوا» هم جایز معابدی در لغمان و حصص غربی کابل بودند معذالک دین بودا دین عمومی مملکت شمرده میشد و این و وضعیت تا جلوس کوشانی ها باقی بود.

کوشانی ها بعد از اینکه در افغانستان استقرار یافتند چون اصلاً قبایل بادیه نشین بودند و از خود مذهب و دیانی نداشتند بزودی تحت نفوذ معنوی افغانستان آمده در اثر دیدن غمرا ثبات مدنیت و استماع افسانه ها و اساطیر عجیب پیرو دیانت بودا گردیدند و بودیزم مذهب رسمی و سلطنتی عصر کوشانی افغانستان شد. بعد ازین تاریخ عصر باشکوهی روی بودائیث باز شد زیرا سلاطین مقتدر کوشانی مخصوصاً کدیشکای کبیر تمام اقتدار و دارائی سلطنتی را در راه انبساط و تجلیل معابد مذهبی صرف نمود. از یکطرف بالشکر کشی های اووین بونا تا کنار رود تارم در ترکستان چین شیوع یافت و از طرف دیگر در اثر ثروت خزان سلطنتی با حشمت ترین و مجلل ترین معابدی که «وزگار» نظیر آنرا ندیده بود میان آمد چنانچه شروع عمرانات بودائی بامیان را هیوان تسنگ زوار چینی یک نفر «پادشاه قدیمه» که متأسفانه نام او را نمیگردد و احتمالاً کدیشکاباشد نسبت میدهد. مانقت باید بود که این موضوع تفصیل میخواید که باید ناگفته نماند زیرا سوال عادی که هر کس می پرسد همین است که اصرام بزرگ ۳۵ متری و ۵۳ متری بامیان را که ساخته و بانی این همه عجائب شگفت آور که بود بصورت عمومی قبل از همه باید دانست که آثار بامیان کار بکر وز و یکسال و یک قرن نیست بلکه هزار سال کامل قلم و چکش هیکل تراشان در آن مصروف بوده و هزاران استاد هیکل تراش، معمار، نقاش درین دوره طولانی در آنجا هنر نمائی نموده اند.

معلومات تاریخی یا کتیبه که واضح به بانی عمرانات آن اشاره کند تا حال در دست نیست. قدیمترین منبع تاریخی یاد داشت، هیوان تسنگ زوار چینی است که در سال ۶۳۲

وارد بامیان شده و اولین آبادی این دره شهر را که آنهم نه مجسمه های بزرگ بلکه يك استوپه و معبدی در هوای آزاد بود يك نفر ، پادشاه قدیمه ، نسبت میکند .

حالا که سخن به اینجا رسید ناگفته نباید گذاشت که قدیمترین آبادی که از نقطه نظر بودائی در بامیان بنا شده ، بعلاوه يك معبد که از هوای آزاد در پای جدار کبیر بین دو مجسمه عظیم الجثه وجود داشت تعمیر يك استوپه بود که در هوای آزاد در مجاورت جدار کبیر در نزدیکی مجسمه ۳۵ متری بنا یافته بود چنانچه بقیه سنگ و خاك آن فعلاً در میان مزارع در محل معینه فوق الذکر موجود است درین وقت هنوز جدار کبیر بامیان که بواسطه وجود هزاران سموچ سوراخ سوراخ معلوم میشود دست نخورده و بشکل طبیعی خود باقی بود . سپس وقتیکه راه بین مدنی در بامیان ماندند و به آب و هوا و فصول آن آشنا شدند در قسمت شرقی جدار کبیر شروع به حفر سموچ ها نمودند تا در زمستان از سرما و در تابستان از وزش باد های سرد شمال هندو کوه مصئون باشند .

پس بشرحیکه ذکر رفت عمرانات بامیان اول در فضای آزاد شروع شده و متعاقب آن فوراً يك نوع سبک کار مخصوصی که عبارت از سموچ کنی و تراش مجسمه های عظیم الجثه باشد روی کار آمده و کار هم واضحاً از قسمت شرقی جدار شروع و به منتهایه غربی آن تمام گردیده و به این ترتیب اول بت ۳۵ متری و معابد مجاور و مر بوط آن و بعد از آن هیکل ۵۳ متری و آبدات متصل آن ساخته شده است و قرار تخمینی که نموده اند اولی در قرن اول مسیحی ممکن در عصر کنیشکا و دومی بین قرن ۲ و ۳ در زمان احفاد سلاسه او تراش شده و اگر قارئین عزیز در عکس های این دو مجسمه زرگ دقیق شوند بوضاحت معلوم میشود که بت ۳۵ متری نسبت به هیکل ۵۳ متری خیلی ناموزون و بی تناسب است و ثابت میکنند که کار اول دستی هیکل تراشان میباشد . وقتیکه کار تراش این مجسمه تمام شده اطافه دهندگان میخواستند که مجسمه دیگری دو برابر هیکل اولی بسازند ولی ارتفاع جدار اجازه نداده درست يك و نیم برابر آن به ارتفاع ۵۳ متر

تراشیده اند این مجسمه یاه بت بزرگ ه خیلی قشنگ و اعضای آن مناسب است و قرار گفته موسیو گودار از روی کدام نمونه مجسمه یو بانی تراش شده است .

پس روزگار شکوه و جلال بامیان مقارن به اوائل عهد مسیحی در زمان اقتدار بزرگترین امپراطور کوشان ه کیشکای کبیر ه شروع و در طی قرون بعد باسلطنت اولاده او بمراتب ترقی و عظمت آن افزوده شده رفته ، روزی نبود که قافله ها نا مال التجاره هندی جانب باختر و اسباب باختری - سمرقندی - چینی جانب هند نمیکدشت و هر کدام بنوبه خود در آنجا توقف نمیکرد و بقسم نذر و امانه به معابد باشکوه این خطه چیزی نمیداد .

بامیان در قدیمترین مضامین چینائی ها از ۴۹۴ مسیحی بعد به اسم Fan-Yang فان - یانگک ه یاد شده و در همین قرن ۵ در ه بندهاس ه پهلو ی ( یکی از بار ه گبی کتاب زور استر ) و در زبان Pseudo-Mo ise de Khorene مورخ ارمنی به اسم ( بامیکان ) تذکر رفته و ازین معلوم میشود که تغیر (ك) به ( ی ) در فارسی بسیار قدیم و در همان قرن ۵ صورت گرفته است . حریف یی که در آخر کلمه Yang است هم در بعضی مضامین چینائی دیده نشده لذا کلمه ( فان - یان ) بخوبی هو زن ( بام - یان ) میباشد و بعقیده موسیوها کن احتمال میرود که کلمه بامیکان در قسمت شرقی فلات ایران ( افغانستان ) در همان قرن ۵ بامیان تلفظ میشد .

در عصر Wei وی و Tang تانگ خانواده های شاهی چین که ( در قرن ۵ و ۶ و ۷ سلطنت داشتند ) بامیان درد و جاذگر رفته یکی در کتاب Souei-Chou سوی شو ه در سال ۵۸۱ - ۶۱۷ به اسم ه Fan-Yen فان ین ه که ( فان ) یعنی اسم خانواده و ( ین ) منبسط کردن است و دیگری به اسم Che-Fan-yen شه نان ین ه در فهرست ممالک مغرب زمین که برای چینائی ها عبارت از افغانستان و ترکستان روس ایران بود و این فهرست در ۶۱۵ به در بار ه سوی Souei ه تقدیم شده است . معنی اجزای سه گانه این اسم مرکب قرار آتی انت : شه - گم کردن - فان - یان - اسم خانواده ین - منبسط کردن .

زوار معروف چینی هیوان تسنگ که در سال ۶۳۲ از افغانستان عبور میکند بامیان را بنام • Fan-Yen-na نان - یَن - نا • ذکر نموده که (فان) بمعنی برهما - ( یَن ) فراوان و ( نا ) این معنی میدهد .

چون در عالم بودائی مناطق شمال غرب هند که عبارت از افغانستان باشد اسما را عموماً به سانسکریت تحویل میدادند احتمال میرود که همین شکل سانسکریت اسم بامیان را هیوان تسنگ ذکر نموده باشد و صوت اصل آن • بامیان • یا چیزی شبیه آن بوده . هیوان تسنگ بعضی اوقات بامیان را خلاص Fan-Yen فان - یَن هم خوانده است .

بعد از هیوان تسنگ زوار دیگری چینی • Sin T'ang-Chou سن تانگ شو • که در سال ۶۶۱ - ۶۵۸ صورت تشکیلات اداری ممالک مغرب زمین را می نوشت بامیان را به سه اسم علیحده یاد نموده .

(۱) Fan-Yen فان - یَن (فان بمعنی پرده - یَن منسبط کردن)

(۲) Wang-Yen وانگ - یَن (وانگ بمعنی مشاهده کردن - یَن فراوان)

(۳) Fan-Yen-na فان - یَن - نا (این رقم را از روی هیوان تسنگ نقل نموده)

و قتیکه • Kieou-T'ang-Chou کیو - تانگ - شو • یکسفر چینی دیگر در ۶۶۱ - ۶۵۸

تشکیلات ممالک غربی را از طرف خود می نوشت بامیان به اسم Che-Yuan-Yen شه - یوان -

یَن خوانده و این اسم تا ۶۱۵ طرف استعمال بوده است . کلمه Che شه در اصل زبان

چینی (Ser سر) هم تلفظ میشود و چون مؤنث دو خورن مورخ ارمنی بامیان را

(سر بامبکان) نوشته و استخری سیاح و جغرافیه نویس بزرگ عرب در قرن ده مسیحی

(سر بامیان) ذکر نموده از روی نگارش آخرین مورخ چینی معلوم میشود که بعد از تجدید

تشکیلات اداری ۶۶۱ - ۶۵۸ در مضامین چینیها هم به همین اسم یاد شده است .

آخرین شکل اسم بامیان در قصه زوار • Houei-Teh'ao هوی تچا او • ذکر رفته

مشار الیه در سال ۷۲۵ از هند آمده میخواست از راه بامیان عازم چین شود و چون عبور خود بامیان را Fan-yin فان یین ( فان بمعنی پرده و ین رهنمائی کردن ) یاد کرده و امکان میبرد که از زبان اهالی بومی ( بام یین ) شنیده باشد .

هیوان تسنگ زوار چینی موقعی که از بامیان میگذرد افغانستان بحر ان بزرگ نیم قرنه هن های هفتالیت را گذرانیده و بدست شهزاد کان ترکان مغربی اراده میشد موقعیکه در بامیان میرسد پادشاه محلی باوز راه وعلما و دیگر نجیای مملکت به استقبال او برآمده به احترام تمام او را به قصر شاهی میبرند و تا ۵ روز از آنجا بیرون نمیشود . قرار نگارشات خود او پایتخت ابن شاه یا شهر شاهی ، در مدخل دره فولادی طوری افتاده بود که فضای آزاد و دامنه تپه هردورا اشغال نموده و وسعت آن از ۶ الی ۷ (۱) بود چنانچه از دهن در ۲ تا ۳ کیلو متر بقایای این شهر بصورت سموچ ها باقی مانده - درین وقت یعنی ۱۳۰۴ سال قبل بامیان و تمام افغانسان اگر چه خسارات هن های هفتالیت را دیده است بازم بیش از صد معبد و علاوه تر از چندین هزار رهبانان در بامیان هنوز زندگانی داشتند چون بعد از ۵ روز استراحت در قصر سلطنتی خستگی زوار چینی رفع میشود و تفر سر حلقه علمای معروف بامیان ( آ - لی - یو - تو - سو ) یا ( آر یاداسا ) و ( آ - لی - یو - سو - نا ) یا ( آریاسنا ) زوار چینی را گرفته به تمام مابعد رهنمونی نموده و آنچه قابل دیدن و تماشا بود به او نشان دادند .

درین وقت بامیان بلاشبه یکی از مجلل ترین مراکز دینی و صنعتی تمام آسیا بود . علاوه بر تزییناتی که قلم هیکل تراشان و خامه نقاشان در آنجا ایجاد کرده بود و معابد و طاق های مجسمه های بزرگ بودا با بهترین پارچه های ابریشمی و پرده های زربفت مزین بود - قسمت های برهنه هیکل ۳۵ متری مثل دست و پا و صورتش کامل از ورق طلا پوشیده شده بود و روز در زیر اشعه زرین آفتاب چشم تماشا کننده را خیره میکرد

چنانچه در اثر حیرتی که به زوار چینی دست داده این مجسمه را در یاد داشت خود فلزی و از برنج تصور میکند .

شب در عالم سکوتی که مخصوص رهبانان بودائی بود زندگانی محیط بامیان کیفیت عجیبی داشت . در جدار بزرگ که مانند خانه زنبور سوراخ خورده هزاران چراغ و مشعل افروخته میشد و وقت بوقت اواز سهمگین ناقوس در فضا طنین می نداشت و انعکاس آن معبده به معبده دره فولادی و ککراک صدا انداخته به مفاک دره های دور دست هندوکوه و کوه بابا ناپدید میشد .

پوشاك ۱۳ قرن قبل اهالی بامیان با امروز چندان فرقی نکرده ، همان پارچه های کلفت پشمی که امروز نزد مابه برك موسوم است بادیگر المسه پوست دار زیاد استعمال میشد . حاصلات زراعی و نباتی این دیار همان چیزی است که زوار چینی دیده و خورده بامیان همان طوری که هیوان تسنگ میگوید مثل امروز میوه و گل کم دارد . گندم زمستانی تنها حاصل دره بوده و عائدات بزرگ از اتریه حیوانات تشکیل میداد . اگر انسان به کمی اراضی زراعتی و عدم میوه این منطقه و کثرت نفوس چندین هزار نفری آن فکر کند مانفت میشود که حصه بزرگ احتیاجات اهالی را حتی از نقطه نظر مواد غذائی هم رفت و آمد فافله ها تکافو میکرد .

از چیزهای عجیبی که هیوان تسنگ حین اقامت خود در بامیان دیده و در یادداشت های خود نقل میکند وجود ( بك مجسمه بزرگ هزار قدمی مرده بودا ) است که روی زمین ( در نبروانا ) یعنی قبر خوابانیده شده بود . تفصیل این موضوع را چنین می نویسد که در قسمت شرقی شهر شاهمی معبدی است که بفاصله ۲ یا ۳ ( ۱ ) شرقی آن ( مجسمه هزار قدمی ) بودا در قبر دراز افتاده و بالوان و جواهرات مزین میباشد و هر ساله در موقع معین پادشاه بامیان باوزراء و ملازمین دربار و قاطبه اهالی و روحانیون در اینجا



تصویر یکی از آخرین شاهان کوشانی بامیان که از معبد دره ککړک پیدا شده و موسیو ها کن در تالیفات خود او را « پادشاه شکاری » خوانده است



جمع شده و شاه هر چه از جواهرات و اشیای مفاخره در خزائن خود دارد همه را بنام بودا خیرات میکند و چون پول و اشیای نفیسه تمام میشود خود و اهل و عیال خود را نیز اینار مینماید . سپس وزراء پیش شده شاه و خانواده اش و تمام جواهرات خزاین سلطنتی را پس خریداری میکنند و بدین منوال این جشن مذهبی هر ساله تکرار میشود . این میل را اصلاً Wou Techo (وتجو) یا Wou-Tehö Ta-houei (وتجو تاهوی) میگویند و موسس آن اشوکا بود که در عصرش فقط هر ۵ سال یک دفعه دایر میشد . در قرن ۱۷ هالی هندو کوه این میله را سالانه حتی سال دو بار هم تشکیل میدادند و در گندهارا و دره کابل هم معمول بود . این جشن را در زبان پراکریت ( موشکا ) گویند و بمیله نجات ترجمه اش میتوان کرد و در عصر امپراطور (Wou وو) در چین هم رواج داشت چون در ضمن قصه فوق از پادشاه بامیان سخن بمان آمد اگر در اینجا چند کلمه از تصویر پادشاهی که از دره ککړک کشف شده بنگاریم بی موقع نخواهد بود .

در سال ۱۹۳۱ در ضمن تصاویر رنگه معبد دره ککړک تصویر پادشاهی پیدا شده که فعلاً در موزه کابل موجود است و موسیوها کن او را در تالیفات خود ( پادشاه شکاری ) خوانده است این پادشاه بجالتی نمایش یافته که از شکار توبه میکند و کمان خود را دودسته به بودا تقدیم مینماید . وسایل شکار که عبارت از سگ تازی شکاری و تیر است باد و مرغابی که شکار نموده همه به اطرافش دیده میشود . خود پادشاه بالای تخت نشسته و به انواع زیورات مجلل مزین میباشد . این پادشاه از جمله آخرین شاهزادگان کوشانی است که در بامیان سلطنت می نمود . موسیوها کن در اطراف تاج او تدقیقات خوبی نموده و در اثر مقایسه با تاج شاهان سه سکه که از غزنی پیدا شده دو نتیجه بدست میارند یکی علامه اختصاصیه برای شاهان منطقه بامیان پیدا میکنند و دیگری قرابت وار تباط آنها را با شاهان خانواده . نپکی . یعنی شهزادگان کوشانی که در قرن ۵ و ۶ در دره کابل سلطنت داشتند اثبات مینماید .

تاج پادشاه شکاری دره ککړک بامیان طوری که در تصویر دیده میشود عبارت از سه

ماه و طلائی است که در میان هر کدام آن تپه سفید (قرئی) نصب میباشد. پادشاهان دوسکه که از غزنی پیدا شده و عکس یکی از آن های در اینجا برای مقایسه آمده هم همین سه ماه و سه تپه را دارند منتهی چون روی سکه نیم رخ نمایش یافته و سه ربع صورتش معلوم میشود يك ماه و تپه دیده نمیشود. بر علاوه در خود دره بامیان هم يك بود همین رقم تاج بسر دارد. چون نزد شاهان ممالك مجاور به این تفصیل تاج دیده نشده گفته میتوانیم که مخصوص پادشاهان دره بامیان بوده. سکه سومى که از غزنی بدست آمد فقط يك ماه و تاج پادشاه نشان میدهد که نوك های آنهم مدور است این سکه طوریکه بالا گفته شد به اعراب شهزاده گان کوشانى قرن ۵ و ۶ کابل زمین نسبت میشود و از روی تشابه که موجود است چنین معلوم میشود که پادشاه شکاری دره ککرك با آنها ارتباط زیاد داشته است.

در ۶۳۴ مسیحى بودا ثیان دره بامیان پرو (عراوه کوچک) (۱) بودند و زبان شان با اهالی کابلستان و تخارستان و قبیله داشت و در حرارت عقیده طوری طرف پسند زوار چینی واقع شده بودند که از این نقطه نظرايشان را به اهالی مناطق مجاور افضلیت میدهد.

۳۰ سال بعد از تاریخ ورود زوار چینی اعراب بار اول در دره بامیان ظهور میکنند ولى طوریکه از روی شهادت يك نفر زوار دیگر چینی که اسلاً از شبهه جزیره کوریا بوده و (هوی تچه او) نام داشت در سال ۷۲۷ مسیحى از راه بحر به هند آمده و حین مراجعت از راه افغانستان و آسیای مرکزی بامیان را یکقرن بعد از زوار اول الذکر چینی مشاهده میکند معلوم میشود که بودیزم چند صباح دیگر هم در دره بامیان دوام نموده. مشار الیه در یادداشت های خود ضمناً می نویسد: - چون از سلطنت Sie-yu سی یو کابلستان ۷ روز بطرف شمال منزل



سکه که از غزنی پیدا شده ؛ تاج پادشاهی که روی این سکه  
 نمایش یافته شبیه تاج پادشاه شکاری بامیان است و عبارت از  
 اشکال سه ماه نو طلایی و سه تا به تقریبی میباشد



زده شود به Fan-yin فان - ین یعنی با میان خواهند رسید . این زوار در عصر خود پادشاه بامیان را یک نفر Han هان یعنی بومی خوانده و مینویسد که سپاهیان پیاده و سوار زیاد دارد و مطیع کدام سلطنت دیگر نیست . اهالی پیراهن‌های بنیه‌ئی و جامه های پوست دار و البسه نمدی هم می پوشند . معابد و رهبانان بکثرت مشاهده میشود . در ین ولایت مانند (سی - یو) کا بلستان اهالی ریش و موی سر خود را می ترشاند و عموماً به اهالی (کی پن) - کو هدامن شباهت دارند . چیز تازه که این زوار میگوید این است که زبان اهالی با سایر ولایات فرق زیاد دارد حال آنکه بالادیده شد که صد سال قبل هیوان تسنگ اختلافی مشاهده نمود . بود و چون این زوار در بصارت خود به هیوان تسنگ نرسد محال مینماید که در صد سال زبان اهالی بامیان از سایر ولایات افغانستان فرق نموده باشد زیرا زبان صریبی هم هنوز معمول نشده بود که اخلاقی در زبان مملکت وارد می کرد و نوشته های سانسکریتی که بحروف گو پتای اخیر تحریر و از سموچ (۲) در ۱۹۳۱ کشف شده بهمین قرن ۸ نسبت میشود . پس گفته میتوانیم که باوجود ظهور اعصاب تا این زمان هنوز بود ائیان بامیان در معابد خود مشغول ریاضت بودند و فقط در اوائل قرن ۹ عملاً دست تصرف آنها از ین دره کوتاه شده است . حین محارباتی که بین مسلمین و پروان بود بامیان آمده اهالی بت پرست چیزی مسلمان چیزی کشته و چیزی فرار نموده و معادن ها مترك مانده است . - عوض شهر شاهی بودائی مدخل دره فولادی در مقابل جداد کبیر با ساحل راست رود خانه بامیان شهر اسلامی ( غلغه ) بیان آمده که از خود ارک شاهی و دامنه و سمع دیگری داشت . نظیر شهر اسلامی غلغه در قسمت سفلی دره بامیان بفاصله ۱۷ کیلو متری در محل تقاطع رود خانه بامیان و کالوشهر ( ضحاک ) و بطرف شمال بامیان بفاصله ۳۱ کیلومتری در دره شکاری شهر ( سرخشک ) عرض وجود نموده است و به این قسم بامیان بلباس اسلامی تا زمان تهاجمات مغل بدست خوارز مشاهیان اداره میشد .

طوفان دحشت خیز چنگیز طوریکه سایر بلاد قشنگک و مایه نازش مدینت اسلامی ما را در سایر نقاط وطن برباد کرد شهر های زیبا و آثار مفاخر عصر اسلامی با مان ما را نیز از بین برد. آینه جهان کشای نویسد : - وقتیکه قشون مغل مقابل بامیان رسید اهالی بومی باشهامت ملی خویش در صدد مقاومت و دفاع برآمده از دو طرف جنگ شروع شد و طرفین تیر را به خانه کمان نهادند تا گمان از جانب شهر تبری رسیده به یک پسر چغتی محبوب ترین نواسه چنگیز اصابت نمود و او را هلاک ساخت درین وقت قشون مغل به غیظ شده به اشغال شهر عجاوه نمودند و چون شهر را متصرف شدند چنگیز حکم داد که از انسان گرفته تا حیوان همه زنده جان را بقتل رسانند و کسی را محبوس نگاه نکنند و این دیار را به اسم ( ما او بالغ ) یعنی « قریه خراب » مسمی سارند چنانچه از همین تاریخ ۶۱۸ هجری مطابق ۱۲۲۱ مسیحی کسی در اینجا بود و باش ندارد و آثار دحشت قوم مغول هنوز فراز ارگ شهر غلغله سایه افکنده است



# آثار عتیقه بودائی بامیان

ملاحظات تاریخی و مطالعات تصویری شناسی

کتابیات و تحقیقات موسیو گودار، مادام

گودار و موسیو هاکن فرانسوی

ترجمه آقای احمد علی خان

در ماه نوامبر ۱۹۲۲ (از اول تا ۹ نوامبر) موسیو الفرد فوشه Alf Foushe، رئیس هیئت اعزامی عتیقه شناسی در افغانستان اقامتی در بامیان نموده و این اولین دفعه بود که یک نفر متخصص برای تحقیقات و تشریحات آثار عتیقه این محل مشهور تاریخی که از طرف عده زیاد مسافری اروپائی خاطر نشان شده بود، حاضر و شروع بکار نمود، اولین شرحیکه موسیو الفرد فوشه راجع به تجسسات عتیقه شناسی در افغانستان نوشته و موسیو «ایمیل سنار» Emile Sénart عضو موسسه و رئیس کمیسیون مشاوری فرستاده بود در «مجله آسیائی» Journal. Asiaticum مندرج و عبارت از یک مقدمه ابتدائی و ملاحظات فوری است که در اصل اساس و مبده عمرانات بودائی خطه بامیان و سایر نقاط افغانستان را تشریح میدهد.

این ملاحظات اولی که حاوی معلومات بلند عتیقه شناسی است سود مندترین مقدمه برای شناختن حقایق تاریخی بامیان میباشد. از این روم خواستیم صفحات اولی این کتاب را که باحث از آثار عتیقه بامیان است با جلات اولیه نوشته تحریری موسیو فوشه مزین نماییم.

- دره بامیان یا واضح تر بگویم حصه که مخصوصاً باین اسم یاد میشود (۱)
- (عکس سوم) پانزده کیلومتر طول و در عرض ترین نقاط خود از دو تاسه کیلومتر عرض دارد (عکس ۰۳ ب) کشت گندم و جو مانند عصر هونتسن در فصل بهار میشود، «گل و میوه» کم بار میدهد، درخت توت و تاک وجود ندارد.
- (۱) ارتفاع دره بامیان از سطح بحر تقریباً ۳۰۰۰ متر میباشد.

اشجاری که درین خطه غرس میشود فقط عبارت از بید و چنار است. عایدات مهم این منطقه را تریبۀ رمه ها تشکیل میدهد. انسان اگر باین فکر نکند که بامیان کنار شاه راه هند و آسیای علیا واقع است هرگز فهمیده نمیشود که يك دره بدین تنگی و بی عایدی چطور توانسته « يك هزار راهین فقیر » را تغذیه کند. و به پول چه کیسه چنین عمرانات مذهبی که عظمت و جلال آن « چشم را خیره » میکند آباد شده است؟ بلی فراموش نباید کرد که ساکنین محلی نادیده اخراج و شیوه بدل و بخشش مخصوصی داشتند چنانچه طرف تمجید و نجس « هونسن » چینیائی واقع شده اند علاوه برین چون تجار بزرگ معبر برای پیشبر دوکامیابی کارها و شهرت اسم و نشان خود بذرها و اعانه ها میدادند و ارباب معابد را از هر رهگذر کمک ها می نمودند. برای تزئینات این محل یا بعبارت آخری برای ساختمان « ده معابد » و طرح نقش تصاویر و مجسمه های بزرگ آن که عوامل شهرت و افتخار دره شده اند مبالغ کافی پرداخته اند. خلاصه عامل مهم و ترقی و ثروت دره بامیان همانا رفت و آمد دائمی قافله ها بوده است.

این ملاحظات اقتصادی که اصلاً درست و ما هم به آن ابقان کامل داریم باز هم مسئله را بنام حل نمیکند، جواب یکجسه آن که چرا عمرانات بدین ابهت و جلال فقط درین منزل و نقطه دره واقع شده است باقی میماند. درست است که در آنوقت قافله ها زیاد از بامیان عبور میکرد لیکن چرا این عمرانات مالی، مذهبی که بقایای آن هنوز ما را به شگفت و تعجب میاندازد بعد از طی فواصل سرك طویل فقط درین منزل ساخته شده است؟ علت این مسئله چندین جهات جغرافیائی است که کم و بیش برهان قاطع شده میتواند. علت اولی که نسبتاً کمتر قانع کنند و در عین حال بی موضع نیست همان است که بامیان در مناصف راه باکتریان و پشاور واقع است، علت دومی این است که مانند عادات امروزی میشود در بامیان آذوقه مصرف



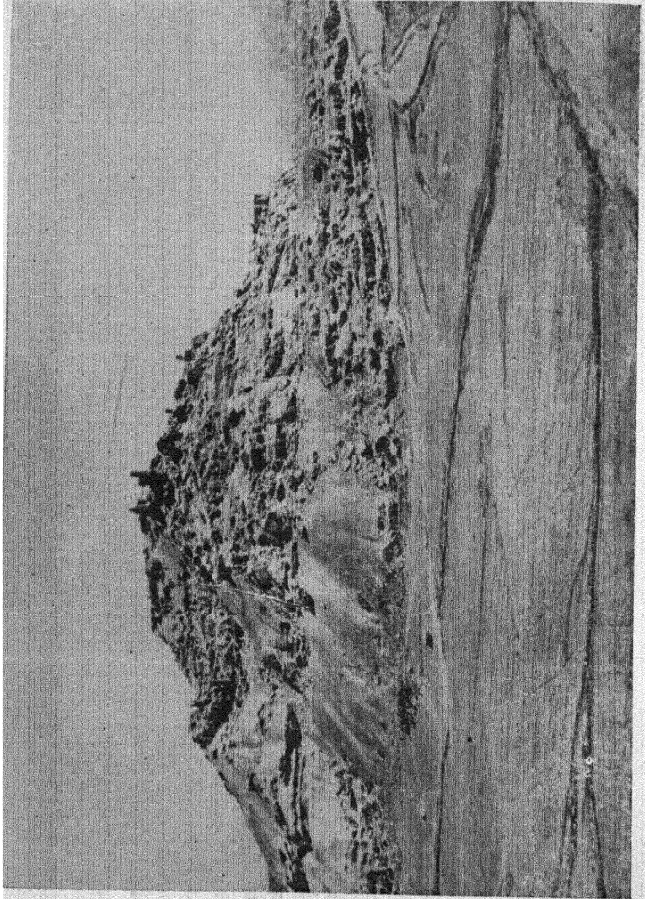


رسیده را دوباره تهیه کرده، بعضی نواقص و مرمت کاربهای لوازم سفریه را تهیه و انجام نموده آنگاه منزل را قرار مرام خاطر خود طویل گرفت زیرا فراموش نباید کرد که هر چند دره تنگ است باز هم چون از کج گردشی هائیکه رود خانه غوربند تعقیب میکند خارج شوید به حصه فراخی میرسید که حایز بازار کوچکی میباشد که بقدر کفایت بر جوش و از ذخائر احتیاجات ابتدائیه مملو میباشد. کسبه که وجود آنها در زندگانی خیلی هاد خیل است مثل خیاط، سراج، آهنگر، بوت دوز دیده میشود. چون از جانب شمال باین دره فرود آئید قبل از هیبک هیچ آثار بودائی دیده نمیشود بدین منوال جانب شرق هم تا زمانیکه در دره غوربند هستند آثار بودائی دیده نمیشود، همینکه از دره موصوف خارج شدید فقط نزدیک قریه چاریکار به اولین آثار بودائی بر میخورید پس معلوم میشود که شرقاً و شمالاً وضعیت فواصل دو طرفه بامیال یکسان است لیکن علت قطعی که ما طالبیم مانند سائر نقاط آسیای بودائی مانند «اجانتا» Ajanta و «الوارا» Ellora در هند، «بون کنگ» Yun Kang و لانگ من Long Men در چین، (اکتفا به اشاره همین چند جا نموده از سایر نقاط صرف نظر شد) ساختمان طبقات اراضی و مخصوصاً توپوگرافی محلی بما میدهد. علت قطعی حفر سمج ها و تراشیدن اصنام در بامیان وجود جدار سنگی است که فوق العاده برای این نوع کار لایق و مناسب می باشد. در قسمت وسطی دره که به نشیبی منتهی می شود جدار موصوف به قلم و چکش کاریگران صفحات بلند عمودی تقدیم میکند چنانچه توجه بودائیان را بخود جلب نموده در نتیجه اعانه دهندگان و مهندسین شان آنرا طرف استفاده قرار داده اند (عکس ۱) درین جدار سنگی (کونگلو مرا) Conglomérat (اختلاط کل و سنگ ریزه) ایشان صفحاتی را که دانه های سنگ ریزه آن کوچک و نسبتاً سخت تر می باشد برای حفر معابد

و تراشیدن هیكلها انتخاب کرده اند چنانچه مجسمه ها مانند خود دانه کوهی که در آن تراشیده شده اندسخت ، بادوام و غیر قابل تخریب می باشند ، چنین اصول ساختمانی که بزودی انهدام را قبول نمیکند ، امید می رود تا قرون منمادی دوام کنند این را ( نوشته جات هندی واضحاً نشان میدهد ) سبب شد تا مؤسسين زیاد بر زیاد اعانه و پول به پردازند .

پس گفته میتوانیم که علت تاسیس و تعمیر معابد بامیان که امروز خرابه ها و بقایای آنرا ملاحظه می کنیم وجود اتفاقی چنین محل مساعد و بدیع منظری است که در کنار شهره مهیج و پر جوش هند و آسیای علیا افتاده است . درین باب مثال دیگری هم دارد که بایستی ناگفته نگذریم : در همین دره يك قسمت دیگر تشکیلات طبقات الارضی دیده می شود که زیارتگاه گردیده است چنانچه در آتی به تفصیلات آن می پردازیم ( عکس : ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ )

حالاً باید باین پیروازیم که اولین ابنیه بودائی یعنی همان معبدی که قرار گفته هوستن : ( آنرا يك پادشاه قدیم ساخته بود ) و در حقیقت باعث تعمیر و ساختمانی سائر عمارات این منطقه شده در چه عصر و زمانی بنا شده است . ما بکمال میل تاریخ این ابنیه اولی را قرن اول مسیحی تعبیر میکنیم و گمان داریم این عمرانات در عصری ساخته شده که معبر مهیج بامیان هندو کس را قطع و دو حصه هندی و سیتی Cythique امپراطوری وسیع مسخر کننده اعظم کوشان کانیشکا Couchan Kanishka بوده است علاوه برین این زمانه عصری را یاد دهانی میکنند که بلخ مرکز تجارتی بین المللی و مدارسه شهره عمده آسیا بوده که از طرف غرب جانب امپراطوری رومن ، از طرف شمال شرق جانب چین و از طرف جنوب شرق جانب هند منشعب بوده است بالاخره زمانه تعمیر عمرانات بامیان به عصری مصادف است که امپرا طور بر برداخل مذهب بودائی شده



عكس ۴ - تارک شهر علمله



تمام اقتدار و دارائی خود را وقف نیات مذهبی و عظمت موسسات آن نمود. درین فرصت غنی ترین قافله ها که هرگز بامیان نظیر آن را ندیده بود از دره عبور کرده، صنعت گریکو بودیک Greco-Boudhique که قبلاً در دره کابل و گندهارا بمنتهای عروج رسیده بود بکمال سرعت و فعالیت منزل بمنزل جانب با کتریان و آسیای مرکزی پیشرفت هیچ شک نیست که بعداً در مواقع و قرون مختلفه نسل های متعددی برای کثرت و وسعت، حشمت و جلال معابد بامیان کوشش و کار روائی نکرده باشند بالاخره چون معبر تجارنی و سوقیات متهاجمین همان یک شهرام بود در اثر تهاجمات «سیت ها» Scythes هن ها Huns و ترک ها آهسته آهسته بودائی ها پاز محللات خود کشیدند. اگرچه هنگامیکه هونستن چینائی در اوایل قرن هفت مسیحی وارد این دیار شده بود، بودائی ها هنوز به منتهای ترقی خود بودند، معذالک آفتاب عروج شان مشرف بر زوال و غروب بود، چنانچه تازه شروع به تخلیه محللات نموده حتی یکی از اماکن مقدسه خود ها را تسلیم دیانت مقدس اسلام نموده بودند.

هنگامیکه زوار چینائی دره بامیان را عبور می نمود (بینمبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم تازه رحلت نموده بودند) (۶۳۲ مسیحی) و قرن ۷ قریب به اتمام بود که اولین متهاجمین عرب به افغاناستان سرکشیدند. راهبین بودائی چیزی مقتول، چیزی نفی بلد و چیزی مسلمان شده، معابد شان ویران و متروک و اصنام آنها کم و بیش بحالت شکسته و ریخته ماند، پایتخت قدیم بودائی که هونستن موقعیتش را بطرف جنوب غربی خود دره بامیان و جنوب غربی اصنام بزگ خاطر نشان کرده بود ویران و خراب شده، ارگ شهر غلغله (تصویر ۴ و ۵) که در دامنه مقابل بطرف جنوب شرقی اصنام واقع است عوض شهر قدیم شاهی آباد و معمور گردید، اگر انسان افسانه های

محلی و قصص تواریخ را باور کند شهر اخیر الذکر هم بنوبه خود در نیمه اول قرن ۱۳ میلادی یعنی سنه ۱۲۲۱ بدست چنگیز خان خراب شد. همچنین شهر قدیمی دیگری موسوم به شهر ضحاک (تصویر ۰۲ ب) که در مدخل شرقی دره واقع است در قطار سائترین منهدم و نابود گردید. پس ازین جا ملتفت باید بود که بامیان فعلی حایز دو دسته خرابه ها میباشد یکی بودائی و دیگری اسلامی. و چون این دو حصه خرابه ها به دو عصر معین و مجزائی مربوط اند هر کدام مطالعات علیحده بکار دارند.



## ذکر آثار عتیقه بامیان از زبان سائر اروپائینها

هید Hyde ولفورد Wilford و غیره

« هید » اولین اروپائی است که از اصنام عظیم الجثه بامیان ذکری نموده است.

بعد از او « ولفورد » Wilford ( ۱ ) چندین صفحه در اطراف بامیان

که آنرا شهر عمده بودائی یاد کرده نوشته است. مشارالیه میگوید که بودائینها

این دو مجسمه عظیم الجثه را نمایش تصاویر « شاهاما » Cha-ha-ma

و مریدش سلساله ( ۲ ) Sa,Isa,Ja میدانستند طوریکه مطلعیم منبع این

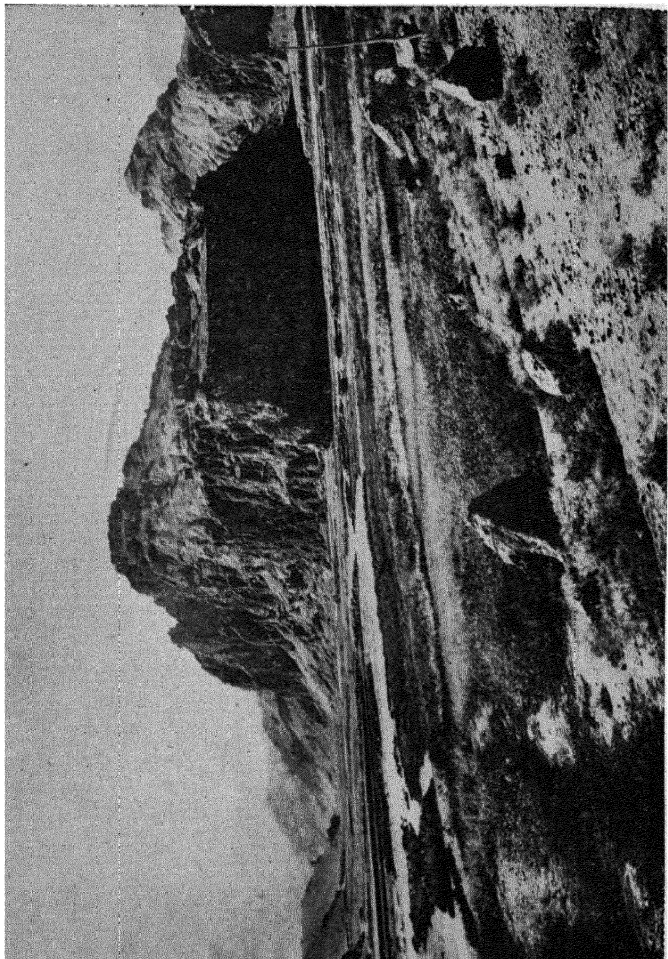
(۱) کپتان فرانسس ولفورد Francis Wilford در صفحه ۴۶۹ - ۴۶۲ جلد ۶ کشفیات

آسیائی مقاله بعنوان « کوی قفقاز » نوشته و راجع به بامیان چند صفحه بحث نموده است.

(۲) سلسال عظیم الجثه در شمال بحیره اسودکرمان Ag-Kerman را بنانهاده در آنجای زیت

و در سنه ۱۴۸۲ گرفتار شد. از قررافسانه های رزمی حضرت علی رض معلوم می شود که سلسال در

دشت قام قم Quam-Qum مجبور ارک فوق الذکری زیت.



عکس ۰۲ - شهر منجناک که ۱۷ کیلومتری دره سفلی بامیان در محل تقاطع رود خانه بامیان و کالو واقع است



دو اسم اخیر الذکر افسانه های رزمی اسلام می باشد .

« مونسترز الفنتن » Mountstuart Elphinstone ( ۱ ) ( ۱۸۱۴ )  
 از روی عقیده و لغور دمی نویسد که بت های بامیان با مذهب بودا ارتباطی دارد .  
 و ۵ سال بعد از نشر کتاب Kabul ( کابل ) « مونسترز الفنتن » ،  
 « مورکروفت » Moorcroft و تراء بك Trebecq بامیان را معاینه نمودند  
 ( ۲۵ و ۲۷ ماه اگست ۱۸۲۴ )

✱

✱ ✱

شرایط کار روائی عتیقه شناسی در افغانستان

( ۱۸۲۴ - ۱۹۲۴ )

بعد از نفری فوق الذکر « سر الکسندر برنس » Sir Alexandre Burnes ( ۲ )  
 « داکتر ژرات » Dr. géraud « هونیک برگر » Honighberger « شارل  
 مسن » ch. Masson معبر بامیان را عبور نموده در حین مسافرت بر خطر  
 خویش منتهای فعالیت ، طاقت و تحمل را بکار برده اند . علاوه بر خستگی منازل  
 صعب و ناهموار خوف توقیف و بندی گری هم ایشان تهدید میکرد ( زیرا فراموش  
 نباید کرد که اکثر این قبیل مسافرین اروپائی که در قرن ۱۹ یا ۱۸ وارد  
 افغانستان شده اند ، هر آرزوی ماطلبی که داشتند عموماً مسافرت شان مخفی و بلا  
 اجازه و رسمیت بوده . اگر هراس توقیف هم ایشانرا تهدید میکرد جاداشت -  
 مترجم هر روز آنها ب مجور و ستم و پرداخت وجوهاتی میگذاشت ، هر گاه تلون

( ۱ ) کتاب کابل صفحه ۴۸۷

( ۲ ) « الکسندر برنس » در ۹ نوامبر ۱۸۴۱ بکابل بقتل رسید .

ویا تعصب کدام ظالم محل بشور می آمد هیچ چیز مانع اقدامات او شده نمیتوانست ( البته تعصبات قرن قبل و اضرائیکه افغانها در طی آن دوره از نجا و زات بیجای بیگانگان کشیده اند در نسل آن دوره چنین احساساتی را تولید کرده باشد - مترجم ) این حوادث گاهی در دشت بی آب و دانه بلخ و گاهی در جلگه مارژیان که در هر دوی آن انسان و تصمیات او خاک و فنامی شود خاتمه می یافت .

برنس « قبر » مورکورف « را در بلخ و از « تربک » را در مزار شریف دیده است این دو متوفی گوئی در اثر یک سر نوشت در وقت نزع خستگی راه ، تکالیف تب ، الم و محزونیت و بیکیسی را متحمل شده اند در چنین محیط بر خطر این اشخاص بدون اینکه ترس را بخود راه دهند بلا تردید صد ها کیلو متر را پیموده معلومات قیمنداری برای تکمیل اسناد خود مجتمع نموده اند . صاحب منصبان انگلیسی که سمت نمایندگی در کمیسون تعیینات خطوط سرحدی روس و افغان داشتند بوضع راحت تری ازین معبر عبور نموده اند . بهر حال اگر از یکطرف جنبه خطرات متصوره برای ایشان محدود بود تکالیف بدنی را مانند سایرین متحسب شده اند و معلومانی که « کیتان میتلاند » Cap. Maitland و « تالبوت » Talbot در حین اقامت خود در بامیان ( ۱۸۸۵ ) نوشته اند قابل تحسین و ملاحظه میباشد . اعضای هیئت عتیقه شناسی فرانسه در اثر کمک ما مورین افغانی و حمایت شاه منور افغانستان اعلیحضرت امان الله خان از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴ بکمال آرامی توانست نجسبات و کشفیات خود را در بامیان ادامه دهد .



## مجله تجسّسات عتیقه شناسی که قبل از ورود هیئت

اعزامی فرانسه در بامیان تعمیل شده است

(۱۹۲۲ - ۱۹۲۴)

چون هیئت اعزامی فرانسه مفصلاً رویه هیکل تراشی و نقاشی های بامیان را مطالعه نمودند و واضح شد که تشریحات « مورکروف » و « تری بك » حاوی ملاحظات قابل تقدیر میباشد (۱)

« سر الکسندر برنس » و « داکتر ژرار » در ماه می ۱۸۳۲ (۲) بامیان را معاینه نمودند؛ چنانچه بعضی اقتباسات مکاتیب « داکتر ژرار » که در « مجله انجمن آسیائی بنگال » Journal of the Asiatic Society of Bengal شایع شده است خیلی دلچسپ و مفید میباشد. گروهی و رسم های « برنس » (۳) (تصویر ۰۷ ب) از تاریخ شیوع رسم های کپطان میتلاند مفاد خود را از دست داده است.

در ۱۸۳۵ شارل مسن چند روزی در بامیان بسر برده مدعی است که بالای سربت ۵۳ متری (۴) يك نوشته بهلوی دیده است. این نوشته با تصاویر رنگه داخلی طاق بت ۳۵ متری مخصوصاً توجه او را بخود جلب نموده (۵)

(۱) « ویلیام مورکروف » و « ژورژ تری بك » در سنه ۱۸۱۹ تا سنه ۱۸۲۵ در بعضی مناطق پنجاب مثل لاندک، کشمیر، پشاور و بعضی حصص افغانستان مانند کابل، قندوز و بخارا مسافرت کرده اند.

(۲) ادامه مسافرت کپطان « برنس » و « داکتر ژرار » از پشاور تا بخارا جریده انجمن آسیائی بنگال جلد ۲ صفحه ۷.

(۳) جریده انجمن آسیائی بنگال جلد ۲ تصویر ۱۹ از تیکل « برنس » راجع به تنهای عظیم الجثه بامیان صفحه ۵۶۱ - ۵۶۴.

(۴) نوتة مستر « شارل مسن » راجع به نوشته جات بامیان جریده انجمن آسیائی بنگال جلد ۴ صفحه ۱۸۸.

(۵) جریده انجمن آسیائی بنگال جلد ۴ تصویر ۴۴.

( این تصویر عبارت از تمثال شخص ذیعقام ساسانی است که در قطار مهم اعانه دهندگان بهلولی راهب بودائی کشیده شده ) و آن عجالتاً و فوراً و ادارش ساخته بود که بگوید بت‌های بامیان به بودائیت ربطی ندارد. لذا در اثر این ملاحظات دور افتاده «سن» اهمیت اعانه‌یاسانیان را فارس در تشکیل تصاویر بامیان گوشزد میکند. در ۱۸۴۲ «سروانست اتری» Sir Vincent Eery بندی افغانها، بامیان (۴) را معاینه نموده يك رسم متوسط بت ۵۳ متری بامیان را کشیده است چنانچه يك نقل کروکی که بقلم «ویلیام سمپسن» William Sampson رسم شده است در جریده انجمن شاهی آسیائی- Journal of Royal Asiatic Society (۱) شایع شده است.

در ۱۸۴۲ «لیدی سل» Lady Sale و دخترش نقل تصاویر يکه «دیوارهاوسقف (۲)» مجاور بت کلان بامیان را مزین کرده بود کشیدند و طوریکه گمان میرود این کافی هاگاهی به اروپا نرسیده اند.

بالاخره نایستی در قطار کسانیکه بمعاینه بامیان آمده اند دا کتر «گری فیت» Griffith را متذکر شویم که اخبار راه مسافت اورا (ژمک کله لند) J. Mac. Clelland در ۱۸۳۹ شایع کرده است. همچنین از دا کتر «یا فورسکی» Yavorskii اسم بریم که شرح مسافرت او در ۱۸۸۲ منتشر شده است.

مهمترین تمام تشریحاتی که راجع به آثار عتیقه بامیان نگاشته شده عبارت از مقاله مجله انجمن شاهی آسیائی است که به (سمیچ ها و مجسمه های تراشیده شده در سنگ بامیان) معنون میباشد و در ۱۸۸۶ شایع گردیده است. این مقاله شامل مقدمه کرنیل «یول» Yole مکاتیب کپطان نالبوت نقل کاپی های

(۱) اخبار انجمن شاهی آسیائی جلد ۱۸ حصه ۳ تصویر ۳. (۲) نوته های مکاتیب کپطان نالبوت که ذریعه «ویلیام سمپسن» در صفحه ۱۱۳۳۹ اخبار انجمن شاهی آسیائی شایع شده است

کیطان میثلانند (۱) و نونه های تشریحی « ویلیام سمپسن » میباشدهمین مضامین فوق الذکر و رسم های متذکره تا ۱۹۲۲ یعنی تا وزود هیئت اعزامی عتیقه شناسی فرانسه در افغانستان بهترین اسنادی بود که راجع به بامیان در دسترس داشتیم .

برای اینکه این مبحث تاریخی حیات کسانی را که وارد بامیان شده و در اطراف آثار عتیقه آن چیزی نوشته اند تکمیل کنیم بایستی متذکر شویم که در ۱۸۹۵ برای اولین دفعه داکتر « گری » J. A. Gray در کتابش موسوم به « اقامتگاهم در دربار امیر » My Residence At the Court of the Amir کلیشه عکس بت ۳۵ متری را شایع کرده است و بالاخر در ۱۹۱۰ مستر هدت ، مدیر سرویس طبقات الارضی هند در جلد ۲ خاطره های انجمن آسیائی بنگال Memoirs of the Asiatic Society of Bengal مقاله نسبت به آثار بودائی بامیان شایع نموده - در سنه ۱۹۲۳ انجمن روسی که از طرف کمیون ملت تعیین شده بود راجع به ملیت ساکنین شرق نزدیک ( قسمت وقایع تاریخی نژاد شناسی آرا پروفیسر پروزدن J. N. Borozdin اداره میکرد ) کتابی بعنوان افغانستان ( حصه اول ) بزبان روسی ( ۲ ) نوشته است .

( ۱ ) این صاحب منصب از جمله اعضای کمیسیون تعینات سرحدی شمالی غربی افغانستان بوده که در ۱۸۸۴ تحت مدیریت « سرپتر لاسدن » Sir peter Lamsden دایر شده بود و کرنیل « سروست رجوی » Sir West Rigeway هم به آن ملحق بود سایر صاحب منصبان آن قرار ذیل بوده اند .

مؤلف ( کتاب افغانستان شمالی ، خراسان و سیستان ) میجر دیورند Major. F. L. Durand  
 هالایچ T. H. Holoich مؤلف ( دروازه هند ) ، کیطان سنت جارج کاری Saint George Gore  
 کیطان بی کاک Peacocke ، کیطان تالبوی M. Gtaltbot کیطان میثلانند Maitland  
 ویات A. C. Yete

( ۲ ) مقالات کتاب مذکور به ترتیب ذیل در صفحات آنی تقسیم شده است : صفحه ۱۷۳ - ۱۷۵ : بت بزرگ - صفحه ۱۷۷ - سمج هائی که بت موصوف را احاطه کرده - صفحه ۱۸۵ : سقف و تفصیلات مثبت کاری یکی از سمج های مجاور بت دوم - صفحه ۱۸۷ : نقشه های رنگه بالای دیوار سمج های قریب دومین بت بزرگ

تا حال هر چه تحت عنوان مبحث اخير نوشتيم ذكر اسامی و آثار مرقومه كسانی بود كه قبل از هيئت عتیقه شناسی فرانسه وارد بامیان شده ملاحظات پراكنده و رسم و عكس های متوسطی از ان دیار برداشته اند .

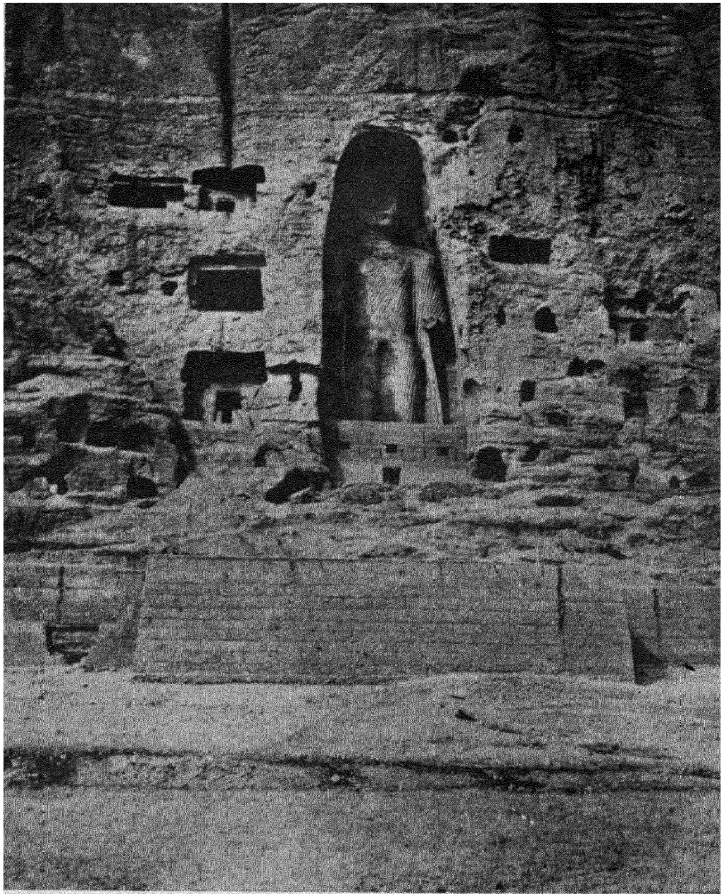
هیئت اعزامی فرانسه از نوامبر ۱۹۲۲ شروع بكار نموده است چنانچه رئیس هیئت موصوف موسیو الفرد فوشه و خانمش بتاريخ اول نوامبر ۱۹۲۲ وارد بامیان شده مدت ۹ روز در آنجا متوقف بودند، بعد ازیشان موسیو اندره گودار Andre Godard و مادام گودار (خانم او) يك و نیم ماه در بامیان اقامت نمودند (۱) اسناد این دو نفر كه عبارت از پلان سمج ها، نقل تصاویر، و كرفتن عكس میباشد و اساس مطالعات این كتاب گفته میشود در موزه كیمه Muse Guimet (فرانسه) گذاشته شده . اینجائی موقع نخواهد بود اگر متذكر شویم كه اسناد فوق الذكر نسبت به كثرت آثار قدیمه كه هنوز در بامیان موجود میباشد جز حصه مختصر و ناقصی نمیباشد بلی و فور آثار عتیقه مرئی وزیر خاکی بامیان، تكمیل نقل تصاویر باقی مانده، روشن كردن آنها، كیكه هنوز از يك ورقه لایه گل پوشیده شده مطالعات و كار چندین ماهه میخواید، بهر جهت اگر نتایج این معاینه اولی را بمعرض استفاده بگذاریم بد نخواهد بود .

در ماه ژون موسیو ژوزف هاكن Hackin .ا. چون روانه بلخ بود چند ساعتی (۱۸ و ۱۹ سال ۱۹۲۴) در بامیان گذرانید ملاحظات فوری بعمل آورده سپس در ماه نوامبر همان سال (۲۴ و ۲۶ نوامبر) در اثر معاینه سمج ها و امتحانات دقیق تصاویر آنها ملاحظات اولیه خود را تكمیل كرد .

### بت های بزرگ

بت ۳۵ متری برهنه معلوم است كه محرك بزرگ كنهجكای و چیز عجیب دره

(۱) از ۲۵ اگست ۱۹۲۳ تا ۱۰ اکتوبر ۱۹۲۳



عكس ۱۷ - هیکل ۳۵ متری یا « بت كوچك » بامیان



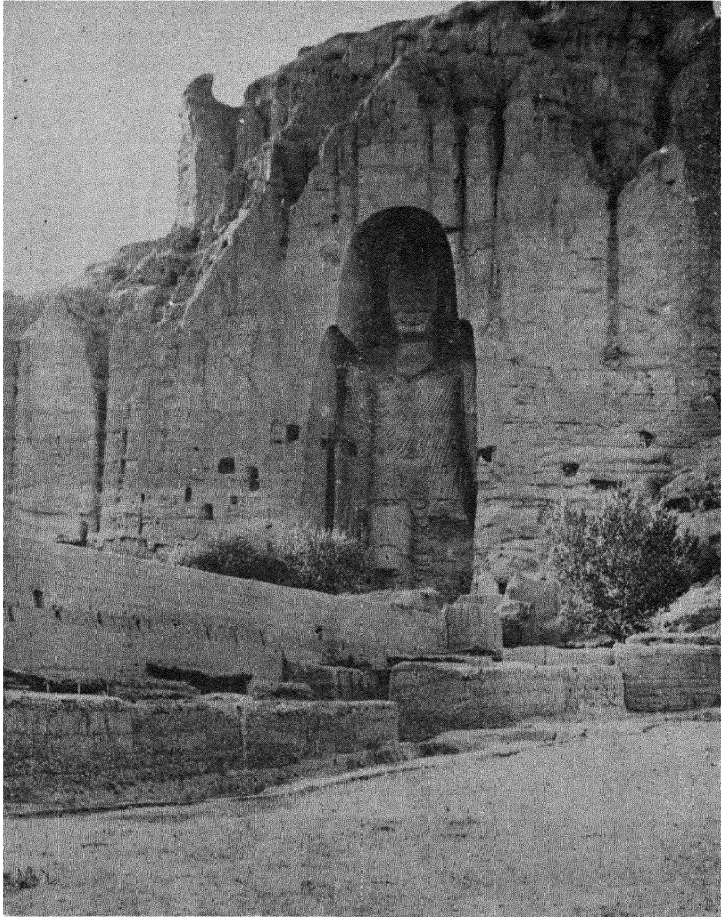
بامیان عبارت از دو مجسمه عظیم الجثه بت های استاده ( ۱ ) است که در جدار سنگی ( عکس ۱ ) کونگلو مرا ( اختلاط گل و سنگ ریزه ) عهد سوم طبقات الارضی که حاشیه شمالی دره را تشکیل داده تراشیده شده اند. بودای ۳۵ متری در حصه شرقی جدار سنگی در طاقی قرار گرفته که حصه فوقانی آن ۸ متر عمق داده ( عکس ۰۷ ب ) . سطح چپ این طاق نواقصی دارد که از آن فهمیده میشود این بت کار اول دستی صنعتگران بوده و از همه اولتر به تراشیدن آن پرداخته اند اعضای بودا کلفت و بی تناسب سرا و بیحد بزرگ ، سینه اش نهایت برآمده ، شانه ها از حد زیاد فراخ و رانها مانند شع دیوار در بدن او چسپیده است تفصیلات صورت بودا معلوم نمیشود زیرا پیشانی ، بینی و لب های او را اصولاً خراب کرده اند و امروز از پیشانی تا زرخ بصورت سطح عمودی باقی مانده است چین های لباس او را مجزی از گل چونه ساخته به بدنش ملتصق نموده اند . چین های بهم نزدیک یلان سلطانی ( Sainghati سنگنی ) که کاملاً بدن بودا را می پوشاند خط الرس های تیغه داری را نشان میدهد . ملاحظاتی که راجع به عدم تکامل منظر طاق و اعضای ناموزون و بی تناسب این مجسمه نمودم از بک طرف ، وجود سمج های قدیمی که در مجاورت نزدیک بت ۳۵ متری واقع است از طرف دیگر ما را با این وادار نمود . که همین دسته سمج های اطراف بت ۳۵ متری را قدیمترین عمرانات جدار سنگی و مربوطات همان معبد شاه قدیمی ( قرن اول مسیحی ) بشماریم . حالا بیائیم به دو مجسمه عظیم الجثه که آیا در چه قرنی ساخته شده اند و عمر تقریبی آنها چه قدر خواهد بود . موسیو الفرد فوشه عصر ساختمان دوت عظیم بامیان را با عصر تراشیدن بت های بزرگ سه نقطه دیگر مقایسه کرده در نتیجه عمر تخمینی اینها را واضح میکند ، مشارالیه میگوید : « عصر ( ۱ ) فاصله بین دوت بزرگ تقریباً ۴۰۰ متر میباشد

ساختمان دوبت عظیم بامیان نسبت به زمانیکه تراشیدن بت های عظیم الجثه از سارو و گچ رواج بود و هنوز بقایای پاهای بزرگ آن در خرابه های «نخت باهی» «ناکزینلا» دیده میشود مؤخر 'نسبت به بت های چینی (ایشان هم درسنگ تراشیده شده) مقام «ین-کنگ» Yun Kang که در قرن ۵ و «لانگ من» Long Men که در قرن ۶ ساخته شده اند مقدم و بابت های «راوات» Ravât سرهند Srinde همعصر میباشند» (۱)

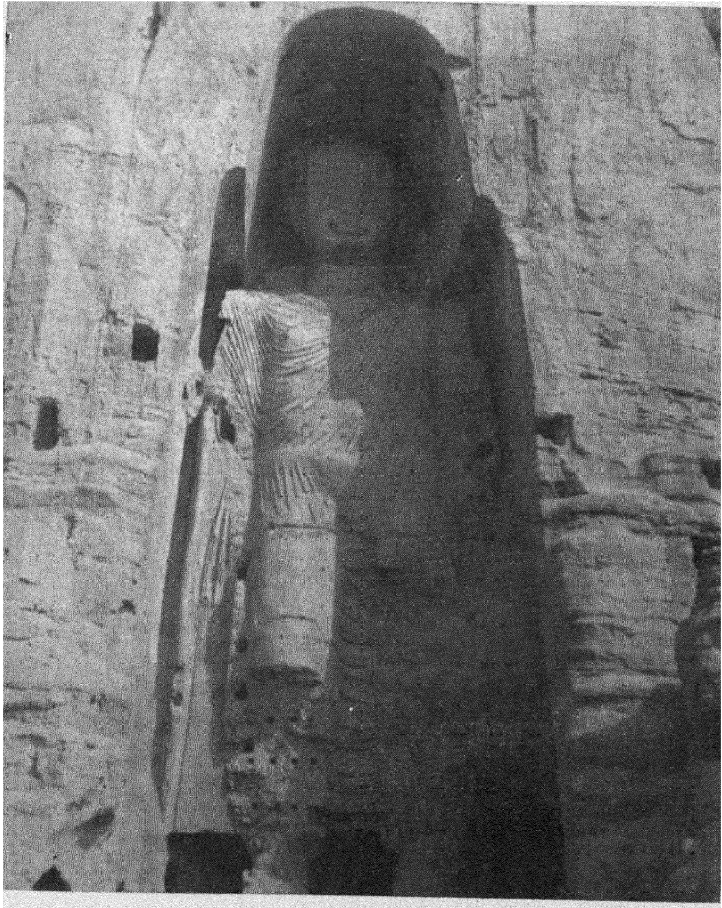
زوار چینی هونسن هم تشریحاتی در اطراف مجسمه های عجیب (فان-یان-نا) Fan Yan Na یعنی (بامیان) در دسترس ما گذارده است. در عصریکه زوار چینائی وارد بامیان میشود یعنی در سال ۶۳۲ مسیحی بت ها از ورق طلا یا بهر قسمیکه رنگ آمیزی شده بود چنانف وانمودی نمود که زوار خیال میکرد بت ۳۵ متری از برنج ریخته شده باشد چنانچه مشا رالیه میگوید: «هر حصه بدن بودار اعلا بجده ریخته سپس آنها مجتمع و مجسمه ایستاده بودا ساکیا مونی Sakya Muni را تشکیل داده اند»

بت ۵۳ متری: - بت ۵۳ متری در طاق سد گوشه (عکس ۱۰) ترقی حساسی در ترسیم خطوط خا که کاری که تازه مطالعه نمودیم نشان میدهد. بدن بودا که با طرز و سابقه خوشنمودی تراشیده شده لنگر دار و شاقولی و بطرز مدل های یونانی که از روی آنها ساخته شده کمی سرین برآمده استاده است. صورت بت بزرگ مانند روی بت کوچک اصولاً و قصداً خراب شده درین حصه تراشیدگی بقدری عمیق و زیاد است که کاملاً پیشانی، چشم ها، رخساره ها

(۱) از قرار مقایسات موسو فوشه معلوم میشود که دوبت بزرگ بامیان در قرن ۳ و ۴ مسیحی تراشیده شده باشند. چون قبلاً بلاحظه رسید که بت ۳۵ متری یعنی بت کوچک کار ول دستی صنعتگران میباشد لذا عصر ساختمان آن بقرن ۳ و از بت بزرگ ۵۲ متری بقرن ۴ یا ۵ مصادف میشود. (مترجم فارسی)



عکس ۱۰ - هیکل ۵۳ متری یاب ت بزرگت بامیان .



عکس ۱۱۱ - هیكل ۵۳ متری بوضیعت فعلی  
بعد از خرابی کناروان سرای و دکان های مجاور. بزرگت بامیان چنین معلوم میشود.

و بینی بت را معدوم کرده است معذالک هنوز لب هایش باقی است. آرنج های بت که در خود سنگ دیوار تراشیده نشده بلکه با ستون های نیکه روی آنرا چونه و ساروج گرفته بودند ساخته شده بود افتاده امروز وجود ندارد. اگر از روی علائمی که در جدراطاق دیده میشود قضاوت شود آرنج راست او حتماً بلند بوده و (حرکت اطمینان) Abhaya - Mudra را نشان میداد و آرنج چپ در امتداد بدنش آویخته بود. پا های بودا را دو قرن قبل نادر شاه افشار بفر نوپ خراب نموده است (۱) بالای ران راست سوراخهای میخ های چونی دیده میشود که اصلاً برای نگاه داری رده های برجسته چونه و ساروجی لباس بکار رفته است و امروز رده چین های یلان شاهی را نشان میدهد. (عکس ۱۱) سر میخ های چونی توسط ریسانی بهم دیگر محکم شده بود چنانچه در بعضی ریسان آن معلوم میشود. این ریسان ها و میخ ها اصلاً برای محکم گرفتن گل و ساروج چین های لباس بت استعمال شده اند. در بعضی قسمت های البسه هنوز این چین ها وجود دارند و مانند رده های برجسته، متوازی در امتداد شانه چپ فرود آمده، به طرف حصه وسطی سینه منحنی میشوند و باز مجدداً طرف شانه راست بالا میروند. اگر از جوارح کلفت مجسمه صرف نظر شود، از حیث لباس با ترتیبات البسه چین دار معموله عصر «گوپتا» Gupta خیلی قرابت دارد. چین ها لباس بت بامیان در اثر وسائل تخنیک محدودی که عبارت از: استعمال گل و چونه میخ های چونی و ریسان میباشد صورت گرفته و در بهم رفته منظر ترسیم اولیه آن نسبت به چین های حفر شده البسه مدل های مجسمه های یونانی اختلاف کمی دارد. شك نیست که امتیاز مخصوصه مجسمه های بامیان را زواری که اینجا می آمدند بعنوان مدل اتخاذ کرده باشند. احتمال می رود که در مجاور اصنام عظیم الجثه چنین معمول بوده باشد (۱) این قصه که نادر شاه افشار پا های بت مذکور را خراب کرده بنزد ما حقیقی ندارد شاید محرر از کدام ذریعه غیر موثوق شنیده باشد «انجمن»

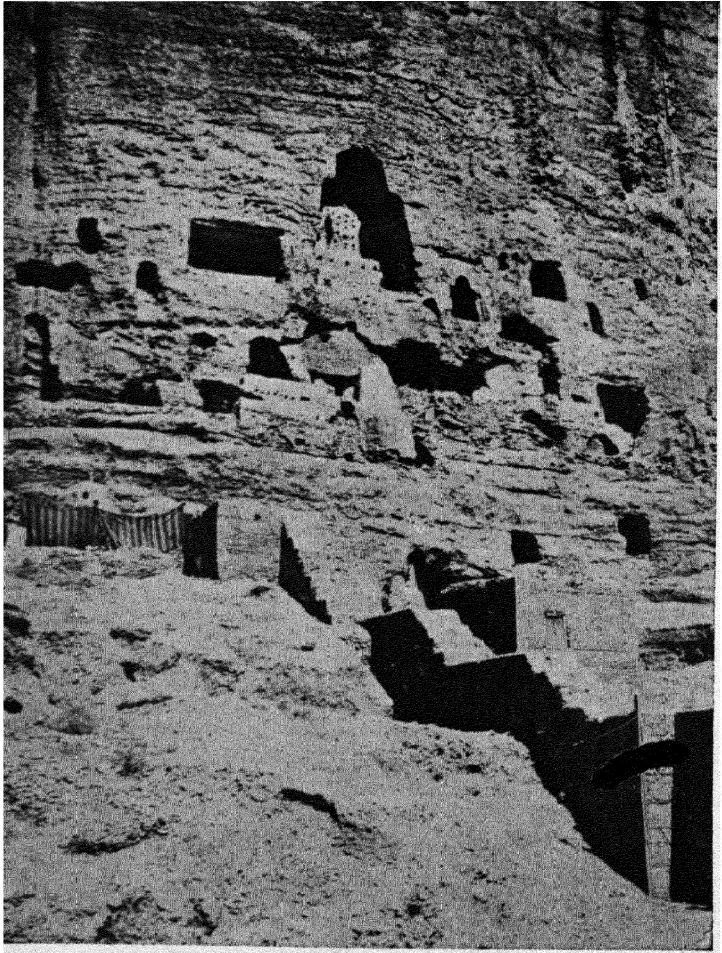
که مجسمه های کوچک آنها را می فروختند که بعد ها بدین وسیله در تمام دنیای بودائی منتشر می شد. چنانچه ما در مجسمه های کوچک قدیمه و جدیده چین و جاپان و تبت نمونه اصنام بامیان را یافته ایم .

طاقهای دوتب بزرگ بامیان بفاصله ۴۰۰ متر از یکدیگر دور افتاده اند در این فاصله سه طاق دیگر در جدار سنگی ساخته شده که در آنها سه بت بزرگ دیگر قرار گرفته بود. این سه بت بصورت نشسته تراشیده شده بود و امروز فقط از دو تائی آنها بجز از یک هیولا چیزی دیگری معلوم نمیشود و رقه چونه که روی اندام سنگی آنها را پوشانیده و اشکال و اعضای مجسمه ها را معین میکرد کاملاً افتاده و از بین رفته است ( عکس ۱۲ الف - ۱۳ الف - ۱۳ ب )

در حصه نزدیک دره کوچک « ککرك » که بجنوب شرقی جدار بزرگ سنگی دره بامیان باز می شود یکدسته معابد مهمی وجود دارند که در مرکز آنها در یک طاق که سابقاً از تزئینات رنگه و منبت شده تزئین یافته بود هنوز هم يك بت ۱۰ متری ( عکس ۱۴ الف و ب ) ایستاده است در روی رقه ساروج جز چند قات بلان چیز دیگری دیده نمیشود این مجسمه حتماً نسبت به دوتب بزرگ ایستاده جدار سنگی بامیان پسان تر ساخته شده زیرا طاق بودای دره ککرك از تزئینات حجاری شده مزین است و بعد از مطالعه سمج ها بلا شبه واضح فنده است که تزئینات رنگ آمیزی نسبت به تزئینات حجاری شده اولتر مورد استعمال بوده است .

### راه های رفت و آمد سمج ها و بت ها و غیره

مسافرین اروپائی که بامیان را معاینه کرده اند عموماً آثار نقاشی که طاقهای بت ها را مزین کرده است خاطر نشان کرده اند . « مور کوروف » و « شارل مسن » مینویسند که در داخل جدار سنگی زینه بشکل شبستان عمودی حفر شده.



عکس ۱۲- یکی از بوداهای نشسته



که در حصص فوقانی طاق و همچنین به دهلیزی که زوار دران دور سر بودا ۳۵ متری را میکشند کشیده شده بود. « مور کوروف » و « مسن » ادعا دارند که همینطور زینه در حصه فوقانی طاق بت بزرگ نیز رفته است. چنانچه مور کوروف درین موضوع مینویسد: « در قسمت داخلی ( اطراف طاق ) که بشکل بالها پیش برآمده است زینه وجود دارد که به دهلیز عقب کردن مجسمه رفته است. لیکن ما بقی پاهای زینه بت بزرگ از یک نقطه خراب شده که انسان بدان رسیده نمیتواند. اما بت کوچک اینطور نیست. پاهای زینه مجاور بت کوچک هنوز بقدر کفایت قابل العبور است و ناسر مجسمه رفته است. « شارل مسن » مینویسد هنگامیکه بامیان را معاینه میکردم سمچهای تحتانی واقع مجاور زینه ( بت ۳۵ متری ) را « شخص بد خلقی اشغال کرده و در آن بساط دکانش را که عبارت از پوست حیوانات باشد منبسط نموده بود. « شارل مسن » میگوید: « التجاو ترسانیدن درین موقع کاری نمیداد و « غیر ممکن » بود راه عبوری به بالا پیدا نمایم زیرا شخص مذکور اظهار مینمود: « از قراری که من معلومات دارم چنین زینه که بالا رفته باشد وجود ندارد. « مسن » اهمیت کامیابی خود را به رسیدن سر بت بزرگ کاملاً ملتفت شده متیقن بود که اگر سر بت مذکور برسد از معاینه تصاویر استفاده خوبی خواهد نمود.

بالاخره چون « مسن » چاره نیافت از عزم صعود سر بت بزرگ گذشته مانند « مور کوروف » باین قانع شد که به حصه فوقانی طاق بت ۳۵ متری بالا رود زیرا زینه داخلی آن خوب محافظه و قابل العبور بود.

بیانیم به اظهارات شخص دکاندار. دکاندار مذکور اصلاً راست گفته بود که آنطور زینه که به سر بت بزرگ رفته باشد وجود ندارد: زیرا محتملاً اگر همچو زینه وجود داشته بود، برای رفت و آمدن سمچهای مجاور طاق بود و

هرگز به قسمت و سطحی دهلیز شبستانی که از آنجا میشود به حجمه بت ۳۵ متری بالا شدن زفته است .

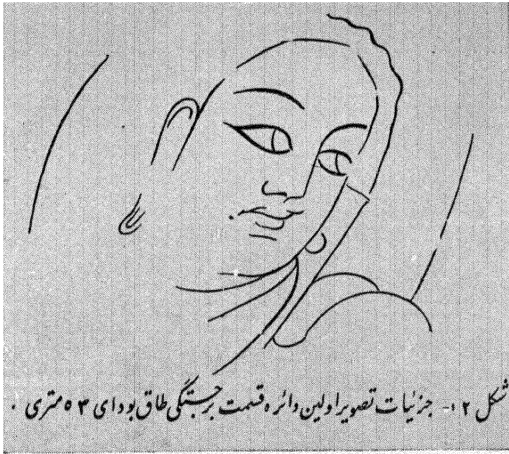
در (۱۹۲۳ موسیو اندره گو دار) از يك راه بسیار تنگ که به ارتفاع ۶۰ متر از زمین بالای جدار سنگی کشیده شده ، عبور کرده به دهلیز شبستان که مخصوص دور کردن دور سربت است رسیده ، این راه رو جدید اصلاً همان راه قدیمی است که تدریجاً در اثر فروریزخه گهها معدوم شده رفته بود . امکان دارد که سابقاً کدام زینه چوبی یا خشت پخته در حصص خارجی وجود داشته که از آن عبور کرده بنای کوچک بالای شانه چپ بت را ساخته اند چنانچه در کروکی ( سنت و یسفت فیر ) Saint Vincent Fyre و کپطان « میتلاند » سوراخهای که جای نهادن نوك های چوب ها بوده و ذریعۀ آنها زینه مذکور نگاه میشد معلوم میشود . عدم چنین زینه که بایستی به دهلیز گردیدن دور بت ۵۳ متری رفته باشد حجت دیگری است که نظریۀ قدامت بت کوچک ۳۵ متری را تحکم میکنند پس تصور نباید کرد که چون بت ۳۵ متری اولتر ساخته شده طبعاً آهسته آهسته مقارن زمان ساختمان بت بزرگ متروک شده باشد نه اینطور نیست . از روی مشاهدات معلوم میشود که در مجاورت بت کوچک سمجهای حفر شده که هم عصر سمجهای مجاور بت ۵۳ متری میباشد . پس امکان می رود که کارهای ساختمان زینه داخلی و دسته سمجهای بودا ۵۳ متری بواسطۀ فتح اسلام منقطع شده باشد .

### تصاویر رنگه

به نظر ما قدیم ترین آثار تصاویر رنگه بامیان در صفحات اطراف طاق بودا ، ۵۳ متری زیر خط الراس برجستگی سمت راست وجود دارد . حصۀ فوقانی صحنۀ رسم که بواسطۀ پیش برآمدگی برجستگی فوق الذکر نسبتاً محافظه شده شامل یکمده



عکس ۱۱۷ - چهره‌های تصاویر صحنه رنگه که اولین دایره قسمت بر جستکی طاق بودای ۳ ه متری را مزین نموده



صحایف مدوری است که بعضی حصص آن از یک ورق گل پوشیده شده است. (عکس ۱۴ الف). دایره اولی صورت (عکس ۱۷) سه (ژنی) را نمایش میدهد که بایک حرکت جانب مجسمه بودا (شکل ۲) به پرواز اند. این اشخاص از روی قیافه و وضعیت پا رده های تصاویر گند هارا قرابت دارند چنانچه موسیو ه فوشه ه در «بزاره های» Brs Reliefs گنده هارا ملاحظه کرده است که این اشخاص مشغول ریختن گل از بالای باشند طوری که بدست چپ گوشه چادری را محکم گرفته اند و بدست راست از دامنه چادر گل هارا جمع می کنند. در تمام صفحات منقوش این دسته تصاویر، حرکت دست چپ نیز وجود دارد لیکن ژنی چیزی تقدیم نمیکند.

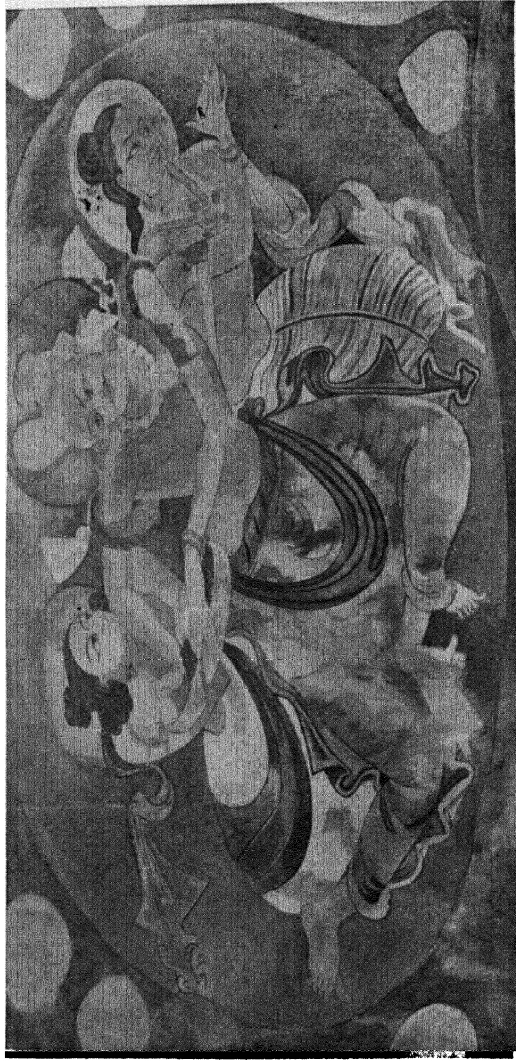
اگر چه رنگ دایره دومی کاملاً رفته است باز هم میشود سه نفر را در آن تشخیص کرد. اشخاص مذکور عبارت از یک ژنی و دو خانمش می باشند که یکی آنها دست های خود را بهم چسبانیده و دیگری بطنوس تحفه را در دست گرفته است.

دایره سومی خوبتر محافظه شده (شکل ۲-۴-۵-۰ عکس ۱۵-۱۶ ب) و در آن یک ژنی باخانمش که بطرف راستش قرار گرفته معلوم میشود ژنی هدیه را که خانمش در بطنوسی باو تقدیم میکند میگیرد. زن دیگری که بطرف چپ ژنی ایستاده انگشتی در آخر انگشتش دارد.

دایره چهارمی شبیه سومی است لیکن این چا ژنی که تحفه تقدیم میکند طرف راست و زنیکه بطنوس در دست دارد طرف مقابل قرار گرفته. بالای این صحایف مدور تصاویر خیلی معیوب ه بودا (عکس ۱۵ الف) معلوم میشود که همه نقاب و تحت درخته بودهی Bodhi که برگ های آن واضحاً از یک دیگر متمایز است نشسته اند. بودا سوم قطار اول حرکت ه عرفانی و مرموزی Mudra را نشان میدهد. حرکت تعلیم که

مختصه بودا انسانی ، کرا کوك شاندا ، Krakue chanda ، دیانی بودا ویر و کانا ،  
 Dhyani Boudda Veirocana میباشد تشخیص می شود . بت های قطار دوم بزیر  
 درخت ، بودهی ، نشسته اند . ( کرا کوك شاندا زا ) و ( وی رو کانا ) در جا های  
 مخصوص خود در سر گز هر قطار قرار گرفته اند اگرچه طرح خطوط اطراف کمال  
 مهارت تخیلی و رسم خطوط معموله منتهای نزاکت را حائز است باز هم با وجود این  
 مزیات تصاویر رنگه بامیان با تصاویر رنگه مشهور ( الف اجاتا ) چندان قابل مقایسه  
 نیست در بامیان ، اگر رویه پخته به جزئیات نقوش هم نگاه شود در مقابل مهارت  
 های فوق العاده ناقابلیت های طفلانه نیز وجود دارد . در بعضی جاهائیکه پاها خوب  
 رسم شده اند بکمال وضاحت اختصاص طراحی انگشتان و مدوری رانها که مخصوص طرز  
 کار اجاتا می باشد بیاد می آرند اما در غالب جاها این جزئیات کاملاً مانده و مراعات  
 نشده است چنانچه این رویه در یک حصه زیاد صحنه منقوشه دیده می شود . از اصول  
 کرده و مشبک که استعمال زیاد در تصاویر آسیای مرکزی و مخصوصاً در تبت داشت  
 دیده نمیشود ، رویه نقاشی بامیان چنین بوده که ابتدا روی صفحه ورق چونه قواره  
 اولیه تصاویر را کشیده دوباره خطوط مذکور را به خط های سرخ روشن نموده اند .  
 بعضی جاها خطوط این قواره اولی را با خط سیاه اصلاح کرده اند سپس بکمال دقت و  
 احتیاط آنرا رنگ آمیزی نموده اند و بعضی فینه های چنین دار را قالب گیری هم  
 کرده اند .

زن هائیکه درین تصاویر نمایش یافته اند سیما و شکل هندی دارند چنانچه  
 چشمان آنها بادامی ، مژگان شان بلند ، بازو های شان باریک و انگشتان آنها  
 طویل و قابل انحناس است . بعضی جزئیات لباس و زیورات نفوذ قدیم مشرقی را



عکس ۱۱۶ - صحنه منقوش رنگه که سومین دایره قسمت بر چستکو طان بودای ۳ ه متری را مَرین نموده



نیز یاددهانی میکند چنانچه ژفی مذکور بك (كوستی Kosti) شرقی وگردنبند مروارید داری پوشیده است پس طوریکه ناحیه قزل (در ترکستان) اختلاط نفوذ صنعتی بعضی ممالک مشرقی مجاور را بما ارائه نمود، در منطقه بامیان که موقعیت اختلاط و آمیزش اقوام مجاور را دارد اختلاط نفوذ صنعتی ممالک مذکور را نیز مشاهده میکنیم.

در حصص فوقانی بر جستگی طاق ورقه چونه تا ارتفاع شقیقه بت کاملاً افتاده است. بطرف سقف گفته بالای تزئیناتی که بشکل فینته های چین دار افتاده است بالای يك قطار تزئینات گل ها اشخاص نقاب داری روی دوشکها و چوکیها نشسته اند (عکس ۱۸ الف ب) بعضی ها بوضعیت بی قیدانه نشسته اند که شکل نشست (لاتی بازانا) Latibasana بعضی «بودیس اتوا» (۱) ها را یاددهانی میکند و بعضی دیگر چنان پای را قات کرده نشسته اند که چهار زانو هم گفته نمیشود زیرا کف های پاهای آنها رو بهوا معلوم میشود.

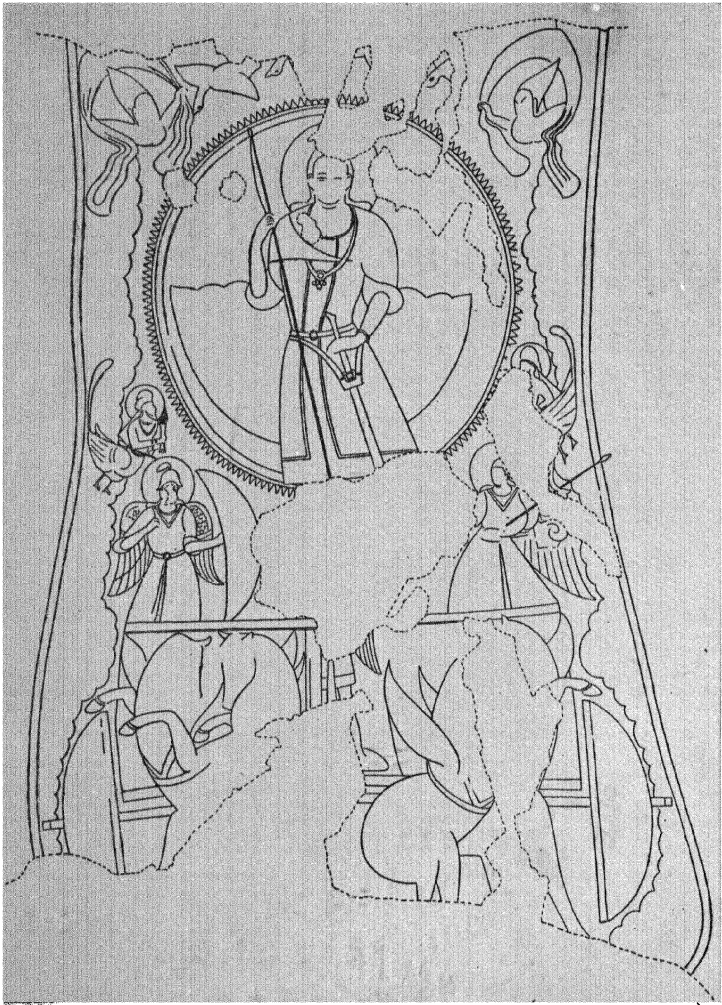
این اشخاص حرکت عرفانی مرموز (میدرا Midra) حرکت استدلالی (وی تارکامودرا Vi Tarkamudra) و حرکت تعلیم (دارما - کارکا - بودرا) Dharma Caraka Mudra را نشان میدهند حصص تحتانی بدن آنها در قات های (دوتی Dhuti) که یکنوع لباس است پوشیده شده. علاوه برین بالای شانه های دو نفر ایشان چادری نیز دیده میشود. (عکس ۱۹ الف و ب - ۲۰ الف). تمام این اشخاص بازوبند، گردن بند، و گوشواره پوشیده اند. موهای یکی از آنها بشکل گره بفرق سرش بسته شده و دیگرها چادری سر کرده اند و حجمه آنها معلوم نمیشود.

(۱) «بودیس اتوایی از مقامات مذهبی بودائی است که هنوز بعتیقه بودائی ها بمقام اکتبت

بودائی رسیده.

این اشخاص که بدین سان نمایش یافته اند امکان ندارد بت باشند و بواسطه عدم وسایل اختصاصیه نمیشود آنها را در صف « بودیس اتوا » حساب کرد. این تصاویر را پایه های که گلدسته فوقانی آن بزرگ است از یکدیگر جدا میکند. دو صورت مؤنث که یکی آن نقائی بر رخ دارد بصورت نیم تنه بالای گلدسته (عکس ۱۸ الف و ب) پشت به پشت نقش شده اند. ایشان يك حصه زینه يك استوپه را که گنبد و با بصورت دیگر چتر آن معلوم میشود پنهان کرده اند. بالای قطار اولی اشخاص چند تصویر مؤنث برهنه می باشد، یکی از آنها که در حصه فوقانی و بطرف راست (عکس ۱۷ الف) (عکس ۲۰ ب نیز ملاحظه شود) واقع است شبیه بعضی نمایشات « قزل » است. رنگ حصه فوقانی سقف خیلی پاک شده و اثری از نوشته بهلوی که (من) خاطر نشان کرده بود یافت نمیشود. اگر چه من مسافر امریکائی صریحاً شهادت میدهد که نوشته بهلوی را دیده لیکن قبول این مسئله بر ما دشوار میگردد که بکمال وضاحت نوشته به بالای سربت ۵۳ متری دیده باشد. این نوشته را که (ژر نسیپ) J. Prinsep. مضمون نا نا نو Nanao یا نا نا نو Nanano - مهتاب قیاس نموده تشخیص ناظر بالای سر مجسمه ایستاده نباشد، دیده نمیشود. حال آنکه « من » خوب متیقن است که هرگز بالای سربت موصوف بالا نشده فقط طوریکه قبلاً ذکر رفت چون زینه داخلی که بر سربت ۳۵ متری رفته است بکمال خوبی قابل عبور بود « من » بدون تکلیف به دهلیز طواف و از آنجا تنها به سربت ۳۵ متری رفته است نه به سربت بزرگ.

مشارا لیه از سربت کوچک بکمال آرامی صحنه وسیعی را (شکل ۶ - عکس ۲۱ الف و ب) که سقف طاق را مزین نموده و بنظر ما مهتاب را نمایش میدهد معاینه و رسیدگی



شکل ۱۶- صحنه که سقف طاق بت ۳۵ متری رامزین نموده در بانه نوع ماهتاب را نمایش میدهد.



نموده است. شخص عمده این سجنه در وسط نقاب مدور آبی رنگی نمایش یافته است که دور آن محیط آن کنگره بشکل دندان‌های اره رسم شده. شکل نیمه مهتاب برنگ خاکی مایل به نیلی در قسمت تحتانی نقاب منقوش است. این شکل اختصاصیه را بایستی به ملاحظات موسیو هرزفلد Hershfeld مطابق دهیم: پرو فیسر موصوف ملاحظه نموده که عصر تمدن باختری ماه را بصورت شکل ماه نو در دائرة نمایش میدادند در بامیان ماه که بصورت شکل انسانی درآمده بالای علامه اختصاصیه (ماه نو) که بشکل نیم دایره نیمه ماه تشکیل شده قرار گرفته است.

احتمال می‌رود نوشته که « مسن » دیده بود در تحت همین نمایش در قسمتی که در قه چونه آن افتاده و حجر برهنه معلوم میشود وجود داشته شخص عمده مرکزی نقاب دار که فوقاً ذکر رفت کمی بطرف راست برگشته گیسوهای درازش بالای شانه هایش منبسط شده. گردن بندها گردنش را مزین نموده تیونیک (۱) بلند استوارش را که از فیته عریض بنفش مایل به خاکی حاشیه داده شده، مکر بند دو تسمه در بدانش چسبانیده. در کمر موصوف شمشیر طولی آویخته است آستین‌های تیونیک نیمه یعنی تا آرنج می‌آید. در دست راستش نیزه ایست که در آخر آن پارچه مثلث نمائی بشکل سر نیزه منصوب است. این شخص از روی لباس و اسلحه بوضاحت تمام به اعانه دهندگان « کتورما » Kunturma و قزل نزدیک « کیوکا » Kuca آسیای مرکزی قرابت دارد و موسیو « ون لوکوک » مبدء آنها را ایرانی خاطر نشان کرده است.

موسیو پرو فیسر « هرزفلد » لطفاً اراء نموده که این قرابت‌ها تنها به نمایشات آریان آسیای مرکزی محدود نیست بلکه اشکال شبیه به اشکال نمایش (۱) تیونیک بگونه لباس اندی است شبیه به چین لیکن فراخ‌تر است و آستین‌های طولی ندارد و به بدن چسبیده میباشد.

یافته بامیان در بیزاره های دوره ساسانی دره شاپور که نظریافتن شاپور را به امپراطور « والرین ، Valerien ( ۲۶۰ سال بعد از مسیح ) نشان میدهد نیز ملاحظه و سیده است .

در دو طرفه صورت مرکزی بری های محافظ نقاب دار ، بالدار نمایش یافته اند و هر کدام « تیونیک » درازی در بر کرده اند . بری سمت راست ( شکل ۶ - عکس ۲۲ ) نیزه در دست دارد و بری طرف چپ بکر قم کلاه خودی پوشیده و سپری بدست گرفته است . بالای این محافظین صورتی نمایش یافته که نیمه آدم و نیمه برنده است و در عین حال تحفه نیز آورده است . به گادی رب النوع چهار اسپ سفید بالدار بسته شده و این ترتیب از نمایشات عصر یونانیان یاد دهانی میکند . تحت رب النوع بالای گادی چهار اسپه قرار گرفته که بطرز برده های منقوشه مکتب گند ها را ترسیم شده چنانچه نظیر آن در تصاویر عصر « کوبتا » Gupta و در آسیای مرکزی در مناطق « قزبل » « کنورا » و « کرش سیمسیم » Kirish Simsim و « تولی - هونک » Toulhouang یافت میشود . ( هیئت پول پلیو ) موسیور و فینسر « هرزفلد » میگوید که موسیور و Rhuther در شهر بابل قیافه یافته است که به تصویر رب النوع مهتاب بامیان خیلی قریب بوده است .

علاوه برین درین صحنه وسیع گادی ران کوچکی دیده میشود که بالای نخته مقابل گادی ایستاده و جزئیاتی مثل پاها ، قسمت تحتانی « تیونیک » و بال هایش تشخیص میشود . در کنج های فوقانی صحنه مذکور اشخاص کوچکی نمایش یافته اند که جز رب النوع شمال چیز دیگر نمیباشند تنها فرقی که بین این رب النوع و رب النوع ثبت میباشد این است که در ثبت یکنوع مشک علامه جمع آوری شمال است و در

بامیان مشك مذکور مبدل به شال شده است .

در سقف دهلیز يك معبد بزرگ دره « کیرش سیمسیم » که بشال مشرق « کسا » Kuca واقع است نمایشانی خیلی شبیه، به نمایشات این صحنه دیده شده چنانچه موسیو « فن لو کوک » در آن نمایشات نمونه اصلیه شیاطین مؤنث تبت را درك کرده است . قاز هائیکه در حصه فوقانی صحنه بحالت پرواز نمایش یافته اند بلاشبه ارواح نیکوکاران را نمایش میدهند .

در کنار راست و چپ صورت مرگری دودسته اشخاص بنظر میخورند ، بعضی از ایشان اعانه دهندگان میباشند که عقب کتاره برنده که از نخته های متجزی و قالی ها مزین میباشند جا گرفته اند و بعضی دیگر پدش روی برنده نشسته اند ، در میان تصاویر این دسته اشخاص (عکس ۲۳ - الف - ۲۳ ب ۲) چنین معلوم میشود که دوفتر بالای برگ « لوتوس » Lotus نشسته اند . شاهه های راست آنها برهنه و حرکت تعلیم را نمایش میدهند ، این هر دوت میباشند - دوفتر دیگر (عکس ۲۳ - الف ۳ - ۲۳ ب ۴) اختصاصات متناقصه دارند : در صورتیکه وضعیت ، نقاب ، اشعه نقاب علائم نمایشات کلاسیک و مختصه بودا را یاد دهانی میکند ، جزئیات تزئینات مثل : گردن بند ، بازو بند ، البسه : ( بالای لباس شاهی بکنوع لباس سه گوشه ( ۱ ) بنظرمی آید که لباس شاهی را می پوشاند اشخاص ذی مقام غیر روحانی را معرفی میکند که احتمالاً در انوقت مقام شامخ معنوی داشته بودند . بالای شاهه های این اشخاص عجیب و غریب بطرف راست و چپ « کوستی » قرن اول معموله شرقی پراگنده شده . آنکه در قطار سمت چپ منقوش است کلاه عجیبی دارد که از يك چیزیکه بشکل شاخ میباشد زمین شده این ( ۱ ) این لباس را معمولاً کامایل Camail یاد کرده اند .

جزئیات در کلاه های بعضی ذی مقامان اهالی منیشی من Manicheens که در بازالكلیك ( Bazaklik ) قریب «مرتک» Murtuq نمایش یافته نیز بنظر میخورد. این ذی مقامان بکنوع تزئینی دارند که بشکل سه دندانه میباشد و منظر دو شاخه اطراف آن خیلی شبیه به نمایش تزئینات بامیان میباشد.

عقب برنده یکنفر راهب نقاب دار (عکس ۲۳ - ب و الف) ایستاده و اعانه دهندگان دسته راست را طرف بودا رهنمائی میکند. عیناً برطبق عادات معموله سر این راهب تراشیده و شانه راستش برهنه میباشد در یک دست یک چراغ طلائی و در دست دیگر شی محترمی را که شکل «استوبه» (۱) دارد گرفته است. چنانچه این شکل غالباً در آسیای مرکزی دیده میشود.

دو طرفه مجسمه بودا شاهزادگان خانواده - خانواده : مرد ، زن ، اطفال پیش میروند. کلاه هائیکه بالای آن صورت ماه نو و اشکال کروی (عکس ۲۲ الف ۹۰۵ و عکس ۲۳ ب ۸ و ۱۰) منقوش میباشد شبیه کلاهائی است که بعضی شاهان شرق وسطی و اشخاص ذی مقام می پوشیدند گوشه های کمر بند سری یعنی «کوستی» بالای شانه های بعضی ذی مقامان در توج است (عکس ۲۳ ب ۸ - ۱۲ - ۱۴) موهای مجعد یک شاهزاده خاتم منتهی به کیسوی خم و شکن دار درازی شده (عکس ۲۳ ب ۱۰) و این اختصاص

(۱) «استوبه» در ابتدا جزء معابد بودائی بشار نیفت و اصلاً عبارت از مقامی بود که خالک دادا، یارو حانیوت بزرگ، و یابعضی یادگار های محترم روحانیون را در ظروف چوبی و یاقترئی نهاده انجام میداشتند و روی آت گنبد و عمارت بریامیکردند. بعدها چنین رواج شد که پیادگار بعضی روحانیون و کار های فوق العاده آنها عمارات بدین نام و نشان بنامیکرد. آهسته آهسته این نوع مقبره هم نزد بودائی ها مقام معبد را پیدا کرد. شکل آن عموماً چنین است که گنبدی روی صفحه مربع شکل قرار گرفته باشد. بالای گنبدی چنین چتر مدور میساختند که بتدریج هرچه بالا میرفت دایره چتر آن خورد میشد. (مترجم فارسی)

اکثراً در آسیای مرکزی دیده میشود. بعضی ازین نفی به قطارهای چرمی مزین هستند (عکس ۲۳ الف ۵ ب ۸) و دیگرها غالباً فی ریش و قیافه مختلفی دارند (عکس ۲۳ الف ۷ - ۹ - ۱۱ - ب ۱۲ - ۱۴) « تیونیک » استر دار حاشیه دار سواران « قزل » را در بر کرده اند



اسم این صحنه وسیع که نقلهای آن در موزه خانه کیمه یاریس (عکس ۲۴) گذاشته شده خیلی ها ساده است. رنگ آنرا که مرور زمان خیره ساخته نسبت به نقاشی به رنگ مالی شباهت زیاد دارد « روی هم رفته بمناسبت شباهتی که بین این تزئینات و تزئینات آسیای مرکزی (قزل - کتورا و غیره) موجود است حتماً دیدن آن انسانرا متأثر میسازد زیرا طوریکه قبلاً ذکر رفت طرز کار، و وضعیت راهی بودا، قیافه و البسه اعانه دهندگان تماماً اختلاط عجیب عناصر هندی، و چینائی و آسیای مرکزی را بروز میدهد.

امکان دارد که نفوذ باختری در دره بامیان تا هنگام تهاجمات اعراب باقی مانده باشد زیرا از مضمون نوشته های « هونستن » مفهوم میشود که تهاجم هن های سفید Huns Blancs که یک قرن قبل از او در دره بامیان سر کشیده بود « نه بی نظمی در خاندان سلطنتی و نه خرابی های قصدی و اصولی در معابد بودائی تولید کرده بود. چنانچه زائر چینی این نظریه را در وقت ورود خود به گندهارا را ملاحظه نموده است. احتمال می رود این تصاویر را راهبینی کشیده باشند که خیلی ها تحت نفوذ عادات صنعتی باختری رفته بودند چنانچه « شارل مسن » (۱)

(۱) بقول موسو فوشه « مسن در زمره کاشفین مقام خصوصی دارد و کسی در راه این قبیل تجسس و جمع آوری معلومات لازمه مانند او مشقات بدنی را متحمل نشده و از او دقیق تر نبوده »

در فرصتی که هنوز هیچ مواد اطلاعاتیه بهم رسیده بود مهارتی بخرج داده اهمیت نفوذ صنایع باختری را در ساختمان صورت کشتی بامیان الهام کرده بود. قطار اعانه دهندگان مخصوصاً توجه این ملاحظه کنند: بصیر را بخود جلب نموده بود و همین ملاحظه است که اول از همه کروکی دسته را که در آن راهب بودائی و دو (زلاتور) محافظ غیر روحانی نمایش یافته بود کشیده است. اگر چه کروکی مذکور متوسطانه رسم شده معذاک اهمیت را که «سن» از آن در نظر داشت هویدا میسازد. اگر سن دورتر رفته به نسبت تفوق بودائیت در منطقه بامیان اظهار شک کند چیزی نمی ماند که ثابت شود که نسبت به دریافت نفوذ باختر که آثار بعقیده خودش بیک خاندان بلخی معاصر ارساسید Arsacides مربوط میدانند بصارت نادری در خود نشان داده خواهد بود.

بعضی آثار تصاویر رنگه هنوز هم در طاقهای بودا های نشسته دیده میشود. صحایف مدور منقوشی که قسمت برجسته و طاق سه گوشه زرگترین بت نشسته را تزئین میکند مخصوصاً دلچسپ میباشد (عکس ۲۵). دوری همراه خاتمهای شاد بطرف مجسمه به پرواز اند و خاتمها یطنوس های هدیه به آنها تقدیم میکنند. این صحنه از نقطه نظر تزئینات روی هم رفته خوب است. بدنها متعادل، رنگها قشنگ و بسلیقه استعمال شده. صورتها را استادانی ترسیم کرده اند که به نسبت برده های نقاشی مذهبی عصر خویش معلومات دقیقی داشته اند، لیکن به ترسیم پاها و دستها چندان مهارت بخرج رفته و معلوم میشود که نقاشان تنها به صورت عمومی اثر خود دلچسپی داشته ازین جزئیات خیلی بی پروا گذشته اند.

بالای این دوائر منقوش تصویر ۹ بودا که شش آن جوهره، جوهره نمایش یافته و سه دیگر آن بالای یک خط واقع اند و یک شکل مرکزی دیگر که احتمال دارد



عکس ۲۰ - صحنه متفوش رنگه که فست بر جستگی طالق بزرگترین بودای نشسته را مزهز نهود.



«بودیس اتوا» باشد (عکس ۲۶) قرار گرفته بتهائیکه طرف چپ شکل مرکزی قرار گرفته اند با آنهائیکه طرف دست راست وجود دارند به يك ترتیب میباشد، این تصاویر خیلی به بوداهای (بازاک لیک) (مرتک) شباهت زیاد دارد: - قیافه بوداهائیکه سقف طاق كوچکترین بت نشسته را زین میکنند شبیه قیافه های فوق الذکر اند. در قطار مرکزی که کنار آنرا اعانه دهندگان اشغال کرده اند در میان دو بودای نقاب دار که برای معاشرت نزدیک شده اند شخصی مشاهده میشود که باج بر سر نهاده و «کامیال» سه گوشه پوشیده امکان میرود این تصویر تمثال «میتریا» Maitreya یعنی «بودا» و «بودیس اتوا» باشد زیرا مشارالیه گاهی لباس شاهی می پوشید و گاهی البسه و تزیینات شهزاده جوانی را در بر میکرد.

اعانه دهندگانی که به کتاره منقوشند تراکت های محافظین مذهبی سقف «سج طاؤس» منطقه «قرل» را یاد دهانی میکند. اگر چه وی هم رفته بین برده های تصاویر بامیان و برده های منقوش «قرل» اختلافاتی موجود است لیکن همین يك تکه حتماً عامل ارتباط بین این دو نقطه گفته میشود. این راه باید ناگفته نگذاریم که درین تکه تصویر بامیان اشکال نژاد های مختلف ملاحظه میشود چنانچه اشخاصیکه رنگ پوست آنها خیلی تیره است هم وجود دارد.

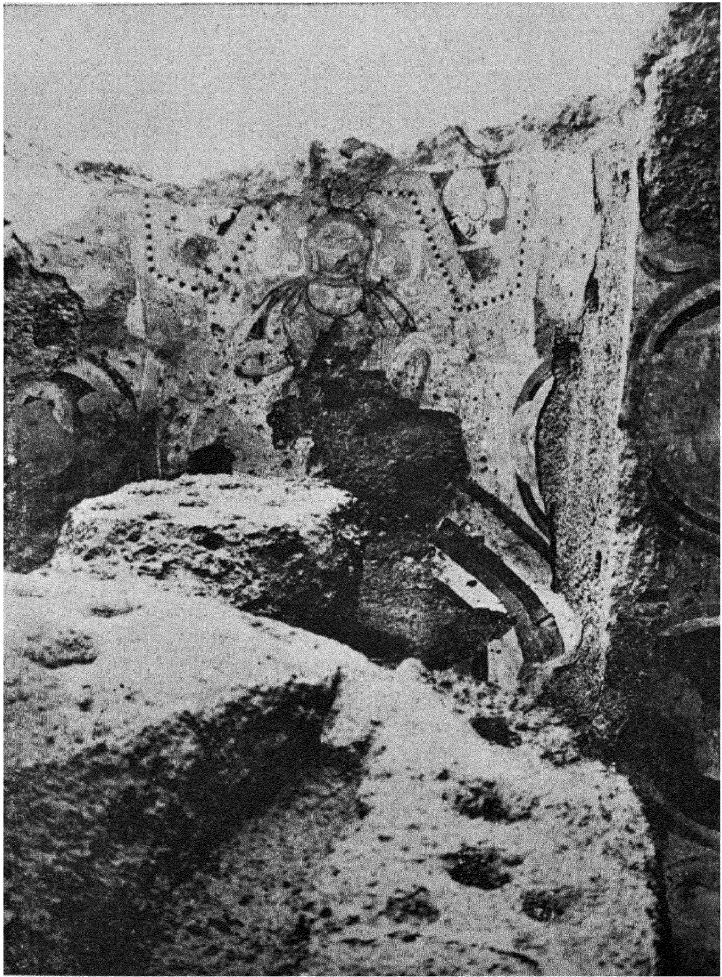
در بالای طاق سومین بت نشسته آثار صحنه وسیعی مشاهده میشود که رنگ آن از رویه رنگ آمیزی معموله خیلی مختلف است چنانچه برآکنده اینجا و آنجا الوان مختلف مثل: آبی روشن، آبی تیره، سفید، و الوان نارنگ خاکی، نسواری و سیاه معلوم میشود. يك «بودیس اتوا» بزرگ کمان سر طاقی ذو ذنقه شکل نشسته است (عکس ۲۷)

چشم های بزرگ، اروان کمان، و وضعیت این بودس اتوای قشنگ بامیان تصاویر عصر «بی زان تین» یعنی یونانیان مشرق شمال مجسمه های کوچک بر بها روحانیون را ظاهر میسازد اگر بدن تصویر بنظر تعمق نگاه شود، اختصاص طرز کار یعنی مدوری زیاد سپینه و بازوها، شانه های افتاده، گیسوان طولیل بافته شده چادر خم و شکن داری که بطرف قسمت اخیرش قات بر چینی خورده، فیته هائیکه اصولاً و متنظراً بگرد سرش دور خورده مقایسه ما را بر هم میزند، رو بهمرفته درین صحنه بسیار مواد مختلف بهلوی هم وضع شده اند مثلاً کلد سته هائیکه بالای پایه های کوچک و باریک قرار گرفته اند چنین معلوم میشود که از روی کدام کلیسای «رومن» تقلید شده باشد.

سر طاقی ذو ذنقه شکل با مقطع عمودی وی ها را Vihara که بام آن زاویه دار باشد مطابقت میکند زیرا اینطور عمارت مخصوص همین منطقه ایست که تابستان آن بارانی و زمستان آن پر برف میباشد چنانچه همین ترتیب معابد کات ماندو «Katmandou» و مساجد «سری نا گار» Crinagar گاهی دو پوشش سر بسر و گاهی تنها یکی دارند.

این سر طاقی ها غالباً بقسم پناه گاه برای اشخاص بکار میرفت و غالباً دو کتار آنرا بالای فیل پایه ها بنا پایه های کوچکی قرار میدادند چنانچه در بامیان هم همین طور نمایش یافته است. اما در آما و بر «دختر نوشیر وان» این طور نیست و نقاشان کسانها و سر طاقه ها را بدون اینکه تغییری در آن وارد کنند متنوابعاً کشیده اند چنانچه این رویه در لوحه مقابر یادر پزاره های موجوده موزه لاهور Lahore دیده می شود.

در بامیان بطرف راست و چپ سر طاقه که «بودیس اتوای» قشنگ را ملجا میدهد نشان در پایه دیگر بنظر میخورد که در فاصله بین آنها دو اشخاص کوچک



عکس ۲۷ - تصاویر رنگه که طاق یکی از بوداهای نشسته را مزین نموده  
در وسط سقف (بودیس اتوا) فشنگی معلوم میشود



نقاب دار بصورت نیم تنه ملاحظه می شوند، هیئت فرانسه هر چند مفاد و اهمیت داشتن يك نقل رنگه این صحائن منقوش را که رو بهمرفته قشنگ و از نقطه نظر رنگ آمیزی بی نظیر میباشد بخوبی درک کرده خیلی ها مائل بود که از تصاویر متذکره و همچنین از صحایف ملونی که حصه فوقانی طاق بودای ۵۳ متری را مزین کرده است، اقلأ يك يك نقل رنگه بردارد لیکن زمستان قبل از وقت هندو کش اقامت هیئت را بطوریکه میخواست ادامه دهد منتهی ساخته مجال نداد تا صحائن مذکور بطور مطلوب رسم شود لذا تنها به گرفتن عکس های آنها که چندان دقیق نمباشند اکتفا شد معذالک معلومات چندی که هیئت بدست آورده است جنبه تاریخی تصویر شناسی و صنعتی خیلی قیمتدار را حائز است.

اگر چه لزوم ندارد که بالنسبه این تصاویر، مراتب تاریخی صنایع نقاشی بودائی را متذکر شویم لیکن باهم جادارد که مقام بامیان را در مرور ادرا و موقعیتش را در روی معبر بزرگی که از « ماگادا » Magadha به چین می رود معین کنیم. از نقاشی های دنیای بودائی هند فقط صحائن اجانتا Aganta و « باغ » Bagh و از تصاویر سیلان همان صحائن « سی جی ریا » Sigiya را میشناسیم و میدانیم که صحنه های منقوش « اجانتا » بین قرن اول و هفت مسیحی، و صحائن « سی جی ریا » در قرن پنجم و تصاویر « باغ » در قرن ۶ رسم شده اند.

تصاویر رنگه کنند ها را کاملاً معدوم شده زیرا « صحنه هائیکه » هونتسن، میگوید پله های درها و دریچه ها و دیوار های معابد بودیک را پوشانیده بود در اثر حرارت هوای هند از مدتی معدوم شده و هرگز امید نداریم کمترین آناری از تصاویر کنند ها را بیابیم.

در طرف دیگر افغانستان یعنی در آسیا مرکزی علمای مختلفی از قبیل « یول پلیو » Paul Pelliot سر اورلستین Sir Aurelstein گرن و دل Grunwedel و نلوکوک Von Le Coq يك عده تصاویر رنگه نسبتاً مهم یافته اند.

تمام این آثار نقاشی به استثنای تصاویر رنگه «میران» Miran که «سراورل ستین» از خرابه های بك معبد قدیمه یاقته است و بعقیده خود او در قرن سوم مسیحی ترسیم شده مابقی از تزیینات رنگه بامیان مؤخر تر اند. صحایف مدور یکه بالاتر از قسمت برجستگی، طاق بت بزرگ را مزین کرده اند قدیمترین آثار نقاشیهای بامیان شمرده میشود. اگر چه امکان ندارد بصورت قطعی تاریخ ترسیم آنها را معین کرد، معذالك اینطور هم ممکن نیست که آثار نقاشی مذکور از خود مجسمه قدیمتر، یعنی مقدمتر از قرن اول مسیحی باشد و از طرف دیگر چون عصر نقاشی های مذکور از تصاویر طاق بت ۳۵ متری که در قرن پنجم و ششم کشیده شده اند مؤخر شده نمیتواند لذا تاریخ آنها را میتوان بین قرن اول و ۶ مسیحی تعیین کرد.

موسیو فوشه در راه پورفی که بالنسبه آثار عتیقه دره بامیان نوشته راجع به این صحنه های اخیر الذکر ملاحظه میرساند «در قرن ۵ مسیحی شاهان آسیای مرکزی بالای مسکوکات خویش شکل کلاه های Couvre chefs بد قواره را که در آن شکل کره و ماه ترکیب شده بود ضرب میزدند» در نتیجه موسیو فوشه میگوید احتمال میرود در آخر همان قرن و یا ابتدای قرن ۵ این مد در مابقی ایران و ترکستان منتشر شده باشد، پس صحائن منقوشه بامیان بعد از سمچهای ۹ و ۱۰ «اجاتا» و سمچهای «میران» Miran آسیای مرکزی قدیم نقاشی های بودائی است که میشناسیم و همچنین گفته میتوانیم آثار نقاشی بامیان اولین صحائنی است که در معبر توسعه و انبساط بودائیت بطرف آسیای مرکزی بنظر میخورد. نا زمانیکه هندی ها دین بودا را ترك نکرده بودند، قرن های دراز را همین، زوار و صنعتگران از بامیان گذشته جانب چین و یا بر عکس از انطرف جانب هند رفت و آمد داشتند و احتمال قوی دیرود که همین مسافرین تزییناتی را که اصول و رسم و رنگ آن مختلف است ساخته باشند. بلی چون تلون رنگ و اختلاف

طرز کار آثار نقاشی مختلفه بامیان معاینه شود چنین بنظری آید که هر نقاش مسافر؛ راهب و یا غیر روحانی چون از بامیان میگذشت بعنوان احترام این مقام باند مذهبی و درازاء مهلت نوازی که از آنجا میدید از آنچه میدانست بقسم نمونه اثری باقی میگذاشت. بلی در چنین محلی که تمام مدنیت ها در آن جلوه گری نموده احتمال می رود کم و بیش اثر کار تمام مکاتب نقاشی از قرن ۲ مسیحی گرفته تا عصر نهاجم (دین مقدس) اسلام نمایش یافته باشد.

با وجود صفات و محسناتی که تراکت و رنگ های این تصاویر حایز است نمیشود آنها را با صحائن منقوش فراموش نشدنی « اجانتا » مقایسه کرد؛ زیرا استادان بزرگ « اجانتا » بالای دیوار های معابدشان چنان شاه کار های قابل تحسینی را گذارده اند که هر گز قلم مهارت کدام صنعت گرد دیگر و یا قشنگ ترین شعری که بشر سروده باشد نظیر آن موثر نمی افتد. بلی عالم بشریت بایست بچنین شاه کاری فخر کند. بامیان به استثنای قطار منقوش تصاویر اعانه دهندگان جزء انشاء دعاهای مذهبی چیز دیگر نمیشد.

### حصه دوم

#### سج های بامیان

در بامیان مقدمتر از عصر بودائی هیچ يك بنا و یا آثار ابنیه که در سنگ تراشیده شده و یا در هوای آزاد بنا شده باشد ندیده ایم بلکه گفته میتوانیم که تاریخ این دره شهر برای ما از زمان بنای معبدی شروع می شود که بقول زوار چینی هونتسن آرا « پادشاه قدیمی بنا کرده بود ».

اولین معبدی که محتملاً آرا امپراطور بزرگ « کوشان کانشکا » در حوالی قسمت اخیر قرن اول مسیحی ساخته است مبدأ عمرانات بامیان بوده که در اثر

اعانه های قیمتداری ساخته شده بود. موقعیت این معبد خیلی ها مناسب و خوشبختانه در چنان يك نقطه معبر شهر هند و آسیای مرکزی انتخاب شده است که خاصه و طبیعه استعداد شهرت و آبادی دارد.

زواری که بمعاینه اماکن... ( « ماگدها » Magadha « وگندها را » Gandhara ) می آمدند ، نجاران غنی و صاحب ثروتی که بدون مخاطره دره های صعب العبور مدهش هندو کش را میگذاشتند چون بعد از طی مشقات خوشبختانه درین منزل مسافرت یعنی بامیان میرسیدند هند را قریب حس کرده شاد میشدند زیرا این منزل مقام آخرین مرحله را حایز بود که آهسته آهسته دره بدره ایشان را بجلگه های هندی رهنمونی میکرد .

ازین رو و از زوار گرفته تا تجار چون از یکطرف مشکلات مهم راه را سپیری و از طرف دیگر هند را قریب مشاهده میکردند مخصوصاً ربه جوانردی را پیش میگرفتند . علاوه برین چون مجسمه های عظیم الجثه بودا در جدار سنگی مجاور تراشیده شده و از طلا و سایر تزئینات قیمتداری مزین و آراسته بود و معابدی هم در مجاورت و یا در اطراف آنها در کوه ها حفر نموده بودند تمام این مزایات درین منزل یکجا شده و بامیان در آن دوره یکی از اماکن خیلی معتبر بدیستی بشمار میرفت . پای تخت شاهی در امتداد کناره جنوبی دره ، در غربت های بزرگ در یک منطقه واقع است که وسعت آن را هونتسن ۶ با ۷ « لی » ( ۱ ) گفته است . ازین شهر قدیمه که يك حصه آن در هوای آزاد و حصه دیگر آن در سنگ جدار تراشیده شده بود امروز جز يك منطقه بزرگنده در تحت دو باسه قطار سمجهای متروك چیزی دیگر باقی نمانده . دره اطراف آن که مطابق نوشته جات هونتسن در شهر دخیل بود وجود دارد .

( ۱ ) ( لی ) ( Li ) واحد مسافه چینی است و طول آن مساوی ۵۷۶ متر میباشد .

احجار بلند و سر نشینی که شهر از جانب شمال بدان منتهی شده بود، استقاله همان جدار سنگی مرتفعی میباشد که کمی بطرف شرق آن طاق ها بت های بزرگ حفر شده اند.

راجع به معابدی که در فضای آزاد ساخته شده بودند باستانیهای معبد شاه قدیمه که محل آن عیناً از روی قصص زوار چینی معلوم می شود معلومات زیادی نداریم. محتملاً آنها هم در مجاورت قدیم ترین و عزیزترین معابد یعنی دیر «کانیشکا» معمور بوده اند و مانند آن تحت خرابه های مدهش کوه از بین رفته اند. معهدا کمی بطرف شرق بودای ۳۵ متری در وسط مزارع، در محلی که از تأثیر خرابیهای کوه کناره میباشد توده مدوری موجود است که از اجتماع سنگریزه و خاک تشکیل شده، و در حصه فوقانی آن کاوش کنندگان خزائن سوراخ زده اند. این توده سنگ و خاک اصلاً «استوپه» بوده که میتواند آنرا یگانه آثار عمرانات کاریزی (که در فضای آزاد ساخته شده باشد) بامیان حساب کرد. دیرها و معابدیکه در جدار سنگی حفر شده اند بمراتب بهتری محافظه شده اند. معبد شاه قدیمه چنانچه فوقاً متذکر شدیم تحت خرابه های جدار سنگی کاملاً معدوم شده و امروز یارچه های بزرگ احجار آن را پوشانیده است ممکن روزی که دامنه خرابیات و کارروائیهای عتیقه شناسی منبسط گشته و در حصص تحتانی پلان بعضی تکه های مجسمه دور رفته چونه ئی آنرا بیابیم فعلاً همینقدر معلومات داریم که موقعیت آن میان دو بت بزرگ، نزدیکتر به بت ۳۵ متری میباشد و همین معلومات هم برای ما فعلاً مفاد مهمی را حایز است.

پس چون اولین معبد، اولین بت بزرگ، و اولین سمجهای سنگی را کردیم در یک نقطه مجتمع می بینیم و این مطابقت ها هم ابدأ اتفاق و غیر مترقبه نیست، لذا چنین بنظر می آید که از روی مطابقت های فوق می شود محل و تقریباً تاریخ اولین عمرانات بامیان را معین کرد

اگر خواسته باشیم بر روی سببیت سوس سسیت زنیم خواهیم گفت اولین معبدی که در پای جدار سنگی ساخته شده بود محض بدین جهت بوده که راهین و کاربگرانیکه مامور ساختمان و تراشیدن بت ۳۵ متری بودند بلحاظ اینکه کار شان مدت مدیدی میخواست در مجاور محل کار خویش در آن معبد ملتجی شوند و به اساس این نظریه مجسمه بزرگ (مقصد از بت کوچک ۳۵ متری است) و اولین معبد کار «کانیشکا» بوده است. معبد «کانیشکا» را محض بدینجهت در پای جدار مرتفع ساخته بودند تا از طوفان باد درامن بوده باشد لیکن چیزیکه نمیگذرد که راهین بفکرمی افتند تا از پناه گاهای موجوده استفاده کرده ملجاء های جدیدی در «کنگلومرا» (اختلاط سنگریزه و خاک) نسبتاً نرم که جدار را تشکیل داده حفر کنند و در مقابل شدت و سختی هوای این نواحی مرتفع هندو کس پناه گاهای بهتری در سمت داخلی کوهها تاسیس و تعمیر نمایند.

علت اینکه راهین از استعداد طبیعی ساختمان جدار استفاده توانسته اند تراش و حجاری و بعد اساس تراش اولین بت عظیم الجثه را نهاده اند ممکن اقدام جوان مردانه کدام اعانه ده بوده باشد چون سطح طاق بت ۳۵ متری غیر منظم و خود بت موصوف کار اول دستی میباشد چنانچه این بی تجربه گیها از سمج های مجاور آن نیز هویدا میشود (عکس ۱۲ الف) و از طرف دیگر چون موهای بودا هنوز دیده میشود که بطرز یونانی مجعد میباشد، لذا از روی این احتمالات مفهوم میشود که بودای ۳۵ متری و قدیم ترین سمجهای اطراف آن کمی موختر تر از ساختمان دیر «کانیشکا» میباشد، بفاصله چند صد متری غرب این بت و دسته سمج های آن، درته طاق دیگری بودای بزرگ ۵۳ متری با دسته سمجهای دیگری برپا و هویدا است. تناسبانی که در ساختمان و تراش این بت مراعات شده معرف قابلیت و مهارت است چنانچه طاق سه گوشه آن که

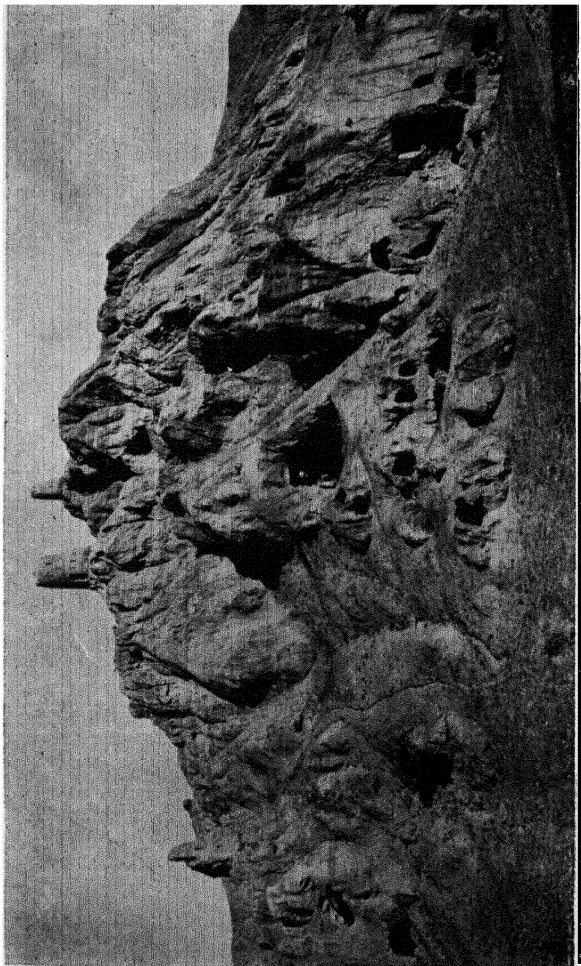
بکمال موزونی تراشید شده عامل تأیید این نظریه است و مفهوم میشود که حتماً این مجسمه را کاریگران ذی تجربه در يك عصر خیلی تازه نری ساخته اند.

ناظرین وقتی ملاحظه میکنند که یکی از این دو بت عیناً يك ونیم برابر دیگری میباشد شاید بفکر افتاده منظور نظر اعانه دهندگان را که مائل بودند بیکی آنها يك ونیم برابر دیگری ارتفاع دهند بفهمند. چون ارتفاع حصه عمودی جدار کافی نبود نتوانسته اند اندازه آنرا مضاعف نمایند. تعجب است که « مسن » بت بزرگ را قدیم تر تصور کرده حال آنکه ترقیات فوق العاده که مادر ساختمان بت بزرگ ملاحظه میکنیم قدامت همجواریش (بت ۳۵ متری) را ثابت میکند و از طرف دیگر چون به خواهاشات اعانه دهندگانی که حریص جلب مقام و لیاقت بودند دقت شود هم دلیلی راجع به قدامت بت بزرگ بدست نیاید و چون در معاینه سمجها امتحان دقیقی بعمل آید البته اگر تردیدی باشد بر طرف خواهد شد، این ملاحظات چشم مارا بحقیقت باز میکند - در صورتیکه قدیم ترین سمجها بدور بت ۳۵ متری واقع اند طبیعتاً جدید ترین آنها یعنی سمجهایی که طرز ساختمان آنها خیلی بهتر شده و اصول کار آن ترقی کرده اطراف بت ۵۳ متری را احاطه نموده اند. بلی همین طور است و درین مورد تردیدی مجاز نیست. نه تنها بودای ۳۵ متری نسبت به ۵۳ متری قدیم است بلکه میتوان گفت و تصدیق کرد که بین مدت مدیدیکه اولین بت بزرگ ساخته شده و به دومی اقدام نموده اند نسل های متعدد هیكل تراشان زندگی کرده و در سمجهای بامیان کار و زحمت کشیده اند. چنانچه احتمال می رود افلاً دونا ازین سه بت نشسته که الآن هم طاق های آنها در صفحه جدار، بین دو بت بزرگ ایستاده بنظر می آیند در مرور همین عصر طویل ساخته شده باشند (عکس ۱۲ ب - ۱۲ الف) معذالک نباید چنین تصور کرد که سمجهای بامیان در جدار سنگی مرتباً به ترتیب صحیح تاریخی از شرق بمغرب یعنی

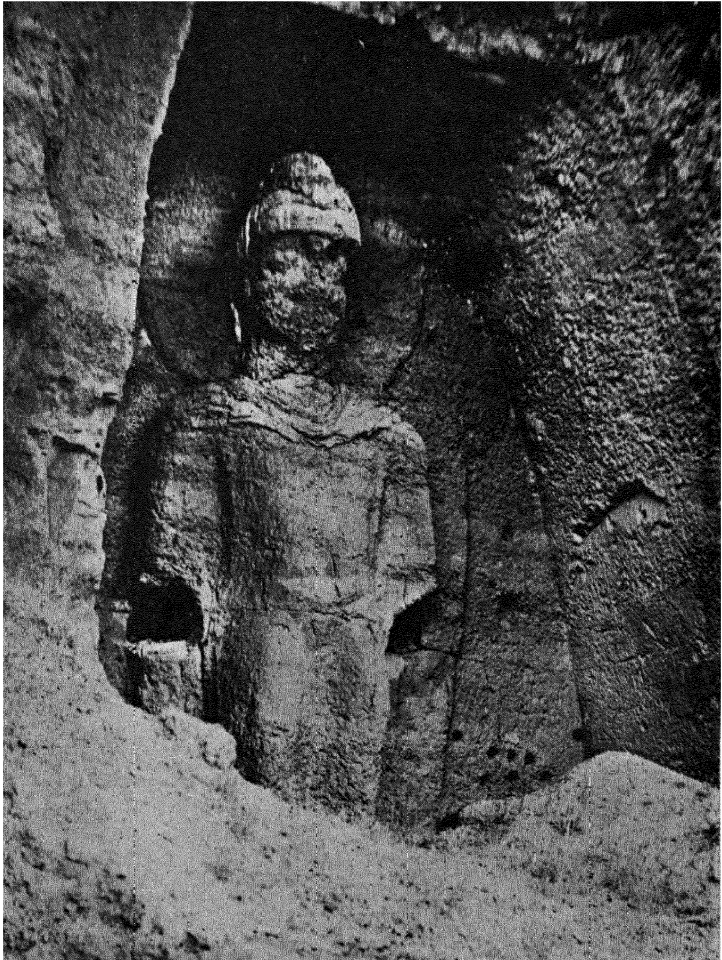
از بت ۳۵ متری شروع و جانب بت ۵۳ متری ساخته شده رفته باشند، بلکه سمج هائیکه بدور هر بت عظیم قرار گرفته اند مربوط به دسته سمج های داخلی میباشد که آنها هم عمیل و اراده اعانه دهندگان و یا بر طبق گنجایش جای و محل تعمیر شده رفته اند. دسته جات سمج ها بکمال وضاحت معلوم و هویدا است: يك دسته معابد مربوط به بت ۳۵ متری، يك دسته دیگر مشترك به دو بت نشسته و يك دسته ناك منوط به بودای ۵۳ متری میباشد. سومین بت نشسته نه کدام سمچی بخود مربوط دارد و نه حایز کدام حجره راهب است با این همه در صورتیکه در اطراف بودای ۵۳ متری هیچ يك سمج معاصر بت ۳۵ متری یافت نمیشود در مجاورت قریب بودای ۳۵ متری بعضی دیرها دیده میشود که در عصر بودای ۵۳ متری ساخته شده اند.

بین دو مجسمه بزرگ و کمی در دو طرفه شرقی و غربی آنها يك عده دیرهای ویران سنگی مهی یافت میشوند که تاریخ ساختمان آنها در چندین قرن منقسم میشود. چون تاریخ ساختمان قدیم ترین سمجهای آرا معاصر و با کمی مؤخرتر از عصر سلطنت امپراطور کانیشکا حساب کنیم به قرن اول مسیحی یا اوائل قرن ۲ نسبت می شود.

سمج های ناتمام و دهلیز هائیکه در حین ساختمان متروک شده دلیل حتمی شده نمیتوانند که این قبیل کارها را تا هنگام تهاجم اسلام یعنی اوائل قرن هشت اجرا میکردند، زیرا از نوشته جات « هرنسن » معلوم میشود که در سنه ۶۳۲ چون وارد بامیان شده بود دیر و معابد دره به منتهای آبادی رسیده بودند. اعانه دهندگانی که می بینیم بالای طاق بت ۳۵ متری نمایش یافته اند بلاشبه کسانی اند که این بت شهر و طاق آرا مرمت کاری نموده اند. این اعانه دهندگان لباس هائی در بر دارند که شبیه است به اشخاص تصاویر « کای زائل » که تاریخ ترسیم آنها را میتوان به قرن همت نسبت داد. پس از روی این مشاهدات گفته



عکس ۱ - دسته معابد دوه ککرك که بدور هیکل بودای ۱۰ متری حفر شده اند



هکس ۱۱۳ - هیکل بودای ۱۰ متری دره ککړک

میتوانیم در عصری که اعراب وارد بامیان شده در مقابل نهاجات آنها ساکنین دره تلف یا مسلمان شدند ممکن هنوز تراشیدن معابد و تزئین آن رائج بود. علاوه بر عمرانات خود دره بامیان که اصلاً خیلی ها مهم میباشد، در دره کوچك ككرك كه کمی بجانب جنوب شرقی جدار سنگی بت های بزرگ واقع (شکل ۱) و در دره عمدۀ بامیان مفتوح می شود، يك دسته معابد دلچسپی وجود دارد که در حصۀ مرکزی آنها، در طاقی که سابقاً از تزئینات حجاری و رنگه مزین بود بت ۱۰ متری ایستاده است. از البسۀ چونه ئی او جز چند قات که از يك شانه به شانه دیگرش فرورفته (عکس ۱۳ الف، ب) چیز دیگر باقی نمانده. سطوح اطراف و ته طاق و دیوار صفائی که مجسمه بر آن تراشیده شده از تزئینات چونه ئی که بعضی اثرات آن کاملاً شبیه تزئینات بعضی سمیج های مجاور بودای ۵۳ متری میباشد مزین شده بود. احتمال میرود که بودای ككرك معاصر همین سمیج های اخیر الذکر یعنی موخر از بودای ۵۳ متری باشد.

بعضی دبرهای دسته سمیج های ككرك تزئینات رنگه دارند که هنوز بکمال خوبی محافظه شده اند. این تزئینان متنوع شبه آنست که روی صدف یا صفحات مرمر مثبت کرده باشند تزئینات مذکور دوائر کوچکی تشکیل داده اند که بیکدیگر تماس دادند و باین ترتیب تمام سطح دیوارها را پوشانیده اند در مرکز هر دایره يك بودا بصورت نشسته نمایش یافته، در خالی گاهای بین دوائر (۱) اشکال استویه نمایش یافته که تقریباً بصورت عمومی به رسمیه که عجلاناً سر یا کشیده و اینجا نشان داده ایم (شکل ۷) شباهت دارند. رو بهمرفته تمام اینها معاصر آخرین عمرانات بوديك بامیان میباشد و از طرف دیگر هویدا است که اکبر، کرواستی، Carvasti که غالباً در اجاننا بصورت رنگه یا حجاری شده یافت میشود در اصول چاپ و تاپه کاری بودارا روی کار آورده در چه عصری بوده است. با وجودیکه

سمج های دره ککرک خیلی یسانها تراش و حفر شده سزاوار آنست که دقیقانه مطالعه شود، لیکن چون راه بالا رفتن این سمج ها خیلی ها دشوار بود ما جز بک دفعه در آن داخل نشده بودیم و از طرف دیگر چون این مسافرت هیئت عتیقه شناسی فرانسه مخصوص آن بود تا بالعموم مقامات تاریخی افغانستان را معاینه کند و ضمناً به کشفیات بامیان اقدام شده بود و باز چون در بامیان قسمت مهم عمرانات این دوره عبارت از همان معابد جدار سنگی بت های بزرگ بود و فصل سال هم خیلی گذشته بود نتوانستیم به ترتیبات لازمه که در خور کشفیات و تحقیقات این دره باشد تشبث و رزیم. لذا آنچه که سابقاً راجع به تصاویر رنگه جدار بزرگ سنگی متذکر شدیم باز تکرار نموده میگوئیم اقداماتیکه تا حال در راه اکتشافات و تحقیقات عتیقه شناسی بامیان بعمل آمده خیلی ها جزئی و جز نشانی از آثار عتیقه این دره نیست.

ما سمجی را که بعقیده «یاکت» Yakut «حایز تصاویر بنام پرندگان مخلوقه باشد» نیافتیم. از طرف دیگر یککنفر مسافر روسی موسوم به G. Vetchlau (ژ- وچلاو) که بامیان را در ۱۹۲۲ معاینه کرده قصه مسافرتش را (۱) در مسکو در ۱۹۲۳ شایع نموده نقل میکند که بقراریبانات افغانها در چندین سمج مجاور بودای ۵۳ مزی هنوز تصاویر رنگه وجود دارد. چون هنگام عبور مشارالیه سمج های مذکور از گندم ملو، و در آن مهر و لاک بود بمعاینه آنها موافق نشده بود اگر چه راجع به وجود تصاویر و غیره آثار این سمج ها با چیزی نگفته اند لیکن همان علی که نافع اکتشافات «وچلاو» روسی شده بود سد راه ما هم شده، نتوانستیم در اطاق بزرگی که در ته طاق بت، بطرف راست پاهایش، بسطح زمین واقع است داخل شویم زیرا سمج مذکور تا سقف از جو ملو بود.

(۱) کتاب «افغانستان» صفحه ۱۶۸ - ۱۸۸.

مربوط میکنند. بقرار حکایات بومیان و شهادت‌های تحریری معلوم میشود که پله‌های زمینه از يك نقطه خراب شده که امکان ندارد ازان استفاده کرده . . . . . خودم شخصاً میخواستم اختلافات این معلومات را تحقیق کنم لیکن بدبختانه ؛ سمج‌های تختانه از گندم مملو بود و ممکن نشد آنجا داخل شوم ، معذالک هنگام مراجعت به روسیه ، در تاشکند یکسفر کرنیل افغانی بمن نقل کرد که پنجسال قبل با بعضی رفقای عسکریش باریسمانی به پله‌های زمینه مذکور رسیده بود . مشارالیه این را هم بمن گفت که سمج‌ها خیلی‌ها بدامنه‌های کوه پیش رفته اند و عبور آنها اکثراً معاینه کنند . را در مفاصل می‌اندازد . کرنیل مذکور درد یوارهای بعضی از این سمجها تصاویری که تا آنوقت محافظه شده بود هم دیده و خوب بخاطر دارد که یکی از آن تصاویر کمان‌داری را نشان میداد که مشغول انداخت تبر بود . علاوه برین در مسکو از کاتب سفارت افغانی شنیده‌ام که میگفت : زمینه خیلی خطرناک است ، و این سمجها راه دیگری از خود ندارند چنانچه همین نظریه را حکایات بومیان تأیید میکنند زیرا ایشان بالای سربت بزرگ گله‌های بزکوهی را دیده اند .

دیدن حیوانات بالای سربت بزرگ چیز فوق‌العاده نیست و ما را نیز آنجا دیده اند البته راهی وجود دارد که توسط آن سربت بزرگ رسیده اند . بلی بزها مانند ما از روی جدار سنگی به دهلیز طواف که هم سطح جچمه است و به دورادور طاق رفته است بالاشده اند و غیر ازین هیچ وسیله دیگری مثل زمینه و دهلیز مائل برای صعود آنجا درک نداریم . سابقاً به دهلیز فوق‌ار راه دهلیز دیگری بالا میرفتند که افقاً در روی جدار سنگی ممتد شده بود و امروز ازان جز پارچه باقی نمانده و باقی در اثر قزو ریخته گیهای تکه‌های جدار ازین رفته است . این

دهلیز بطرف غرب به راه رو و سیعی که از ته دره تا بالای طاق بت بزرگ رفته و کنار آن سموچ ها واقع است مربوط بوده چنانچه همین راه طبیعی خیلی سهل العبور که بکمال وضاحت بالای نقشه نمرة ٩ دیده میشود صورت صعودی را که ما شرح میدهم آیین و تدقیق میکند .

مهندسین و معماران بت بزرگ حقیقه فکر درستی کرده بودند چون ملفت شدند که اگر دهلیز ساده دنباله همان راه طبیعی ساخته شود عیناً کارزینه صعود و حتی استفاده خوبی برای ایران کرده میشود لذا از اخراجات زیاد پول که اصلاً بی فائده و متحمل شدن زحمات شاقه زینه کشتی در کوه ایا نموده اند . عکس نمرة ٣٨ ساختمان راهی را که از آن به سر بت بزرگ رفته ایم نشان میدهد . این راه و که ساختمان آن جاری است بطرف دهلیزی میرود که حصه باقی مانده همان دهلیز صعودی سابقه میباشد چنانچه (شکل ٨) صورت نیم رخ قدیمی حصه فوقانی جدار سنگی را بخط نقطه چین و صورت نیم رخ فعلی کوه و راه رو را بخط کامل نشان میدهد خلاصه گفته میتوانیم که هیئت همان راه قدیمی را کمی عقب تر ساخته است .

پس بجز اینکه بعضی طاق های عمودیکه در دهلیز فوقانی عنقریب سر بودا وجود دارد کدام اطاق نبی بلکه کدام درواره باشد که امروز در اثر افتادن کدام سنگی که روی آن طبیعتاً هموار باشد در امتداد داخلی جدار دهلیز لفظی بد و آن در را مسدود کرده باشد . ( این نظریه چندان ممکن القبول نیست ) مسئله زینه که سر بت رفته است کاملاً حل شد معتقدین و زوار فقط از آن حصه بلندی جدار سنگی گذشته عمل طواف دور سر بت را انجام میدادند - طوری که در بودای ٣٥ متری خاطر نشان شد ، بلا شك امکان می رود دریرهای جدید و معابد

دیگری بررور زمان بدور محسسه تراشیده شده است که منزل به منزل تا نقاط مرتفع جدار سنگی رسیده و بدین منوال طبیعه زینه که برای رفت و آمد این ها درست شده بود ، را سا تا دهلیز فوقانی اجازه صعود میداد لیکن درین فرصت فتوحات اسلام آغاز شده و امکان میروید قبل ازین حادثه هم بعضی بی نظمی ها در امور مذهبی آنها وارد گردیده باشد .

در باب زینه که چندین منزل « سمج های را که در عمق کوه واقع اند » بهم مربوط میکنند چیزی گفته نمیتوانیم ، ممکن همچو زینه وجود داشته باشد و باز ممکن زینه مذکور از همین سمج پر از گندم که دیدن آن موفق نشدیم کشیده شده باشد . لیکن حقیقت این زیر زمینهای بی هوا و کامل تاریک چیزی احتمالی است . اگر بنا باشد عقیده خود را بر نظریات سائر مورخین علاوه کنیم بایستی زیر زمینی را که بقیده ساکنین بامیان از یک طرف جانب کابل و از طرف دیگر جانب بلخ میبود تجسس کرد .

علاوه برین اعتراف باید کرده که یک عده سمج های مهمی که راه ارتباط آن با زمین از بین رفته از دسترس ما خارج افتاده اند و عده دیگر آن فعلاً انبار خانه حبوبات و پوست میباشند و بدین جهات نتوانستیم آنها را معاینه کنیم علت دیگری که مانع رفتن ما بیک عده سمج ها و معاینه شدن ، این است که این سمج ها عموماً مسکن ساکنین میباشد و فعلاً هم عده از فقرای ساکنین بامیان در آنها زیست میکنند .

آثار نقاشیکه غالباً دیوار های این سمج ها را مزین نموده بود از دست فاتحین قسمتی تکه تکه و با ضرب تبر کاملاً معدوم شده قسمت دیگر را ورقه ضخیم دوده پوشانیده طوریکه در اثر مرور زمان دوده کاملاً آثار منقوشه را خورده است

مذالك روی بعضی ازین آثار رنگه را خود بودائیها در هنگام فتوحات اسلام و یا محتملاً مسخر کننده گان ورق کاغذی مالیده اند که روی آن ورقه دوده قرار گرفته درین صورت احتمال می رود در بعضی جاها در ته این ورقه آثار منقوش محافظه شده باشد . علاوه برین چون قبلاً متذکر شدیم که در هوای آزاد ساخته شده بود با بعضی حصص مجسمه ها و آثار معابد سنگی بدست آید زیرا فراموش نباید کرد که تجسسات و مطالعات آثار عتیقه بامیان تازه شروع شده و انتهای آن خیلی ها دور است .

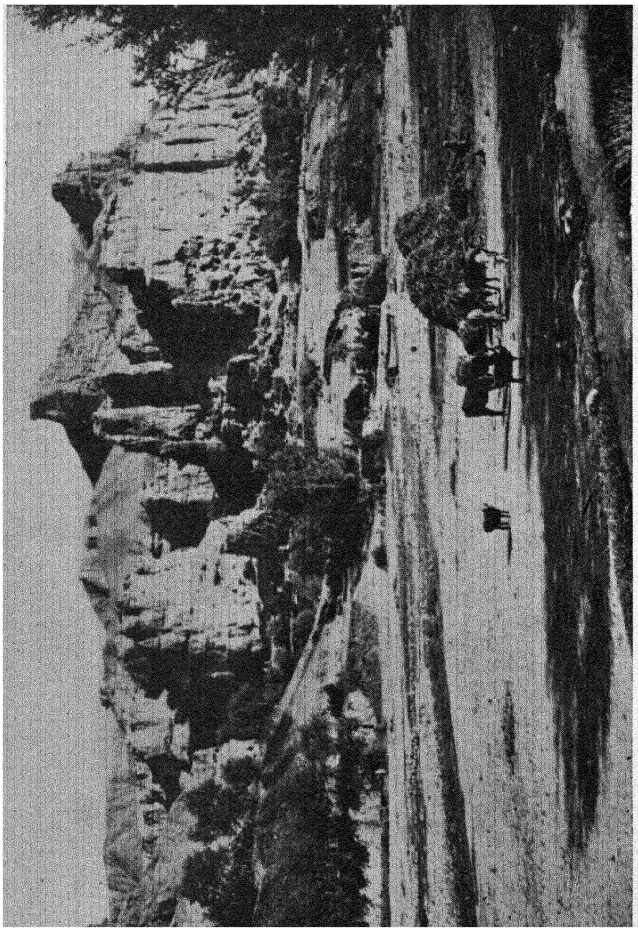
بهر جهت از همین حالا اطمینان داده میتوانیم که معابد جدار بزرگ سنگی و معابد دره ککرك و مجسمه های بزرگ آنها د ورسته عمرانات خیلی دلچسب بامیان را تشکیل میکند .

در جدار های سنگی و تپه های اطرافی دره عمده که بطرف شرق و غرب جدار معروف بود اهالی بزرگ واقع اند و همچنین در مدخل دره ککرك و فولادی ( ۱ ) هزار ها سمچ دیگری حفرو تراشیده ( ۲ ) شده اند . ( عکس ۶ الف و ب ) . لیکن نواقص این سمچ ها این است که همان مفاد عتیقه شناسی و صنعتی که از دیگران متصور است در آنها مشهود نیست .

غالب این سمچ های اخیر الذکر عموماً بر سطح جدار کوه حفر شده اند و فقط ملجأ و پناهگاه زوار ، تجار ، حتی حیوانات قافله ها بوده اند مکمل ترین این سمچ ها دارای اطافی است که از دهلیز صعود ، مدخلی در آنها کشیده شده و بعضی ها دارای صفا های است که بشکل دراز چوکی در سنگ کشنده شده باشد

( ۱ ) « مبتلاند » دره فولادی را با اسم دهنه تاجک یاد کرده است .

( ۲ ) ابوالفضل عده سمچ های بامیان را به ۱۲۰۰۰ تخمین کر است ( آئین اکبر )



عکس ۱۶- دره فولادی - قرار نگارش هوام نسیگک زوار چینی یا تیغ عصر بر دانی بامیان با د شهر شاهی ،  
در دهن همین دره واقع بود .



نظر میاید و مسافرین آنرا عوض بستر استعمال میکردند .

این سمچ ها هیچگاه مرین نشده بودند و حتی غالباً همان ورقه معمولی کاگل اچونه راهم ندارند .

تنها چیزی که راجع باین سمچ ها گفته میتوانیم این است که شکل آنها را برای اینکه مدت زیادی دوام کند به منتهای تکامل ساخته اند . چنانچه امروز هم غالب آنها صحیح و آباد میباشند . ممکن نسبت به عمرانات مذهبی تعداد زیاد آنها بهترتر اهمیت تجاری این منزل بزرگ هند و آسیای علیار بفهماند .

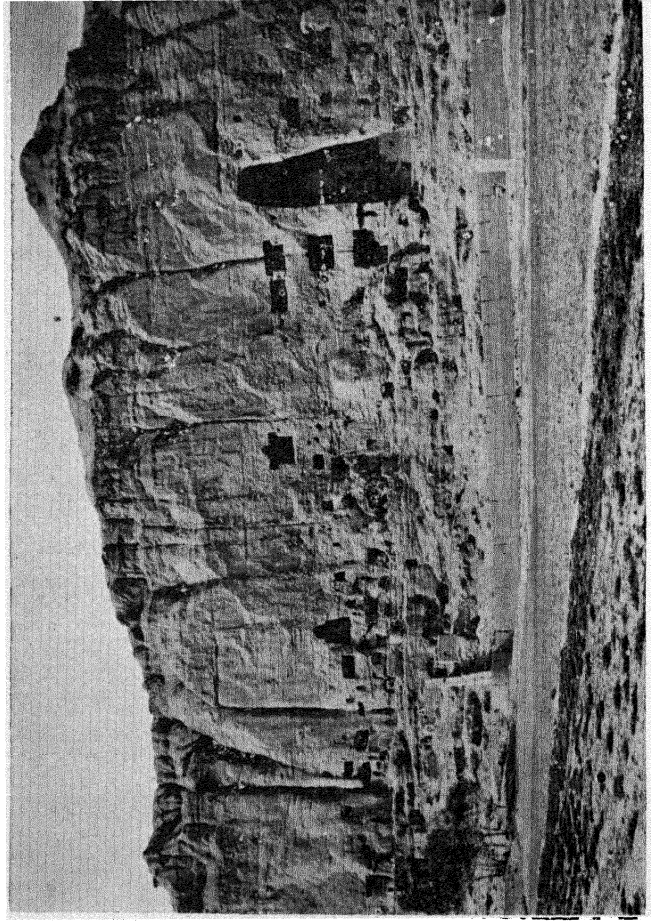
قبلاً متذکر شدیم که اولین دیرهای بامیان در فضای ازاد ، در پای جدار سنگی مرتفع تعمیر شده بود . متعاقباً را همین نسبت به منازل محقر عصر قبل التاریخ منازل مستریح تری در سنگ تراش نمودند .

آهسته آهسته از پائین بیابالا ، ابتدا در مجاورت بت اولی کوه را شکاف زده ، شکل و صورت داده ، زینه های متعددی به ارتفاع های مختلفه دیر و معابد ساختند سپس بعضی سمچ ها در نتیجه ساختن زینه که راساً بسر بودا میروود تولید و بعضی سمچ های دیگری کاملاً مجزی و مستقل ساخته شد که هر کدام آنها زینه مخصوصی داشته که از زمین شروع شده عموماً به برنده بزرگ و عرضی که رخ آن جانب دره میباشد منتهی میشد در روی این نوع برنده یا طاق بزرگ خود معبد یا رواق خانه باز میشود بعلاوه هر معبد شامل يك اطاق بزرگ دیگر میباشد که ممکن اطاق اجتماع فخری متعلقه دیر بوده ؛ و يك دهلیزی دارد که جای چندین اطاق دیگری مثل حجره را همین و دکانهای مختلفه میباشد . این دسته سمچ ها که متذکر شدیم دور هم جمع شده اند ، و در بعضی جاها بکمال اختصاص نامه دیده میشود که بواسطه ضیق جا سمچ های متعلقه يك معبد به دو منزل گرد هم جمع شده اند و در

بعضی جا های دیگر چون بزرگ ساحتین دسته سمج های مذکور در نظر بود در قسمت های تختانی اطاق هائی کنده اند که بواسطه کدام زینه یا محص سوراخی در انجا رفت و آمد مینمودند . بعضی حصص گوه مانند اسفنج سوراخ خورده لیکن سوراخ های مذکور یکمال انتظام و ترتیب ساخته شده و شوارع ارتباط و رفت و آمد ، چه عموداً و چه افقاً بچنان سلیقه و اصول حیرت آوری منتظم است که بهر دسته سمج ها و یا بهر فرد آنها استقلال مطلق داده است .

( شکل ۹ پلان طاق بت نشسته بجوار بت بزرگ ۳۵ متری ) لیکن امروز تمام این انتظام و ترتیب بهم خورده ، پله های زینه ها که در حجر جدار سنگی تراشیده شده بود در اثر غلطی در جدار های نازکی که بین زینه ها و فضای آزاد حائل بود غالباً از بین رفته . از طرف دیگر ساکنین مسلمان بامیان دهلیز های جدید بادالان های مایلی تراشیده و زینه های جدیدی کشیده اند علاوه برین ایشان بعضی دسته سمج های مجزی را بهم مربوط و یا برعکس در نتیجه مسدود نمودن درها و دیوار کردن زینه هائی که خطر ناک شده بودند دسته سمج هائی را از هم مجزی کرده اند - به ارتفاع ۳۰ متری زمین دره طویله و اصطبل هائی وجود دارد که اگر در آنها بنظر دقت نگاه شود ترتیبات قدیمی آنها را میتوان پیدا کرد چنانچه ما پلان چند دسته سمج هائی را که از همه دلچسب تر بود ، برداشتیم .

مکمل ترین این قبیل دسته سمج ها قریب بت ۳۵ متری بطرف راست و چپ ، در ارتفاع های مختلف واقع اند . اگرچه در حوالی قریب سه بت نشسته هم ازین قبیل دسته سمج ها وجود دارد ( شکل ۹ عکس ۱۲ الف ) لیکن اهمیت آنها کمتر است .



عکس ۱۲ الف - هیکل بودائی ۳۰ متری و دسنة سوج های مجاور آن - بطرف چپ طاق های دو بودائی  
نشسته هم معلوم میشود .



بت ۵۳ متری چون از نقطه نظر احترام و شهرت بمقام بت ۳۵ متری رسیده نیتواند و دلیل آنهم واضح است که در عصر تسخیرات اعراب معتقدین وقت نداشتند تابه بت بزرگ موصوف همان تجمل و جلال دسته معابد و درهارا بدهند و علاوه برین چون در عصری که کار ساختمان بت مذکور رو به اتمام میگذاشت دیگر نمیدخواستند مقامات مذهبی را در کوه بکنند، به دور بت مذکور فقط سمچ های ساده، غالباً وسیع فوق العاده مزین حفر شده و از دسته سمچ های اثری نمیشد چنانچه حتی در مجاورت قریب خود او نیز دسته زبر زمینی های مربوطه اش که مدخل آنها (شکل ۱۱: - پلان طاق کوچکترین بت های نشسته) همسطح پاهایش در آخر طاق میباشند، دیگر دسته سمچ هایی که باو ربط داشته باشد وجود ندارد، دو مین بت نشسته یعنی همان بت نشسته وسطی، در حوالی قریب خودش، جز اطاق کوچکی سمچ مربوطه ندارد (شکل ۱۰ - عکس ۱۲ الف) و بت سومی، آنکه قریب تر به بودا ۵۳ متر است، هیچ سمچ مربوطه خود ندارد. (شکل ۱۱ - عکس ۱۳ ب.)

### « تعریفات بعضی معابد بامیان »

اولین دسته سمچ هایی A (۱) که به آن در وقت عبور زینه بت ۳۵ متری ملاقی میشوند خواه از نقطه تشکیلات پلان ساختمان خواه بمناسبت جریانات تزئیناتش یکی از دسته سمچ های خیلی مهم بامیان بشمار میرود (شکل ۱۲ - ۱۳).

این دسته شامل دو طبقه سمچ میباشد. منزل تحتانی فقط مرکب از یک اطاق بزرگ مربع شکلی است که در زاویه های آن یکنوع

(۱) مؤلف برای تسهیل مطالعات و تعریفات معابد بامیان هر دسته سمچ های معابد را به اسم دسته سمچ های (A) (B) (C) و غیره یاد کرده چنانچه دسته سمچ های که اولاً به تعریفات آنها پرداخته موسوم به دسته (A) میباشد

کمان هائی دوزا و یه ئی Doubleaux Dangle تشکیل و سقف گنبدی روی آن قرار گرفته (عکس ۳۱ الف) و یک اطاق کوچک تری که سقف آن بشکل فوق است و ممکن بعد از ساختن او لی اضافه شده باشد. مدخل این دو اطاق از یک برنده عریضی کشیده شده که از آنجا یک زینه بطرف زمین و زینه دیگری که امروز ویران افتاده به منزل فوقانی مربوطه بوده.

اطاق بزرگ کاملاً از تصاویر رنگه منقوش بوده امروز بالکل تحت ورق کلفت دو ده معدوم میباشد. دور ادور سه ضلع این اطاق را دندانان بشکل چوکی سنگی به ارتفاع ۳۵ سانتی متر و تمام عرض ضلع چهارم را که مقابل در است پلگانی Estrade به ارتفاع ۷۹ سانتی متر اشغال کرده. (۱۳: بیان منزل فوقانی معبد) در کفشکن اولی که در انتهای زینه واقع است و همچنین در کفشکن اطاق کوچک جای سر انداز دروازه دیده میشود. کفشکن اطاق بزرگ از طرف برنده جای چوکات عریضی را حایز است که در آن پله های درب چوبی کلفتی جا میگرفت.

نسبت به طبقه تختانی منزل فوقانی مهم تر است. این منزل هم برنده عریضی دارد (عکس ۳۱ ب) که بدان زینه داخلی معبد منتهی میشود. در روی این برنده رواق یک اطاق هشت ضلعی که بلا شبه اطاق اجتماع راهبین بوده و یک دالانی که به دو اطاق رفته است وجود دارد. قسمتی از بزرگترین درب اطاق مذکور غلطیده و از طرف روی جدار سنگی روشنی بدان می آید. (شکل ۱۴: - پلان و شکل نیم رخ اطاق مشمن معبد) • شاپل • بارواق معبد اطاق مربعی است که سقف آن گنبدی و بین پلان مربع و مدور هیچ یک عامل ارتباطیه وجود ندارد.

دیوارهای عمودی گنبد از کانهائی مزین اند که هنوز هم ساختمان آنها خیلی نا ماهرانه بنظر میآید. این سمج خیلی قدیمه بامیان بوده سابقاً از تصاویر رنگه مزین بوده که امروز ازین رفته است درته رواق بجز سوراخ میخی که ذریعه آت بودا را در دیوار محکم میکردند چیزی دیگر وجود ندارد. اطاق هشت ضلعی (شکل ۱۴، عکس ۳۳ الف) که یکی از قشنگترین سمجهای بامیان است، سقف آن گنبدی فی بلذکه هموار می باشد، سیستم ماهرانه پلانهای مائل که ساخت حصه افقی سقف را کم نموده، در اثر مضاعف نمودن اضلاع مزبور به آسانی ازین شکل به دایره که در آن به تقلید سقفهای چوبی ستونهای مصنوعی محاط است انتقال می یابد. استادی و مهارت لطیفی که معمار این سمج بکار برده و دروازه سمج را از یک ضلعی مثنی عربی تر ساخته فوق العاده قابل ملاحظه و از روی معلوماتی که ما داریم مهارت بی نظیر است. این دو سمج اخیر یعنی رواق که سقف آن گنبدی است، و اطاق مثنی که به چنین غرابت سقف غیر گنبدی دارد منوط به آن نوع معماری هائی است که غالباً در بامیان بنظر می خورد چنانچه بعد ها اصل مبدأ و صورت عمومیت و انبساط آن را مطالعه خواهیم کرد زیرا فعلاً چنین در نظر داریم تا از تشکیلات پلانهای مختلفه معابد سنگی جدا بزرگ، بعضی نمالهای مختصه را مقابل نگاه قارئین گذاریم.

بین طبقه نختانی دسته سمجهای که فوقاً متذکر شدیم و اطاق بت ۳۵ متری معبد دیگر B وجود دارد (شکل ۱۵) که خیلی ها دلچسپ و حایز دو زینه میباشد که یکی مخصوص خود او است و دیگری در عین زمانیکه در امتداد چهار

اطرافی طاق تا سربت میرود به چندین طبقه سمج ها راه عبوری دهد .

این زینه بيك برنده كوچكى رفته كه از آنجا دالانى كه در آن دروازه هم بود برواق خانه معبد رهمائی میکند زینه مخصره اش مانند صورت فوق منتهی به برنده میشود كه رخ آن نیز جانب دره باز است . مانند صورت فوق همانطور اطاق بزرگی دارد كه كنبدی آن بالای يك عده كمانها كه در كنجهای اطاق تشكيل شده قرار گرفته ، همانطور دالانى وجود دارد كه به اطاق های مختلف رفته است . لیكن رواق خانه خیلی كوچك و بمقتضای محل در جای خوبی قرار نكرفته زيرا این دسته سمج راساً مربوط بخود مجسمه بزرگ بودا میباشد این رواق خانه كوچك و دالانى كه راه آمد آن شده و برنده كه منفذ وسیع سه گوشه آن ، آنرا روشن میکند ترکیب و ترتیبات فشنگی را حائز است .

( عكس ۳۴ الف ) ( شكل ۱۵ پلان معبد B )

این سقف را فقط برای ساعت تیری در هم و بر هم ساخته اند و مفاد دیگری جز غرابت ندارد . این دسته مهم كه درین گروپ مجاور طاق بودا قرار گرفته در عصری ساخته شده كه معبد دارای اطاق های كافی نبوده و بدین جهت سه اطاق دیگر در سطح دیوار و ارتفاع یائین تری حفر کرده اند چنانچه ذریعه سوراخ مربعی كه در دالان معمولی وجود دارد میتوان از چند پله سر نشیبی گذشته در یکی از آن اطاق ها كه رخش جانب دره باز است ، رفت . ازدو سوراخ كوچك دیگری كه یکی در زمین رواق خانه معبد و دیگری در زمین برنده دخول مجاور زینه بودا ، كشیده شده ، میشود راساً بدر اطاق دیگری رفت . چون این



عکس ۳۰ - تزئینات داخلی جدار يك سموج فریب هیكل ۰۳ متری



طاق های اخیر الذکر بلاشک برای دوکاف ها مختص بودند منفذ دیگری جز سوراخ های مدخل ندارند .

چون زینه را تا به نقطه مرتفعه آن بالا رفته ، دهلیز دور سر بودا را دور زده باز در امتداد جدار دیگر ، زینۀ متناظر اولی را فرود آئید به سمج های دیگری [C] ملاقا میشود که شکل ( ۱۶ ) پلان آنرا نشان میدهد . و این يك معبدی است که بمناسبت کدام علت مجهولی تا تمام مانده - دهلیزی که بایستی بطرف راست و چپ به حجره های راه بین ودکان ها برود در حین عملیات ساختمان متروک شده ، معذالك چون شکل د و اطاق عمده این معبد در بامیان کمتر دیده شده و یکی از آنها مخصوصاً خیلی بزرگ است ، دلچسپ میباشد . این دو سمج مدور و سقف آنها گنبدی است و تزئینات تصاویر رنگه هم داشته چنانچه در سقف کوچکتر بن آن بعضی آثار تزئینات مذکور باقی مانده ( عکس ۳۵ - ب ) . روی دیوار برنده اطاق بزرگ هم اثرات تصاویر رنگه وجود دارد که در آن شکل های استوپه های بودائی شناخته میشود .

اگر همین خود زینۀ بودا را تعقیب کنان يك منزل فرود آئید به اطاق [D] میرسید که سقف آن گنبدی است . گفته میتوانیم که اولاً خود این سمج و اقلأ تزئینات آن معاصر سمج های مجاور مجسمه ۵۳ متری میباشد . این تزئینات که بالای ورقه چونه حجاری شده و اثری از تصاویر رنگه ندارد حقیقه شبيه به تزئینات است که عکس ( ۳۰ - الف و ب ) نشان میدهد حالا آمدم به دودسته سمج های [E] که در عصر بودائی دیوار مشترکه آنها را سوراخ زده آنها را بهم متصل کرده اند . احتمال می رود یکی آنها در اثر ( شکل ۱۶ : - پلان و نیم رخ

حصه از معبد ( C ) و ( شکل ۱۷ : - پلان معبد E ) الحاق به مجاورش بزرگ شده باشد. این سمج بلاشبه حایز بودای نشسته بوده که بعد از بت بزرگ ۳۵ متری مهم ترین بت بامیان بنظر می آید؛ در قسمت فوقانی طاق همین مجسمه تصاویر رنگه خیلی اعلی وجود دارد که «میتلاند» آنرا رسم نموده و یک عکس آنرا به ما داده است (عکس (۲۷) (شکل ۱۸ : - طاق بودای ۳۵ متری - پلان آن از سطح زمین) این معابد تقریباً همان شعبی را که بودای ۳۵ متری داشته و عبارت از زینه مخصوصه، رواق خانه، طاق اجتماع و غیره میباشد داراست لیکن وسعت آن محدود تر و منفذ های آن ناسنجیده تر است.

برای معرفی کردن ماهیت سمج های بامیان و تعیین نظریه راجع به ساختمان معابد سنگی آن منطقه چند تمثال فوق که به تعداد فوق العاده وجود دارد، ۶ فی است اینک برای تکمیل تعریفات مجمل این دسته سمج های با عظمت و مجسمه های فوق العاده بزرگ پلان طاق بت ۳۵ متری را که از روی زمین برداشته ایم می افزائیم (شکل ۱۸).

### زینت اصولات معماری معابد بامیان

قدیم ترین سمجهائی که در آنها اولین ذوق آثار صنعتی دیده میشود قریب بت ۳۵ متری تقریباً به سطح زمین واقع اند که در آنها آثار معماری خیلی سرسری مشاهده میشود و تزئینات رنگه و حجاری شده ندارند. سمجهائی فوق از نقطه نظر عتیقه شناسی حایز مفادی اند زیرا آنها نمونه اصلیه سمجهائی هستند که از روی آنها ابتدا در مجاورت قریب خود شان، بعد، بدور بت نشسته و بالاخره

آنطرف بوداً ۵۳ متری حفر و بعد ها تزیین و تکمیل شده اند . چنانچه در حوالی بت ۵۳ متری فوق العاده ترین شاه کاری های سمج های بامیان مشاهده میشود .

در حوالی بوداء ۵۳ متری، نمونه های اولیه، اقسام سمج های مختلفه که در تمام جدار سنگی به مدارج مختلفه اکتال خود رسیده اند از قبیل نه اطاق مستطیل شکل که بشکل پشت ماهی پوشش شده، اطاق مدور، اطاق مثنی و حتی مسدس که پوشش آن سقف هموار است و دیگر قبیل اطاق ها که به ترکیبات خیلی باریک مانند : اطاق مربع سقف کنبدی و سقف ها، نیکه به تقلید مسطح های قدیمه در سنگ تراش شده، یافت میشود . چنانچه شکل ۱۹ دسته از ان دو سمج های قدیمه را نشان میدهد .

یکی از ان اطاق ها مربع شکل است که هر ضلع آن ۵۰ ر ۴ متر طول و سقف آن تقریباً نیم کروی است و اگر دقیق تر تعریف شود باید چنین گفت : دیوار های این اطاق بطرف داخل خمیده شده رفته اند بقسمیکه اطاق شکل تنه مخروطی میگردد که بالای آن گنبدی قرار گرفته باشد . مسئله باریک، گذشتن از پلان مربع به پلان مدور بصورت خیلی ساده حل شده و حتی بدان توجه هم نکرده اند زیرا در این صورت حاضره و سمعت سمج خیلی کوچک است و آنهم در سنگ متراکم حفر شده است سپس یک نوع یا به گچی و بعد طاقه بشکل پیدش بر آمدگی روی زاویه داخلی اطاق ساخته، آنگاه پلان مدور را روی پلان مربع قرار داده اند سمج به سمج و منزل به منزل این تجهیزات و تراکم تزییناتی که ابتدا بصورت تصاویر رنگه و بعد ها بقسم تصاویر حجاری شده استعمال شده اند- منتهای انبساط و ترقی خود را به سمج های مجاور بت ۵۳ متری و حصص دور تر غمینی آن دارا شده اند

معماری سمج های بامیان جز یکنوع تزئین چیز دیگری نیست و استدلال و منطقی از خود ندارد .

مواد عامله عمرانات بی سقف که در ابنیه بامیان تقلید شده هم جز کار تزئینات عمل دیگری نمیدهند . در باب شکل خود سمج که گنبدی را بالای اطاق مربعی قرار داده اند ، گفته میتوانیم از صنعت نقاطی گرفته شده که بعلت نداشتن چوب مجبور بودند بدون ساختمان طاق چوبی و سیله عملی برای گذاشتن گنبدی بالای پلان غیر مدور پیدا کنند « شوازی Choisy » میگوید : به نگاه اول گاهی معلوم نمیشود که گنبد یعنی سقف مدور برای اطاق مربعی تعیین شده باشد ، بلکه چنین بنظر میآید که چهار دیوار محوطه آن مانند گمان های صومعه تدریجاً بالای فضای آزاد خم شده رفته باشد لیکن در انصورت طاق ها لازم دارد . مزیت این گنبد این است که طاق نمیدخواهد .

پیوند به پلان مئمن چیزی سهل است زیرا مئمن هر چه به دایره که محاط کرده نزدیک شده رود ، قریب به طرز ای میشود که عبارت از این است که با چهارطاقه که بشکل پیش برآمدگی روی زاویه های داخلی میسازند ، پلان مربع را به پلان مئمن تغییر شکل میدهند . آنگاه خود گنبدی را بالای تهداب مئمنی که از وجود چهارطاقه زاویه ها تشکیل میشود قرار میدهند .

اصول گنبدسازی فوق الذکر محتملاً بخود بامیان اختصاص دارد .

هندکاملاً از این رویه بیخبر است . معماری هند که خیلی ها از صنعت هخامنشی بهره ور گردیده بود از اصولات ما هرا نه گنبد سازی چوبی و سنگی حصه نگرفته و غیر همان تراکیب ستون بندی ها و اصول تعادل چیز دیگر را نمیداند . صنعت

هندی تقریباً بصورت عمومی به همان رویه ستون بندی قدیمه بومی خود رجعت زده است. معذالك در عصر « گربکو بودیک » یعنی در زمانه که نمونه تزیینات سربج بوجود می آید، در معابدی که بالای تپه های (کنند هارا) ساخته شده، کتئوع سقفی را کشف کرده ایم که خیلی ها عمومیت داشته است، تقریباً سقف های نام اطاق ها کئئیدی، بعضی ها مستطیل شکلی و سقف آنها در اثر ستون بندی ها شکل پشت ماهی ساخته شده است (شکل ۳۴ و ۳۵ کتاب صنعت گربکو و بودیک کنندها را - مولفه موسیو فوشه).

کئئید کردن اطاق های مدور هیچ اشکالی ندارد. زیرا کئئیدی ساختن بالای ستووانه به اصولی که خشت یا هر موادی که باشد به تدریج آهسته آهسته پیش نهداده شده تا کئئید تکمیل شود خیلی ها سهل است. در صورتیکه اطاق مربع باشد و سقف آنرا کئئیدی کمی مشکل تر می افتد. موسیو فوشه میگوید:

« در موقع خود معماران هندی هم به اشکالات مواجه شده بودند. که چطور محوطه مربع شکلی را با کئئید نیم کروی ببوشانند؟ چنانچه این مسئله باریک تا قرن ۵ که مسجد « ایاصوفیا » قسطنطنیه تعمیر نشده بود، حل نگردید.

واضح است که در هند یا دیگر جاها اصول ماهرانه و قشنگ « یاندان تیف » Pendentif (۱) که کاملاً مسئله را حل میکرد کشف نشده بود. و چون يك، دو یا سه سنگ را در چهار کئنج اطاق پیش برآمده قرار میدادند شکل مربع را به هشت ضلعی تبدیل میدادند. معماران کنند هارا هم برای گذشتن از پلان هشت ضلعی بدایره، دست پاچه نشده اند و خوشبختانه « کول » Cole اول از همه در قریب (۱) قسمتی از سقف کروی که بالای کمان های بزرگی نهاده شده باشند که برای استقرار کئئید بکار و نه.

« سنگاو » Sanghao اوطاق های زیر زمینی یافته است که تا آنوقت محافظه شده بود و نمثال نمونه های اصلی این اصول را نشان میداد.

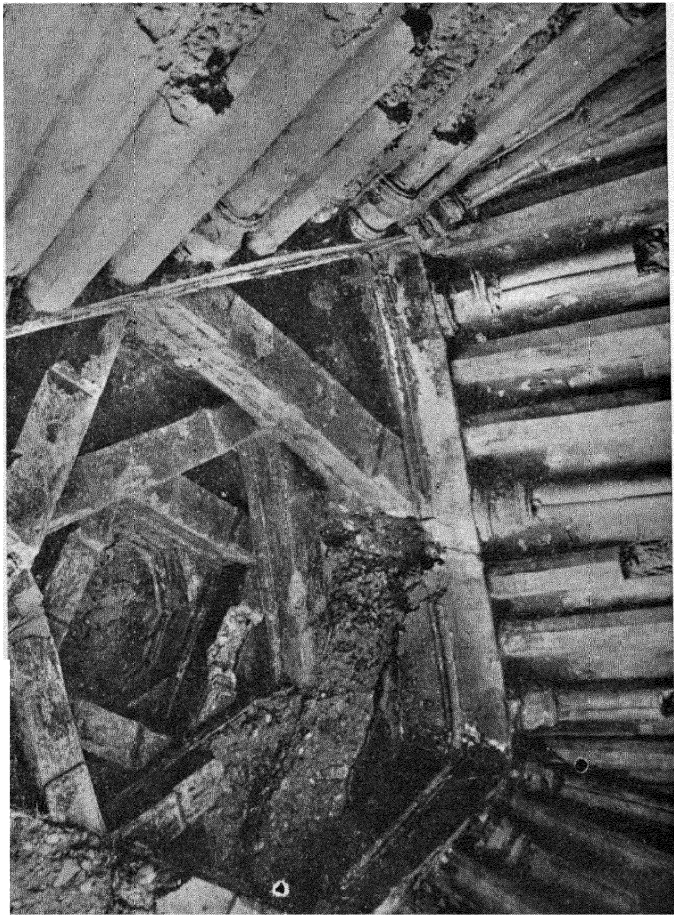
پس چنین بنظر میآید که هندو حقی هند بودائی کنندهارا، اصول گنبد سازی فوق الذکر را بالای پلان مربع نمیدانستند.

در ترکستان هم طوریکه اوصحنه های منقوش و اَبْنِیَّة بعضی نقاط مثل ایل - کول Ili Kol قریب « کمیول » Komul استنباط میگردد ظاهر میشود که اسلوب گنبد سازی فوق بالای پلان مربع معمول نبوده در بعضی صحنه های رنگه که تقلید اصولات معماری را نشان میدهد، آنقدر از نقطه نظر معماری به بی مهارتی ساخته شده که معلوم میشود رسم کنندگان آنها هرگز نفهمیده اند که از روی چه تقلید میکنند و سرمشق خود چه را قرار داده اند - کاریگر با میان مواد عامله را بچشم خویش دیده و نقل کرده (۱) لیکن نقاش ترکستان تزئیناتی را که رسم کرده معنی و مفهوم خارجی برایش نداشته است از طرف دیگر گنبدها ئیکه درین مملکت میساختند را سائ بالای پایه های قوی چوبی قرار میکرفت که در کنج های اطاق مربع نصب میکردند.

در قریل ( ترکستان ) گنبد هائیکه سمج های مربع را می پوشاند در سنگ و در مرکز يك سقف هموار تراشیده شده و معماران هرگز ازین مسئله به تشویش نه افتاده اند که آیا مثلث های باقی مانده منسوب میماند یا نه.

حالا برای اینکه تعریفات ماتشویش ذهنی تولید نکند پس به شکل ۱۹ مراجعت نموده

(۱) در وقت حفاریات در يك دیر Kaboura « کابورا » قدیم یعنی « کابل » اطاق زیر زمینی یافتیم که گنبد آن بالای طاقه های زاویه ها بر طبق اصولات معماری فوق از خشت ساخته شده بود از اینجا معلوم میشود که استعمال این اصول معماری را معماران این منطقه مهاور با میان میدانند



عکس ۴۶ :- سقف يك سويج قريپ هيكل ۵۲ متری



تعریفات خود را ادا مه دهیم: سمج نانوی یکی سمج کوچکتترین اطاق مربع سقف کنبیدی است که کوئی کنبید آن بالای ترکیبات ستون ها قرار گرفته باشد. این شاه تیر ها که بطور مائل گذاشته شده اند آنقدر غیر ما هرا نه نوک های شان روی هم قرار گرفته که فوراً حالی میکنند که صنعتگران محلی این رو به معماری را که عبارت از پوشانیدن اطاق های وسیع با ستون های کوتاه باشد نمیدانستند. این او این آزمایشی است که بمقصد نژیدانی از صنعت تعمیرات کدام حصه دیگر آسیا تقلید شده. طوری که بمشاهده رسید چطور کنبیدی بالای پلان مربع تکمیل شده رفته است از این آزمایش ساده هم منزل بمنزل در سمج های جدار سنگی بت های بزرگ مدارج تکامل را پیموده است این طور کنبید را ابتدا در قرابت بوداً ۳۵ متری در یک اطاق همسطح زمین حفر کرده اند (شکل ۱۸) سپس در یکی از سمج های معبد مجاور که پلان آن اراداده اجم (شکل ۱۴ عکس ۳۲ الف وب) و بعدها قدری بلند تر در جدار در یک معبد دیگری (عکس ۳۴ الف) و باز بسا دفعات دیگر انظر ف بودای ۵۳ متری و بالاخره چندین تمثال این تقلید بصورت فوق العاده صحیح در ساختمان مسطح چوینی بمشاهده رسیده است (شکل ۲۱ - عکس ۳۵ الف و ۳۶).

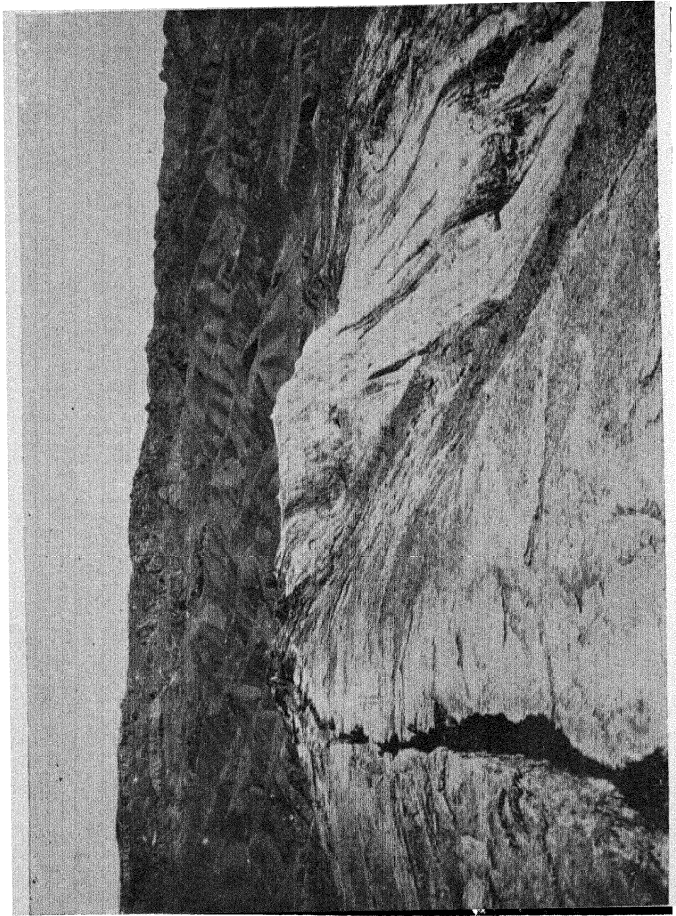
ساده ترین صورت پوشش يك محوطه مربع شکل عبارت از این است که برای برداشتن سقف يك عده شاه تیر های چوینی و یا سنگی را از يك ضلع به ضلع مقابل افکنده شود (شکل ۲۲ الف) هویدا است که این طرز پوشش تا اندازه محدود و از خود صورت امکانیت دارد: زیرا تیر های سنگی عموماً طویل نمیشوند و تیر های چوینی که حایز قطر بزرگ باشد غالباً نادر و قیمتی میباشد لذا معماران به کمال مهارت در مقام تفحص برآمده ب فکر افتادند تا از موادی که در دسترس داشتند

اصول دیگری پیدا کنند و عوض اینکه تیرها را رأساً از يك ضلع بضع مقابل اندازند چنین قرار دادند که از يك ضلع به وسط ضلع مجاور اندازند (شکل ۲۲ ب).

دراز چهار تبری که باین ترتیب گذارده شود مربع جدیدی بدست میآید که سطح آن عیناً مساوی نصف سطح مربع اولی و نسبت طول اضلاع آن یعنی نسبت طول تیرهای لازمه با طول اضلاع مربع اولی مثل نسبت ۷ به ۱۰ می میباشد.

پس از روی این اصول با تیرهاییکه طول آنها مختلف باشد، میشود اطاق مربعی را که سطح آن بزرگ و یا مضاعف باشد به مراعات یکی از دو اصول فوق به پوشانیم.

اگر هنوز هم سطح مربع ثانوی وسیع باشد میشود باز، مجدداً بشرح فوق، دفعه دیگر در وسط اضلاع مربع ستون ها افکنند، بدین صورت مربع ثالثی بدست میآید که اضلاع آن مساوی نصف اضلاع مربع اولی و سطح آن  $\frac{1}{4}$  سطح عمودی پوشاننده میباشد. به تعقیب این اصول میشود مربع مرکزی را به  $\frac{1}{8}$  و یا  $\frac{1}{16}$  و یا هنوز هم کوچکتر ساخت. مزایای این صنع تعمیرات خیلی بلند و عمومیت آن در تمام ممالکیکه برای پوشش ابنیه خود چوب و یا سنگ استعمال میکنند، خیلی زیاد است. بواسطه سادگی فوق العاده و سهولت استعمال خود این اصول در عده زیاد مناطق آسیا ایجاد و بعد طرف استعمال قرار گرفته چنانچه هنوز هم آنرا مستعمل



عکس ۴۰ - از دهای پامیان که به «ازدهای سرخند» معروف است



بوتا Botta « بوتا » نقل میکند که . « خانه های دهاقین ارمنی که در زمین حفر شده و چندان از سطح زمین مرتفع نمیشدند ، روشی را از در بیچه کسب می کنند که عموماً در مرکز بام قرار گرفته وهم کار در بیچه وهم کار دود رو را میدهد . برای تشکیل چنین سقف و در بیچه که در حقیقت به ترتیب ( شکل ۲۲ ب ) ساخته شده ستون های سقف را قرار ذیل نهاده اند : چهار شاه تیر کلفت یکدیگر را در وسط خانه تقریباً بصورت مربع تلاقی کرده اند ( شکل ۲۳ ) بعد دیگر ستون ها را بطور قطر روی زاویه های مربعی که از تلاقی چهار ستون اولی تشکیل شده بود گذاشته اند . همین ترتیب چند مرتبه بالای زاویه های مربع هائی که به تدریج خورد شده . میر و بد تیر ها را گذاشته اند از گذاشتن ستون ها بدین ترتیب گنبد کوچکی تشکیل می شود که در نقطه مرتفعه مرکزی آن سوراخی برای نفوذ نور و بدر رفت دود تشکیل می شود .

« موسیو فون لوكوك » یکی از این نوع سقف ها را در خانه يك دهقان دره سنده کشمیر دیده است . مشار الیه نقل میکند که « الوفزون » Olfson و سزاو رل ستن « Sir Aurel Stein دیگر از این قبیل سقف ها در يك خانه Namatgut « نیتکت » نزدیک « پامدش » و دیگری در يك خانه هندو کش دیده اند گذشته از این اصول ساختمان در هند خیلی ها عمومیت پیدا کرده و خیلی مهارت کارانه ساخته شده است قبلاً در باب تعریفات سقف ها متذکر شدیم که معماری هندی عبارت از همان اصول ستون بندی محلی میباشد که آنهم از همان دایره تراکبب گذاشتن ستون ها روی هم خارج نشده است . در صورتیکه میخواستند اطاق مربعی را بصورت گنبدی بلکه قریباً سقفی پوشش کنند همان سیستم ساختمان چوبی را که قبلاً تشریح دادیم از سنگ بعمل میاورند بقسمیکه یا ستون ها را روی هم میگذاشند تا لوحه سنگ هائیکه خود سقف را تشکیل می داد بر دارند و یا فقط

خود تخته سنگ هارا قطر آفسمی پهلوی هم میگذاشتند که به تدریج در خلاء پیش روند و یا بالا خره روی تخته سنگ هائیکه برای پوشش استعمال میکردند قبل یا بعد از نهادن آنها شکل تپه هارا که جز تزیین چیز دیگر نبود می تراشیدند .

موسیوالفرد فوشه در کتاب « صنعت گر یك و بود یك گند هارا » عكس يك سقف معبد پاندرن تهان Pandrenthan کشمیر را داده است که خیلی باین اصول اخیر اختصاص دارد چندین اصول و نمونه تزیینات سنگی به تقلید رویه بامیان حتی در چین و « کوریا » (۱) هم دیده میشود که زوار و صنعتگران بودائی با خود آنجا برده اند این نوع سقف هادر حصه غربی ترکستان ، در « قول » (۲) در « کرش سیمسم » Kirish Simsim به تعداد زیاد مشاهده می شود چنانچه در بینها تخته سنگ هائیکه سقف هارا تشکیل میدهند در خود حجر تراشیده شده اند .

علی هذا القیاس ازین قبیل سقف هادر شرق تیوک Tuyoq در « سگین - کاوف » Ciqqan Kof (۳) هم ملاحظه رسیده لیکن اینجا صنعتگران محض يك عمده اصولات معماری را که در ذهن می دانستند بصورت نقاشی ترسیم کرده اند . گذشته ازینجا در تون - هیو نگك Touen-Huang (۴) هم مشاهده شده لیکن نقاشان آنچه را که رسم کرده اند هرگز نفهمیده اند که چه است واصل میدهد تزیینی را که نقل میکنند در کجایمی باشد .

سقفی که بطرز مهندسی هندی و اطراف مربع یا مثنی را می پوشاند ، و گنبد طرز وسط ایشیا که بالای اطراف مربع شکلی قرار گرفته ، در طرز عمده معماری سمج های بامیان را تشکیل می دهند . علاوه برین دیگر طرز ها و اصولات معمولی تری هم

(۱) مرفند « وهان سان زی » Whan-Sangi در « کوریا » (۲) فون لوکوک ، کتاب « نقشه مصور » Bilderatlas شکل ۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶ و عکس ۱۰۰ و ۱۰۱ ملاحظه شود . (۳) فون لوکوک ، در کتاب « نقشه مصور » Bilderatlas شکل ۲۴۲ عکس ۱۰۲ ملاحظه شود (۴) فون لوکوک ، در کتاب « نقشه مصور » Bildertlas شکل ۱۴۳ و ۲۴۴ و عکس ۱۰۴ ملاحظه شود .

مشاهده میشود که جنبه اختصاصات آنها کمتر میباشد و به اضولات معماری تمام ملک و تمام اعصار مطابقت میکند، مثل: دهلیز با اطاقی که بشکل پشت ماهی پوشیده شده و یا اطاق مدوری که سقف آن گنبدی باشد. سمچ های که سقف شان بشکل پشت ماهی میباشند به ندرت ترین گردیده اند چنانچه مافقط در يك جا قریب بت ۵۳ متری یکی از این اطاق ها را دیده ایم که در ورقه کاغذ معمولی آن، بیک ارتفاعی از سطح اطاق يك قطار کمان ها را حجاری کرده اند.

تمثال های اطاق های مدور سقف گنبدی ( شکل ۱۶ و ۱۸ عکس ۳۴ ب ) و بعضی نمونه های عجیب و غریب سقف هائی را که کار یگران از تصورات خود ایجاد کرده اند در بامیان هنوز موجود است ( عکس ۲۴ الف ۳۷ ب ) .

دیوار های دهلیز ها عموماً عمودی و سقف آنها هموار میباشد. بعضی زینت ها حایز مقطع عجیبی هستند که فقط مساوی قطر بدن يك انسان میباشد این دهلیز ها که جای عبور بحد اکثر برای یک نفر کارگر میدهد بحد اقل کار تمام شده و در مقابل فر و ریخته گی ها بکمال خوبی استقامت کرده است ( شکل ۲۴ ) .

آنچه که متذکر شدیم عبارت از مواد، اشکال و تزئیناتی بود که کارگران استادان و نقاشان در سمچ های بامیان بکار برده اند. مطالعات آنها از نقطه نظر عتیقه شناسی نه تنها معلومات قیمتمنداری راجع به تاریخ ساختمان مجسمه های بزرگ و معابد بامیان در دسترس ما میگذارد بلکه بالنسبه صنعت معماری و نقاشی این حصه آسیا و همچنین راجع به منشاء و مبدء و ترقی تدریجی بعضی اشکالی که در آسیای مرکزی مشاهده رسیده و بالاخره راجع به تعمیرات ابنیه سرکشاده عصری که بامیان یکی از پای تخت های آئین بت پرستی بود اسناد خیلی دلچسپ و مفیدی بنا داده است .

بودا - ازدها Boudaha Ajdha

آیا مناسب است يك تشکیل طبیعی و یا تصویری را که خود بخود صورت گرفته

( ۱ ) جزء آثار عقیده بامیان شمار کرد ؟

کرنیل « یول » Yole و « واتر » Th. Vatters جواب این سوال را مثبثانه داده اند و موسیو فوشه این توده سنگی را که امروز جسد اژدها میباشد ( عکس ۳۸ ب ، ۳۹ ، ۴۰ ) با « بوداء » خوانیده ، که هزار قدم طول داشت و هونستان از آن ذکر کرده است مقایسه میکند .

موسیو « پول پلبو » که مضامین چینی را که به بامیان ربطی داشت مثل « خاطره ها » و « حیات هونستان » و « قصه « هونی - چو » Honei-Tch'ao مجدداً ترجمه کرده است چنانچه در قسمت ( ضمیمه ) مطالعه خواهد شد را جمع به مسئله تعیین و تدقیق « بودا - اژدها » شرائط خیلی صریحی را ارائه میکند .

نوته های مانعنه

هیكل بوداء خوانیده و اژدها

« پول پلبو »

هونستان وجود مجسمه بوداء خوانیده را در با میان خاطر نشان کرده است که هزار قدم طول داشته و در حین دخول « نیراوانا » Niroana ( یعنی قریباً دارالنعم ) نهایش یافته است .

« یول » Yole پیشنهاد میکند که چنین هیكلی را در « تشکيلات طبیعی » دیده است که بجنوب دره بامیان بچند کیلو متری غرب بوداهای بزرگ واقع است .

« واتر » Watters هم درین مسئله طرفدار عقیده « پول » می باشد . لیکن موسیو فوشه بلل اثر ( مطالعات اسپانی رجوع شود ) این تشابه را صحیح نمیداند . موسیو فوشه در حالیکه از تشابه مذکور دفاع میکند بایستی قبولدار میشد که در مضمون

( ۱ ) موسیو فوشه در صفحه ۲۱۴ جلد ۲۰۲ « ژورنال اسپانی مینویسد ، که اژدهای بامیان هیزات از تیفه سنگی است که شمالاً - جنوباً به طول سه صد متر افتاده است و انتهای شمالی آن در اثر وجود کدام چشمه معدنی سفید شده است .

زوار چینی شرق شهر شاهی غلط شده و بایست غرب نوشته می بود. فاصله اگر چه قدری زیاد گفته شده باز هم قابل قبول است زیرا ترجمه مضمون هونستن ( ترجمه - بیل Beal ) که نزد موسیو فوشه بود ( ۱۴ یا ۱۳ ) یعنی ۵ یا ۶ کیلومتر می نویسد حال آنکه از شهر شاهی طور بیکه موسیو فوشه محل آرا تعین کرده تا « ازدها » تقریباً ۸ کیلومتر میباشد. اما در نوشته های عبور هونستن که خود من ترجمه کرده ام دیده میشود که در مضمون صحیح هونستن فاصله « ۲۰ یا ۳۰ لی » میباشد نه « ۱۲ یا ۱۳ لی » علاوه برین وقتیکه هونستن از بامیان خارج میشد فاصله را از معبدی حساب کرده که در آن مجسمه بودا که در « نیر وانا » داخل می شد و جود داشت در بنجا باز موسیو مردد است زیرا « استانیسلاس ژولین Stanistlas Julien » میگوید که زوار مذکور به جنوب شرقی می رود و بیل Beal میگوید زوار به جنوب غربی می رود و از درین موضوع چیزی نمیگوید. « جنوب غربی » غلط محض « بیل » است زیرا تمام مضامین سیاحین موافقت داشته میگویند که چون هونستن مسافرتش را ادامه میداد از معبد مجسمه بودا خوابیده بطرف جنوب شرق رفته است درین شرایط توضیحی که این معبد را عوض جنوب شرقی طرف غرب پای تخت قرار میدهد غیر ممکن میشود.

### حصه سوم

« تصاویر قرن ( ۶ ) و ( ۷ ) میلادی « دختر پادشا » :

موسیو الفرد فوشه در طی مسافرت خویش از کابل تا بلخ مواظبت زیاد بخرچ رسانیده تا تمام معلوماتی را که شایسته تفحصات جدید عتیقه شناسی در افغانستان باشد بدست آورد. رئیس هیئت اعزامی عتیقه شناسی فرانسه چون در ابتدای زمستان ( دسامبر ۱۹۲۳ ) هندوکش را عبور میکرد

موفق نشده بود تمام محلات و مواضعی را که قبلاً بعضی ها خاطر نشان کرده بود ملاحظه کند چنانچه در فصل ۱۳ را پورت نمره ۲ که راجع به مسافرت کابل تا بلخ نوشته شده از خرابه های زاد خال و « دختر پادشاه » ذکر کرده است « موسیو فوشه میگوید : « باریدن شدید برف و ورزش باد خنک طوری ما را مانع شد که چیزی دیده نتوانستیم »

چون در ماه ژون سال بعد ما همان سرک را عبور می کردیم وظیفه خود دانستیم تا دختر پادشاه را معاینه کنیم . سمج « زاد خال » که به سه کیلومتری کاروان سرای (دو آب شاه) بطرف روسی واقع میباشد حایز هیچ مفادی نیست .

صبح ۲۳ ژون بدون کمترین معلوماتی که دقیقانه ما را به محل قلعه دختر پادشاه رهبری کنند از کاروان سرای ( دو آب شاه ) حرکت نمودیم . تقریباً به ۴ کیلومتری سرای دو آب سرک ورود خانه هر دو در ته دره قشنگی که « جدار های آن از قطار های عجیب افقو احجار آهکی تشکیل شده بود » توام حرکت می کردند . سپس سرک از رود خانه جدا شده بالا می رود و باز در گردنه خاکی ( شمس الدین ) فرود می آید . اینجا یکی از سر بازان بدرقه ما چنین خبر داد که سرک را گذاشته جریان سیلابی رود خانه ( خلم ) را که دراز ذوب برف بزرگ شده تعقیب نمائیم . جدار های مرتفع آهکی چنان بهم دیگر نزدیک شده اند که دهلیز تنگی برای عبور ما در خود مجرای رود خانه باقی گذاشته است . باهای اسپ ها می لرزد و خود را استوار کرده در مقابل شدت جریان آب مقاومت میکنند بالاخره جدار های مرتفع عمودی ازم دور میشوند

ورود خانه کج و معوج مارا مجبور میسازد که غالباً از یکساحل به ساحل دیگر بگذریم. در موقعیکه باز تنگنای کوه ضیقی میگرد و مدخل سمچی را (عکس ۱ الف) مشاهده نمودیم.

علی هذا القیاس پناه گاهای دیگری هم در حجر حفر شده لیکن به ارتفاع خیلی بلند و در النطاق دره ها واقع اند. يك سمج در ساحل راست (عکس ۱ ب) و يك دسته سمج های خیلی مهمتری در ساحل چپ واقع اند ترتیبات داخلی این سمج ها از یائین وضاحت معلوم میشود. و ذریعه زینه که در سنگ تراش است میتوان در آنها بالا رفت (عکس ۱ ج د) از يك حصه افتادگی دیوار میتوان سه اطای را مشاهده کرد که تیغه ها آنها را از هم جدا ساخته است. در قلعه این توده سنگ قصر خرابه افتاده که در تحت نظر آن تنگ زین حصه معبر و رود خانه خلم واقع است. يك نفر هزاره که در موقع مناسب و احتیاج با ما ملاقی شد گفت که این قلعه « قلعه » پادشاه میباشد.

چلگه حاصل خیزی در مرکز النطاق دره ها واقع است و بعد در استانه تنگنائی میباشد که قبلاً بمشاهده رسید خانه های قریه (موهی) واقع اند. بالای خره هزاره های نانار راجع به محال دختر شاه معلومات دقیقی بما دادند که بدان سخت احتیاج داشتیم: محلی که به اسم دختر شاه معروف است قریب رود خانه خلم ۲ کروه (تقریباً ۷ کیلومتر) از قریه گذشته جانب (روی) واقع است نانانجارده سرکی هم رفته که گاه گاه باجرای رودخانه اشتباه میشود، دو فاصله معینه جناارهای سنگی مرتفع میشوند و سمج های جدیدی در ساحل راست بنظر میآیند که بصورت قابل التحسینی در ضیقی معبر تنگ واقع اند، يك کج

گردشی ناگهانی جریان رود خانه را که بجانب شرق (عکس ۴۲ الف وب) در مقابل جدار سنگی ساحل چپ افتاده پنهان میکند.

این جدار که از خارج به داخل منحنی شده به طول ۴۰۰ و بعرض ۲۰۰ متر میدان وسیعی مناسبی برای نصب خیمه ها تشکیل میکند. در انتهای این محوطه کوهستانی جدار سنگی سواحل سمت راست منحنی شده و مجرای رود خانه را شمالاً - جنوباً گردانیده است. يك طاق بزرگ (به ارتفاع ۱۸ متر، عرض ۱۲ متر، عمق مختلف از ۳ یا ۴ متر) مرکز جدار سنگی ساحل راست را (عکس ۴۲ د.س) اشغال کرده ده متر حجر برهنه که فاعده سطح طاق را از زمین مجزی میکند مانع صعود و رسیدن به سطح طاق گردیده است. در حصه فوقانی طاق که کاملاً سقف آن بجا است روی ورقه گل زرد بقایای پرده تصاویر رنگه بزرگی وجود دارد. توده سنگی که در قسمت تحتانی قریب سقف برجستگی مسطحی تشکیل میکند، حصه فوقانی طاق را مسدود میکند، در ماه ژون ما فقط به اخذ معلومات سریعی قناعت نمودیم.

در وقت مراجعت از بلخ در ماه نوامبر ۱۹۲۴ (۹ تا ۲۰ نوامبر ۱۹۲۴) مجدداً جانب دختر شاه روانه شدیم. درینوقت آب رودخانه کم و باعث تسهیل عبور ما شد، ناظر علاقه دار (روی) بعضی کاریگرها از قبیل گل کار، و نجار و دوشاگرد يك عده مزدور کارها برای خدمت و کمک ما فراهم کرد. سپس شروع بکار نموده ابتدا با سنگ و گل يك نوع نهادهای (صفا بلندی) ساخته برای معاینه تصاویر رنگه (عکس ۴۲) بکمک زینه ها به حصص فوقانی طاق رسیدیم.

منظر این طاق که در جدار سنگی تراش شده، با وجود بعضی تغییرات که تفصیلات آنرا متذکر خواهیم شد، تجویز و ترتیب تاریخی مقابر سنگی شاهان را در (نقش رستم) نزدیک (برسه پولی) Persépolis یاددهانی میکند. طاق دختر شاه (شکل ۲۵) نتیجه اقداماتی است که برای مفتخر ساختن عظمت تمدن آن عصر در نظر گرفته شده بود. از پرده منقوش وسیعی که ته طاق را مزین کرده بود فقط بعضی آثار در حصص فوقانی باقی ماند و ما هم بمقصد اینکه موفق به معاینه آن شده بتوانیم و در اطراف آن تعمق نمائیم تدریجاً صعود نموده، خود را به حصص فوقانی رسانیدیم. چنانچه دفعه اول به تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۲۴ به صفا که ۲۰ متر عرض و از ۲ تا ۵ متر ضخامت داشت و قاعده طاق بشمار میرفت، رسیدیم. ته این طاق عوض اینکه عموداً بلند رفته باشد؛ انحنای کندی بخود میگیرد که تقریباً به ارتفاع ۵ متری به خط کودی منتهی میشود که در آن سوراخ های مستطیل شکلی به عمق ۵۰ متر تا ۶۰ متر کنده شده است. این سوراخ ها بلاشبه برای نهادن نوك های تیر های چوبی یا سنگی حفر شده بود که بالای آنها سطح همواری آباد کرده بودند. در حقیقت ساختمان کندی اولی هرگز تمام نشده و فقط حصه که بسمت چپ ناظر واقع است تراش شده است (عکس ۴۲ س)

حصصی که بالای خط کودی واقع است تماماً بکمال مواظبت هموار شده و حصصی که در تحت خط کودی واقع است چون به چکش و قلم فولادی تراش شده برعکس سطح دانه دار و درشت بنظر میآید و واضح است که اینطور سطح برای التصاق کلسر خیلی مزیت خوبی دارد. این ورقه کاه گل از دو طبقه کاملاً مجزی ترکیب شده. طبقه اولی ضخامت مختلف دارد (در قاعده از ۳ تا ۱۸ متر) و تلافی سطح درشت حجر را میکند. طبقه دومی باریک و بابر های طویل کاه مخلوط است. طبقه اخیر که بکمال مواظبت هموار شده است چنین معلوم میشود که اصلاً از ترکیب

کدام لایه چرته و اختلاط سرش ساخته شده باشد. این ورقه گل رس هنوز یک حصه سطح مذکور را پوشانیده است.

خطوط مستقیمی را که بامهارت تمام قالب گرفته اند در بعضی جاها ملاحظه میشود. یک پارچه صحنه که آورنده گمان نحایف را نمایش میدهد هنوز مشاهده میشود. جام هائیکه انگلستان قابل اعطاف آنها گرفته و حرکت لطیف آرنج بلند شده تصاویر « اجاتا » را نشان میدهد ( شکل ۲۶ ) : از صحنه وسیع نصاب و بر رنگه که حصه تختانی طاق را مزین میکرد، فقط همین قدر باقی مانده است. بعد از هفت روز زحمت و مقابله با خنک های شدید و برف کوچ های فراوان ( ملتفت باید بود که این نقطه ۳۰۰۰ متر از سطح بحر بلند افتاده است ) بتاریخ ۱۶ نوامبر به خط کودی و سوراخهایی که در آن کنده شده بود رسیدیم بالاخره بتاریخ ۱۹ نوامبر به یک قسم سنگ بزرگته و مایلی رسیدیم که بشکل صفت نانوی وجود دارد و از آنجا میشود بکمال راحت پارچه های صحنه بزرگی را معاینه کرد که قسمت فوقانی کنبد را مزین کرده است ( شکل ۲۷ )

این صحنه سطح مستطیل شکلی را پوشانیده است که طول آن ۱۲ متر و ارتفاع آن ۴ متر میباشد و در حصه فوقانی آن یک قطار سوراخ هائی منظم حفر شده اند که جای نوک شاه تیرها میباشد ( این تفصیلات در اصول معماری مرقوش آسیای مرکزی نیز مشاهده شده است ) حصه باقی مانده صحنه رنگه فوق الذکر از قسمت تختانی سوراخها شروع شده به طول ۱۲ متر و ارتفاع مختلف ۷۰ و ۸۰ و یک و نیم متر منبسط میشود. پارچه دیگری کاملاً از موضع مرکزی جدا، در نهاداب صحنه واقع است. لایه گل زرد که فقط بصورت یک ورق انبساط یافته نسبتاً گاه زیاد دارد. بقایای صحنه رنگه در اثر سنگهای که عابرین زده اند سوراخ سوراخ و عمیقاً در بسیار جاها خراش گرفته است و بصحنه مرکزی مخصوصه صدمه رسیده

خراب شده است. معذالك در حصه فوقانی آن شکل بال‌های سفیدی مشاهده میشود که حاشیه آن از اشکال مروارید مزین است و بالای آنها سرشیر منقوش میباشد (عکس ۴۲ ج). بعقیده پروفسور هرزفولد Herzfeld این تفصیلات به کلاهای شهزادگان که حکمرانان بلخ بودند اختصاص دارد. کلاه خود را از متن صحنه خاکی تیره مدور شکل که در نقاب آبی لا جور دی (۱) محاط و آنها از حاشیه نسواری تیره احاطه شده مجزا نشان میدهد. سرهای حیوانانی که بتصویر مرکزی متصل اند ازین حاشیه بیرون برآمده اند. در قسمت فوقانی طرف راست (نسبت بصورت مرکزی) یکسر آهووزیر آن سر بزکوهی مشاهده میشود. بطرف چپ نیم بدن یکشیر، سرگاو میش، سرگوزن، حصص مقابل بدن فیلی با گوشهای قات خورده اش دیده میشود که نقطه بنقطه بشکل تعاویر رنگه «قرل» آسیای مرکزی شباهت دارد. حصه فوقانی صورت مرکزی، باین شکل کلاه و تصاویر عجیب حیوانات محدود میباشد. بعد از انقطاع فاصله  $1\frac{1}{3}$  متر مجدداً رسم شروع میشود بک (تونیک) سفید که زیر قات‌های آن خطوط سرخ خفیف کشیده شده و یک یلان که در رنگ آبی محاط است مشاهده میشود. یا‌های شخصی را که نشسته نقش کرده اند کمی قات خورده. علاوه برین هنوز حصه تحتانی غلاف شمیری مشاهده میشود که منتهی بزبانہ (۲) سبز رنگی میباشد. شخصی بالای تخت قرمزی نشسته که از حصص مقابل بدن‌های متصل اسب‌ها تشکیل شده است. کردنهای اسپهای که این «تخت» مجلل را تشکیل میکنند (۳) بانند و مدور، سینه‌های شان برآمده و یا‌هایشان حایز ممانت مخصوصی میباشد.

(۱) راجع به لا جور دی واستخراج آن از بدخشان کتاب «مارکو پولو» ملاحظه شود.

(۲) شبیه به زبانہ ایست که در آخر شمیرهای سواران منام قرل منقوش است.

(۳) اسپهای تخت، به اسپهای صحنه ۲ شباهت دارد. (کتاب صنعت قدیمه ایران قشہ ۴۸)

دو نفر حاضرین دیگر بطرف چپ شخص عمده ایستاده اند. آنکه قریب تخت ایستاده بصورت نیم رخ نمایش یافته و (تونیک) بلند زردی پوشیده که از حاشیه عرض قرمزی مزین میباشد. موهای سرش کاملاً تراشیده و گردنش برآمده است. عقب او شخص دیگری نمایش یافته که  $\frac{2}{3}$  حصه بدنش بطرف راست برگشته و تونیک سفید حاشیه قرمزی پوشیده که مزین به مداین های میباشد که از اشکال مر و ارید زینت شده اند.

در داخل این صحنه های مدور، روی متن آبی سرهای حیوانات بنظری آید. تونیک را کربند دو آسمه در بدنش چسبانیده و شمشیر طویلی بطرف راست در بند شمشیر آورده. سیمای این شخص شبیه به سواران «قزل» میباشد که مبدا و اصل آنرا (موسیو فون لو کوك) اربانی شناخته است. بدینگونه از این تنگه مهم هیچ يك عکسی در دست نداریم. از عکسی که قبل از شروع کارها (عکس ۴۲ س) گرفته بودیم حصص تحتانی شخص مرکزی بسیار خیره معلوم میشود و فقط دو پا و حصه تحتانی پلان هواید میباشد. ارتفاع شکل مرکزی تقریباً ۳۵۰ متر است و اندازه حصه خراب شده تقریباً ۱۵۰ متر میباشد.

صورت مرکزی از تزئینات و نقوش محط شده که بلاشبهه بطرز اصول معماری رنگه میباشد که در وقت معاينه «بودیس اتوای» قشنگ بامیان مطالعه نمودیم زینت مثلث شکل Fronton coupé (جنور هویدا) و بالای عکس ۴۳ ب هنوز اثر سرپایه (شابی تو) که بطرف چپ آن صورت حصص مقابل بدن شیر مشاهده میشود و ابیستی مثل بامیان شامل دو پایه کوچک باشد. دو پایه دیگر بطرف راست و چپ صورت مرکزی زینت های مثلث شکل کوچکی را برداشته اند. در فاصله های وسطی بین پایه ها تزئینات شبیه به تزئینات بامیان

دیده میشود. این تزیینات بخوبی تفصیلات اشکال لوحه مقابر گذشته را نشان میدهد. چنانچه قبلاً آنرا در موقعش با اصولات معماری رنگه که «بودیس اتوای» بامیان را احاطه میکند مقایسه نمودیم. ابتدا (شکل ۱۷ و عکس ۴۳ ب) مابین دو پایه يك نوع زینت دندانۀ شکلی مشاهده میشود که بلاشبه صورت زردبانی است که از هم جدا شده می‌رود و بکمال وضاحت در لوحه مزار موزیم لاهور بین پایه‌ها و کمانها معلوم میشود. دردخترشاه این صورت به حصه راست فاصله بین دو پایه وجود دارد. نصف چپ این فاصله را سطح ملون خب کی سرخ اشغال کرده بالای این زرد، زنی نیم تنه و نیم رخ نمایش یافته است. صورت خانم مذکور گوشه‌ای، چشمانش کوچک و کیسوانش مجعد میباشد چنانچه عین این تفصیلات و جزئیات هم در بامیان و هم در «قزل» مشاهده رسیده است. در کلاهش شکل کره بنظر می‌خورد، در دست راستش گل و در دست چپش بطنوس تعارف میباشد. بالای این تصویر کمانی بین دو پایه مشاهده میشود. این کمان از فیتۀ نازک و يك تزیین بشکل شاخه خرما مزین است که به حاشیۀ داخلی آن منصوب میباشد. بطرف راست مرکزی، در فاصله بین دو پایه تصویر خانم دیگری مشاهده میشود که بصورت نیم رخ کشیده شده است. رنگ پوست این تصویر خیلی روشن و به بعضی «تپ‌های» «اجان‌نا» قرابت دارد. چشمانش خیلی بزرگ و بشکل بادام کشیده شده است. ابروانش قوسی، بدست راستش گل، بدست چپش بطنوس بر از تعارف میباشد (شکل ۲۷ عکس ۴۳ ج) انعکاستانش طویل و قابل انعطاف میباشد.

در شکل (۴) که روی متن خاکی تیره رسم شده، زیر زینت مثلث شکلی تصویر يك شهزاده باختری منقوش است. اگرچه تصویر مذکور، امر در ایام

خیل ها خراب کرد، باز هم سر، و حصه ناج دندانها دار و شکل کره آن هنوز باقی است که روی متن آنی لاجوردی کشیده شده است بالای این نمایش يك بری بالدار بطرف چپ (نسبت به ناظر) نقش است در انتهای چپ (نسبت به ناظر) علاوه بر سرزینت مثلث شکل و تزئیناتی که بین پایه ها و اشکال مثلث شکل منقوش است تصاویر حیوانات از قبیل: آهو، قطان، بز کوهی، گوزن، بکمال وضاحت هویدا است.

آثار باقیمانده امروزی «دختر شاه» ازان پرده عمرودی که دران اصولات معماری رنگه، نقل تصاویر، لواحق مقابر، عمرانات مذهبی کنند هارا و اشکال عماراتی که بیشتر دخالت مواد و تزئینات آریائی نمایش میداد جز نظر به ناقصی داده نمی تواند در دختر شاه هیچ تصویری شبیه به (بودیس اتوا) دیده نمیشود زیرا صنعت گران که از جمله رعایای يك سلطان مازدین Mazedeen بوده اند آنرا در اثر احکام و فرمایش رسمی و در اثر اختلاط و ترکیب عناصر تزئیناتی برده های خود و نمایشات تاریخی صنعت وسط آسیا ساخته اند. بلی گفته میتوانم در این محل منزوی این آثار موثر تلاقی تاریخی تمدن بزرگ آسیائی را یاد دهانی میکنند.



## ضمایم

مضامین مختلفه راجع به بامیان

- الف -

یاد داشت آثار عتیقه بامیان بقلم مسن Masson

نقل از جریده آسیائی بتکال  
(سال ۱۸۳۶ صفحه ۷۰۷)

بامیان مسافت ۸۰ یا ۸۵ میل انگلیسی جانب شمال - غرب کابل در یکی از دره های 'پار و په میزان' Paropamisana (هندوکش) واقع است. بامیان در یک دره عمیق افتاده و از چهار طرف بکوه های متعددی محاط است که شکل دیوارهای سنگلاخ تقریباً عمودی دارند و برای ساختمان و تعمیر سمج ها خیلی هم مساعدت و موافق میباشد. جدارهای سنگی مذکور مرکب از موادی است که از اختلاط جفله و ریگ و انواع خاک های رنگه تشکیل شده است. دره مذکور طولاً تا فاصله ۹ تا ۱۰ میل از جانب شرق به غرب افتاده است. آن محل دره که اصنام و سمج های مهم بنظر میآیند با اسم بامیان یاد میشود و نسبت به سائر نقاط دره عریض تر است. در اینجا 'جوی سرخ' در 'جوی فولادی' مدغم شده رود خانه بامیان را تشکیل میکند. این رود خانه جانب مشرق دره فرود آمده در 'ضحاك' آب 'کالو' Kalu را با خود میگیرد 'سپس' بعد از اینکه جانب غرب 'اراک' Irak - بوبولاک Bubulak 'شیر' 'بی چلیک' Bitchelik و غیره نقاط را دور میزند از آب رود خانه های آنها بزرگتر شده آخر الامر از کوهها خارج و بعد از عبور غوری به رود خانه قندز واصل میشود.

- ب -

## اسم بامیان در مضامین چینائی ها

علاوه بر کتاب «خاطره ها و حیات هونستن» و قصه «هونچااو» Houei Tcha'o که «پول پیلو» آنها را ترجمه کرده.

اسم بامیان قدیم ما خود از «بامیکان» Bâmikan است که در «بنداهس» Bundahés پهلوی مذکور است از «بامیکان» کتاب جغرافیای Géographie du Pseudo Moise de Khorène گرفته شده. (۱) در مضامین چینائی ها قدیم ترین اسم بامیان در Peiche «پیش» ذکر رفته و آن چنین است: «ملکت نو- هو لو Tou-Hou-Lo (نخارستان) از (تی- Tai) ۱۲۰۰۰ لی فاصله دار داین مملکت از طرف شرق تا مملکت (Fan Yong فان- لونگ) (بامیان) و از جانب غرب تا مملکت Si-Wan-Kin سی- وان- کن (سمرقند) منبسط است....» این مضمون را موسیو «مارکارت» Marquart در (صفحه ۲۱۴) از ن ساهر (Eran Sahr) از روی کتاب (وی- شو Wei-Chou) خاطر نشان کرده بود لیکن مستحضریم که باب اصلیه کتاب (وی شو) که در اطراف ممالک مغرب زمین بیاناتی داده بود مفقود شده و در قرون وسطی آن باب کم شده را با نقل جزوی یک باب کتاب (پیش) یوره کرده اند پس جز یک منبع معلومات که عبارت از کتاب «پیش» است و آنهم نا اواخر قرن ۴ بحث میکند دیگری سراغ نداریم.

(۱) وقتیکه «وسوفو» نوشته از کابل مکتوب تاریخی ۳۰ دسامبر ۱۹۲۲ خود را می نوشت و از کتابخانه ها دور افتاده بود برای بامیان اصلا اسم سانسکریت «براهمایانا» Brahmayana فکر کرده بود لیکن «بامیکان» پهلوی چنین فرضیت را بر م میزند. ممکن است اسم بامیان از اسم «بامین» Bamiyin نواحی هرات اخذ شده باشد که برای جغرافیه دانان عرب و فارسی محوی معلوم بود.

موسیو مارکات<sup>۱</sup> در صفحه ۳۶ کتاب آتی خود (Wehrod und der Fluss Arang) که تمام هم نشده و فقط ناصفحه ۱۶۰ آن بچاپ رسیده، نه از کتاب (وی شو) بلکه از کتاب (پیش) استعانت جست و به دلائل خاطر نشان میکند که فاصله معینه نخارستان نسبت به (Toi تو) انسا را بفکر میاندازد که شاید تغییر فوق از منبعی گرفته قبل از شده که تغییر محل پایتخت سلاطین (وی ها - Wei) از شهر (فی Tai) به (لو - یانگ Lo - Yang) در سنه ۴۹۴ نوشته شده باشد ممکن که تعیین سرحدات از تعیین فواصل علیحده بوده و نقاط اصلی اینجا اشتباه شده باشد (۱) - حقیقه احتمال زیاد می رود که منبع تفسیر مقدم از ۴۹۴ باشد و در نتیجه اسم بامیان را چینائی ها اقلاد در قرن ۵ شناخته باشند.

اطلاق اسم (فان - یانگ Fan Yang) که در قرن ۵ برای تعیین بامیان استعمال شده کمی اشکال پیش میکند زیرا اگر چه (فان یانگ) هموزن (بام - یان) است یعنی با اسم امروزی بامیان به دو حرکت مطابقت میکند لیکن دیده میشود که هنوز هم در «بندالس» Bundales Pseudo Moise de Khorène «بمیکن» Bamikan و «بامیکان» Bâmikân ذکر شده است، پس قبول باید کرد که در قرن ۵، در اسم فوق (ك) به (ی) تبدیل شده است، موسیو مارکات (در صفحه ۲۱۵ «ارن ساهر») این نظریه را قبول میکند، لیکن میگوید که کلمه Yang یانگ اصلاً (ک) نداشته. بعدها موسیو مارکات در (صفحه ۳۶ Wehrod) يك (ک) اصلی قدیمه را در کلمات Yen (بن) که صورت تحریر جدید Fan - Yen فان - بن نشان میدهد گو شزد میکند لیکن میگوید که کلمه یانگ Yang هرگز (ک) نداشته است. قرار بیکه فرقه «مهایانا» و «نارایانا» (۱) بامیان و سمرقند مناظر<sup>۲</sup> به جنوب و شمال نخارستان واقع اند نه در مغرب و مشرق و خصوصاً ایران را به شرق نخارستان قرار داده است. موسیو مارکات (ارن ساهر ۲۱۵)

کلمه «ین» Yen را نخر بر کرده اند همیشه بدون (ک) بوده پس بوضاحت معلوم میشود که اصلاً (ک) در آخرین کلمه نبوده است. در حقیقت رسم الخطی که در زمان «وی ها» استعمال شده جالب توجه است زیرا فان ینگ اسم مشهور یک حکومتی چو-لی Tehe-Li میباشد پس فان-یانگ را بمثابه رسم الخط تقریبی که در عین زمان شکل مانوسی داشت گرفته اند.

بقرار معلومان که من دارم بین عصر سلاطین «وی ها» و «تنگ ها» Tang اسم بامیان دو دفعه ذکر شده است. یکی در (سو-شو Souei-Chou) که به سالهای ۵۸۱ - ۶۱۷ تخمیل میشود. مو-تو مار کارت (صفحه ۳۶ Wehrod) سابقاً یک حصه «سورشو» را خاطر نشان کرده در آن میگوید: که از سلطنت (تسو Ts'ao) (زابلستان) بایست ۷۰۰ لی بطرف شمال رفت تا به فان-ین (Fan-Yen) رسید عوض فان-ینگ که در کتاب «پیش» ذکر رفته (و مرکب از (فان) بمعنی اسم خانواده و (ینگ) (اصول در خشان میباشد) در اینجا فان-ین با فان = برده کشتی و بن = منبسط کردن ذکر رفته است این اسم مطابقت صوفی رسم الخطی با اسم (بام + یان) دارد. دفعه دیگر اسم بامیان در فهرست طویل و دلچسپی ذکر رفته که در اوائل ۶۱۵ قبیله به مقصد قید اسمای ممالک به دربار (Souei سوی) تقدیم کرده بود. در میان ممالک مذکور از مملکت (شو-فان-ین) Che-Fan-Yen هم اسم برده شده (این اسم مرکب از (شو) یعنی کم کردن، (فان) اسم خانواده و (ین) منبسط کردن میباشد) و الحال نشان میدهم که این اسم بر بامیان اطلاق میشد.

رسم الخط های اسامی بامیان که بعدها بمیان آمده عبارت از (فان-ین-نا) (Fan-Yen-Na) و (فان-ین Fan-Yen) زوار چینی هونستن میباشد که با

(فان) یعنی برهما و (بن) فراوان و (نا) معنی (این) نوشته شده است این مسئله ثابت است که در دنیای بودائی شمال مغرب اسم بامیان را به محاورات زبان سانسکریت نوشته اند و همان اسم را هونستن اتخاذ کرده است و چنین بنظر میآید که در اصل (بامیانا Bamiana) و یا چیزی شبیه باین بوده است.

سن - تنگ - شو Sin - T' Ang - Chou در نوشته که راجع به بامیان نوشته اسم بامیان را به سه رسم الخط مختلف تکرار کرده است :

(فان - ین Fan - Yen) (وانگ - ین Wang - Yen) ز (فان - ین Fan - Yen - Nal) رسم الخط اولی مرکب از (فان برده کشتی و (ین) = منبسط کردن است و همان رسم الخط باب ۸۳ Souci - Chou شو شو میباشد.

رسم الخط دومی مرکب از (وانگ) = مشاهده کردن و (ین) - فراوان میباشد. این رسم الخط ثانوی جز در نوشته «سن - تنگ شو به دیگر جا ذکر نشده است» رسم الخط سومی یعنی «فن - ین - نا» را «سن - تنگ شو» از هونستن گرفته است. (ین) در رسم الخط (وانگ - ین) و (نان - ین - نا) عبارت از يك چیز است و فرقی ندارد و بعضی اوقات هونستن بصورت مختصر فقط فان - ین می نوشت. سن تنگ شو ابتداء رسمی را متذکر شده که برای او کدام جنبه رسمی داشت و بعد دو شکل دیگر هونستن را رسم میبرد.

سن - تنگ شو در فرصتیکه تشکیلات بزرگ ادای ممالک غربی را در ۶۵۸ الی ۶۶۱ می نوشت ذکری از حکومت (سی - فونگ Sei - Foung) نموده که در شهر (لو - لان Lo - Lan) مملکت فان - ین رویکار شده بود و اسم بامیان باز مجدداً با (فان) = برده و (ین) منبسط کردن تکرار شده است.

معذالك قرار بیکه معلوم میشود رسم الخط فان - بن با (فان) = اسم خانواده و (بن) = منبسط کردن کاملاً بر افتاد نشده بود زیرا رسم الخط اسم اخیر الذکر در مضامین (نزو - فو - یوان - کوی) T'sö - Fou - Yuan Kouei که در سنه ۷۱۸ نوشتند شده مجدداً بنظر میخورد. لیکن باز در تشکیلاتیکه (کیو - نانگ - شو Kieou - Tang - Chou) به نوبه خودش در سنه (۶۵۸ - ۶۶۱) نوشته به اسم دیگری بامیان را یاد کرده 'چنانچه بعقیده او حکومت (سی - فونگ) در شهر (فو - لی Fou - Li) مملکت (شو - یوان - بن Che - Yuan Yen) واقع بوده است. اینجا مشاهده میرسد که مشارالیه بامیان را به اسم (شو - یوان بن) یاد میکند.

سپس (تنگ - هو - با او Tang - Houei Yao) همان رسم الخط کیو - تنگ - شو را میدهد لیکن (شو - فان - بن) را با (شو) ضایع کردن ' (فان) = اسم خانواده ' (بن) منبسط کردن می نویسد.

پس شك نیست که (یوان Yuan) یعنی (باغ) که خیلی شبیه فان اسم خانواده است فقط نتیجه تغییر خطی بوده و شکل حقیقی اسم مذکور (شو - فان - بن Che - Fan - Yen) باشد چنانچه از زمان خانواده سلطنتی ' تنگ ها ' در ۶۵۸ - ۶۶۱ و بیشتر در زمان ' سوی ها ' در ۶۱۵ بهمین نوع اخیر یعنی (شو فان - بن) می نوشتند این کلمه را میتوان تشریح داد: کلمه (شو Che) یعنی ضایع کردن ' طوریکه از زمان قدیم به فشار زبان روی دندانها تلفظ میکردند (سر Ser) نیز آواز میدهد پس کلمه شو - فان - بن بصورت عادی (سر بامیان Sir - Bamiyan) یا (سر بامی یان) را نمایش میدهد. چنانچه موسیومارکارت

در صفحه ۹۲ (ارن ساهر) خاطر نشان میکند که جغرافیای Pseudo Moise de Khoréne بامیان را با اسم (سره بامیکان Sir-i-Bamikan نامیده و در (استخری Istachri) (سره بامیان) ذکر شده است اتحاد معنای «سوی شو» از یکطرف و مضامین «تنک - هو - یا او» راجع به رفورم ۶۵۸ - ۶۶۱ از طرف دیگر شکی باقی نمیگذارد که همین شکل در مضامین چینائی ها هم آمده باشد.

آخرین شکل اسم بامیان را میتوان از قصص (هو تچو Houei Tchao استخراج کرد. ابن زوار در سنه ۷۲۷ از هند وارد افغانستان شده چینیکه میخواست از راه بامیان به چین برگردد راجع به مملکت بامیان نوته نوشته که ترجمه آن بعدها ذکر میشود رسم الخط اسم بامیان که در دو محل استعمال کرده عبارت از (فان - ین Fan - Yin) است که مرکب از فان بمعنی هتک ناموس باقص کردن و (ین Yin) رهنمائی کردن میباشد. (فان) او هموزن (بام) و (ین) ارکه صورت رسم الخط ندرقی دارد يك (E) وسطی داشته و چنین بنظر می آید که مشارالیه (Bamyan بامی آن) شنیده باشد.

بعد از زمان «تنک ها» اسم بامیان در مضامین چینائی ها برده نشده و بسیارشک میرود که آنرا در (Pamou پامو) و (یوانش Yuan-che دوباره توان یافت.

معلومات تاریخی که غیر از قصص زوار میتوان از مضامین چینائی ها اخذ کرد تماماً محدود به نوته (سن - تنک - شو Sin - Tang - chou) و فهرست شهر های مملکت بامیان میباشد که بر قرار تشکیلات ۶۵۸ - ۶۶۱ مرکز ایالات بشمار میرفت. موسیو شاوان Chavannes نوته فوق و فهرست اسامی شهر های

بامیان هر دو رازجه کرده لیکن اگر استفاده نسبت به بامیان ازان منظور باشد بایست آزا سرنا آخر گرفت و منابع مختلفه را باهم مقایسه کرده داخل مباحثات مضامینی شد که اینجا از تذکر آن صرف نظر میکنیم .

هیچکدام اسمای شهر های بامیان را که چینیائی ها خاطر نشان کرده اند هنوز تعیین و تدقیق نشده است .



خاطره های هوانسن ( باب اول کتاب سی - یو - کی Si-Yu-Ki )

### نوته راجع به باهمیان

مملکت ( فان - ین - نا Fan - Yen - Na ) باهمیان ، بیش از ۲۰۰۰ لی شرقاً غرباً و زیاده از ۳۰۰ لی شمالاً جنوباً انبساط دارد. این مملکت در داخل کوه های برف واقع است - ساکنین آن از وادی های کوهستانی استفاده کرده در شهر های انجا بر طبق امکانات محلات زندگی میکنند یا بتخت بزرگ مملکت به جدار سنگی کوه متکی و دره را عبور میکند. طول این شهر از ۶ الی ۷ لی و بطرف شمال به پوزه سرنشبی منتهی شده است حاصلات زراعتی آن عموماً گندم زمستانی است و گند و میوه بسیار کم دارد برای تربیه حیوانات خیلی ها مساعد است چنانچه گوسفند و اسب زیاد در انجا تربیه میشود ، آب و هوای آن خیلی سرد و عادات ساکنین انجا خشن است . البسه آنها غالباً پوست حیوانات و پارچه های پشمی کلفتی است که در خود مملکت تهیه میشود. رسم الخط معتقدات و استعمال مسکوکات انجا شبیه مملکت ( نو - هو - لو ) یعنی ( نخرستان ) میباشد . زبان شان اگر چه کمی با ساکنین نخرستان مختلف است معذالك طرز کلام آنها خیلی بهم مطابقت میکنند از نقطه نظر سادگی و نژاد عقاید ساکنین این مملکت خیلی ها از مسکونین ممالک مجاور مزیت دارند چنانچه از تمام ارباب انواع گرفته هیچ يك عامل پرستش نیست که در مقابل آن اظهار خلوصیت نکرده ، از تمام قلب پرستش متبرکانه نکنند .

هنکام رفت و آمد و مسافرت نجرار ، ارباب انواع شکون های نیکی بایشان نشان میدهد و اگر بلاهای جنی ظهور کند ایشان نجات خود را التماس میکنند ،

درین مملکت چندین هزار سیمج و چندین هزار متدینین وجود دارد که پیرو طریقه شوت شوش Chou - T - Cho - Uche بوده فرقه مثبتیه گفته میشوند . معتقدین این طریقه را هنا یا نا Hinayana نیز مینامند .

به شمال شرق شهر شاهی ، در بغل کوه يك مجسمه سنگی ایستاده بود او وجود دارد که ارتفاع آن ۱۲۰ تا ۱۵۰ قدم است و رنگ طلائی (۱) و زیورات بر بهای آن در تلالو میباشد .

بطرف شرق این مجسمه يك سیمج معبدی واقع است که از بنا های یکی از شاهان قدیم این مملکت میباشد . بطرف شرق معبد مذکور مجسمه ایستاده بودا (Che-Kia شوکیا) ( ساکیا مونی ) وجود دارد که ارتفاع آن تقریباً ۱۰۰ قدم است . بدن مجسمه تکه تکه ریخته شده و بعد در اثر وصل نمودن تکه های علجده مجسمه کامل بودا را بر پا کرده اند (۲) .

بفاصله دو باسلی ، بطرف شرق شاهی در يك معدی مجسمه خوابیده بودا را در حالیکه به ( قبر بهشت ) داخل میشود تراشیده اند طول این مجسمه تقریباً هزار قدم میباشد (۳)

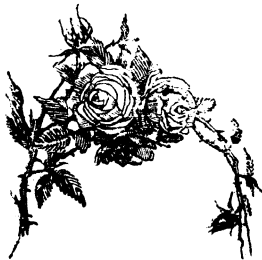
درین معبد پادشاه مملکت اجتماع بزرگی موسوم به ( واتشو wautcho ) تشکیل

(۱) رنگ طلا ممکن است فرارعات بودائیان تنها روی صورت و دست های بودا وجود داشته و سایر حصص بدنش به الوان مختلف ترین شده باشد .

(۲) چون در چین عموماً مجسمه های بزرگی چینی را که داخل آن خالی بود طوری میساختند که ابتدا هر قسمت بدن را علیحد ریخته بعد آنها را بهم وصلی نمودند ؛ هو نسبت در چین معاینه بودا بزرگ بامیان چنین خیال کرده بود که این مجسمه هم چینی و هر عضو آن علیحد ریخته شده است . حال آنکه مشا را لیه کالاً اشتباه نموده و مجسمه بزرگ بامیان سنگی میباشد .

(۳) Che-kia - Fang - Tehe شو - کیا - فانگ - چوخصیص این مجسمه راداده میگوید ؛ مجسمه مذکور از گل رس میباشد و از طلا و جواهرات مزین است .

میکنند و در آن اجتماع تمام اموال و جواهرات سلطنتی، حتی اولاد و عیال و نفس خود را در راه تقدیس بودا ایثار میکنند. درین فرصت وزراء ما مورین دولتی، خانوادۀ شاهی و خز این سلطنتی را دوباره از روحانیون خریدند. مسترد میدارند. چون از سمج بودا خوابیده بطرف شرق بیشتر از ۲۰۰ لی بروند کوههای بزرگ بر برفی مراعبور نموده بجاناب شرق به دره کوچکی میرسند.



## اقتباس از کتاب حیات هونستن

نوته راجع به بامیان

... معلم قانون (هونستن) چون از اراضی تو - هو - لو (نخارستان) خارج شد، داخل مملکت فان - بن - نایمینی بامیان گردید. این مملکت که در داخل کوه‌های برف واقع است بیشتر از ۲۰۰۰ لی ازشرق به غرب طول دارد. سرک این نواحی نسبت به مناطق دشتی و بخرچال دار مشکل و خطرناک تر است. هوا سرد و ابرهای منجمده و برفی به فضای دره گردش میکند و یک لحظه روشنی هوای صاف مشاهده نمیشود. تمام قسمت های دره صعب العبور افتاده که محل مساعد و همجواری آن عبارت از چند قدمی خواهد بود. همچنین (سونک - یون Song-Youn) در طی بحث اشکالات ممالک مغرب زمین چنین گفته است: «بعضی مانند کوه‌های بلندی توده شده و برف تا هزار لی بهوا باد میشود» آه اگر از پیدا کردن بلندترین معتقدات منظور استفاده نوع بشر نمی بود چگونه بدین ممالک صعب العبور و مناطق سرد آمده بدن خود را به مشقات مسافرت زحمت میدادیم بلی همین منظور نظر معلم قانون هونستن را واداشت تا برای تفحص کتیب دین بودا سلسله جبال برف را عبور کند.

بدین قرار معلم قانون آهسته آهسته به پایتخت مملکت فان بن (بامیان) درین شهر زیاده از ده سمیع معابد و بیشتر از چندین هزار دین داران (۱) وجود

(۱) مضمون کتاب (حیات هونستن) «زیاده از ده معبد» می نویسد حال آنکه کتاب «خاطره های هونستن» «چندین ده معبد» از طرف دیگر حیات (دقیقانه محل معابد را مینویسد) میگوید که آیامعابد مذکوره در مملکت وجود دارد و یانهادرای تخت شاهی.

دارد که بیرو طریقۀ تشو- شو- شو- Tshou-Che-Chou ( لوکا تا راوادین Lokattaravadin ) میباشد .

پادشاه فان ین ( بامیان ) معلم قانون (۱) برآمده و او را به نزول در قصر شاهی دعوت نمود چنانچه معلم قانون دعوت شاه را پذیرفته مدت پنج روز به دریافت و قبول تعارفات و مهمان نواری در قصر شاهی توقف نمود . درین مملکت دو نفر روحانیون میباشد یکی A-Li-Ye-To-So آ-لی-بو-نو-سو ) یا Aryadasa اریا داسا ( و دیگری A-Li-Ye-Soeu-Na آ-لی-بو-سن-نا ) یا Aryasena اریا سانا ( که هر دو به اشارات قوانین آشنا میباشند . و قتیکه ایشان معلم قانون را دیدند آه حیرت کشیده گفتند : « مملکت دور دست Tehe-Na چین چنین علمائی دارد ! » پس او را به مقاماتی که سزاوار تقدیس و معاینه بود رهنمایی نمودند .

به شمال - شرق شاهی در بغل کوه يك مجسمه سنگی بودا ایستاده که ارتفاع آن ۱۵۰ قدم است و به مشرق آن سمج معبدی وجود دارد . بطرف شرق این معبد مجسمه برنجی ( ساکیامونی ) بودا وجود دارد که ارتفاع آن تقریباً ۱۰۰ قدم است . در يك معبد يك مجسمه خوابیده بودا دیده میشود که در ( Nirvana نیروانا ) یعنی هشت داخل میشود و هزار قدم طوالت دارد . تزیینات تمام این مجسمه ها قابل تحسین است از آنجا چون معلم قانون زیادہ از ۲۰۰ لی بطرف جنوب شرق روان شد ، کوه های برف را عبور کرده به شهر کوچکی رسید (.....)

(۱) کتاب حیات هوستن دقیقانه معلومات میدهد که آیا پادشاه به استقبال زوار از شهر خارج شد یا از قصر . از یک مصوبه دیگری که در کتاب ( خاطرہ های هوستن ) ذکر شده چنین مفهوم میشود که شاه از شهر خارج شده است .

## نوته زوار هوی تچه او Houei-Tchéao

راجع به بامیان

هو تچه و راهب که زاهل کور با بودا ز راه بحر به هند رفته و از انجا از راه آسیای مرکزی مراجعت کرده به آخر سنه ۷۲۷ به « کوشا » Koutcha رسید. شرح مسافرتش که به « قصه يك مسافرت در هند » معنون میباشد در سه باب تحریر شده است . در موقعبکه من يك تحریر کامل آنرا که محتملاً مختصر بود در سمیع کتیبه های Touen Houang تون - هونگ ( باقم جز يك عده عبارات مغلق نبود . بعد ها مضمون آن چندین دفعه در جایان و چین شایع شد ، لیکن هنوز آنرا به هیچکدام زبان اروپائی ترجمه نکرده اند .

زوار از ( Ki-Pin کی - پن ) یعنی کایسا ( کوه دامن حالیه ) در ( Sie-yu سی - یو ) با زابلستان که اسم محلی آن بعقیده ( Chō-hou-lo-sa-ta-na چه ار هو - لو - سا - تا - نا ) ( جاکیو داستانا ) یا ( جاکیو لاسنانا ) بود گذشته چنین ادامه سفر کرد :

چون از مملکت ( سی - یو ) ( کابلستان ) بطرف شمال روانه شوند بعد از مدت ۷ روز به مملکت فان - یین Fan yin ( بامیان ) میرسند . پادشاه بامیان درین فرصت بکنفر ( Hou هو ) است که تحت آن وقیمومیت کیدام مملکت دیگر تمیباشد . پیاده نظام و رساله این پادشاه خیلی ها قوی و متعدد است و ممالک دیگر جرئت ندارند با او حمله کنند . از حیث البسه ، ساکنین این دیار پیرهن پنبه پوستین و پیرهن های برکی و غیره میپوشند کوسفند واسپ و اشیای پنبه از پیداوار این مملکت است ، از حیث میوه جات فقط انگور فراوان دارد .

هوای آن خنک و برف گیر میباشد، پادشاه، رؤسای قوم و تمام ملت خیلی جان نثار ( Trois joyaux ) میباشند. معابد و دین داران زیاد یافت میشود. ایشان طریقه مثبتیه، و طریقه تقدس و تصوف هر دو را پیروی میکنند.

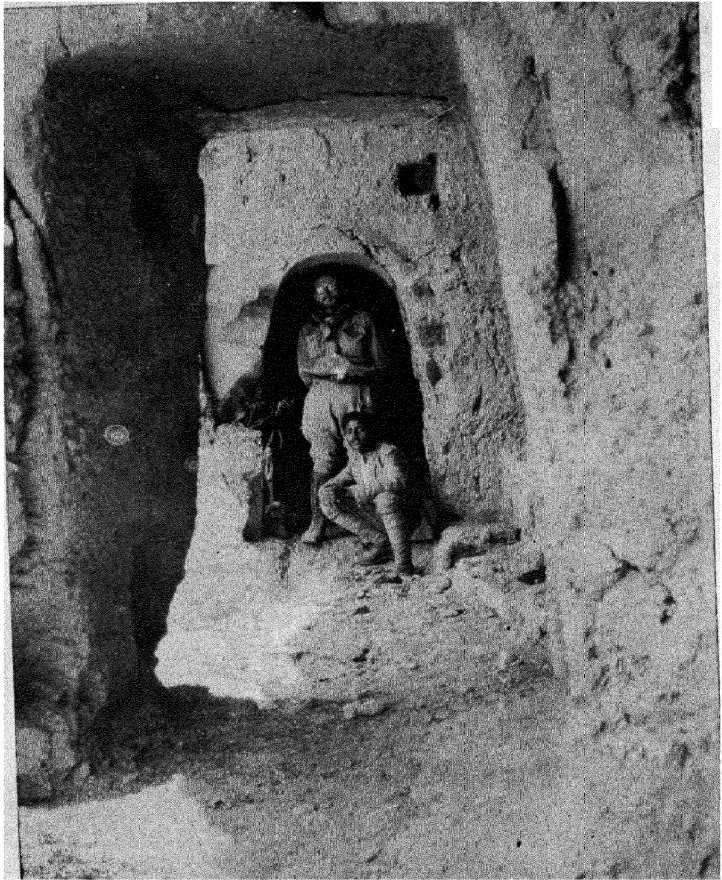
در مملکت سی بو ( زابلستان ) و سایر نقاط ریش و موهای سر را می تراشند و عادات شان عموماً با کمی اختلافات شبیه به عادات کاپیسا یعنی کوه دامن حایه میباشد. زبان این مملکت از زبان سائر ممالک مختلف است (۱) بعد از مملکت فان - بن ( بامیان ) چون مدت ۲۰ روز جانب شمال روند به مملکت ( تو - هو - لو ) یعنی نخارستان خواهند رسید .....  
خانمه



(۱) هنگامیکه هونستن از جانب شمالی آمد اختلاف بزرگی در زبان این مملکت و ممالک مجاور نیافته بود. ممکن چون در طی یک قرن شرایط سیامی در اثر پیشرفت اعراب تغییر کرده بود درین زمینه هم تغییراتی بعمل آورده باشد ولی فراموش نباید کرد که ( هوچه او ) از نقطه نظر بصارت و ملاحظه با ( هونستن ) قابل مقایسه نیست.

(۲) درین کتاب جاهائیکه از « دختر شاه » اسم برده شده، مقصد مقایست موسوم به « دختر نوشیروان » که در راه کابل و منار و قوع دارد. « مترجم »





جناب احمد علیخان مترجم کتاب باموسیو کرل عضو هیئت حفاریات فرانسه  
در موج نمره ۱۲ بامیان



# غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷	۱۲	وین	دین
۸	۲	ازهوای	در هوای
۹	۱۸	هم	ما هم
۶	۱۹	بجور	بجاور
۷	۵	Trebeck	Trebeck
۷	۱۰	geraud	Gerard
۱۰	۴	را فارس	فارس را
۱۰	۵	Eary	Eyre
۵	۱۲	کافی	کایی
۱۱	۲۱	تالبومی	تالیوت
۱۲	۹	Muse	Musée
۱۳	۱۰	اصولاً	فصلاً
۱۶	۱۷	نشده	شده
۱۷	۹	۳۵	۵۳
۱۸	۱		»
۵	۹	Saint	Sir
۱۹	۵	Br3 Reliefs	Bas reliefs
۵	۱۸	قناب	قناب دارند
۲۰	۱	voirocana	Vairecana o
۲۰	۶	( الف اجائتا )	( اجائتا )

صحنه	غلط	سطر	صحنه
Kumtura	Kumturna	۱۶	۲۳
کمتورا <sup>۱</sup>	مکتورما	»	»
سیری	سزی	۷	۲۴
تخت	تخت	۱۰	»
توتن - هوانگک	تولی - هوانگک	۱۳	»
Touen-houang	Toulihouang	۱۳	۲۵
رسم	اسم	۵	۲۷
را	را را	۱۷	»
ژی	یری	۱۳	۲۸
ترتین	زرتین	۵	۲۹
مشرق یا شمال	مشرق شمال	۳	۳۰
یری ها و روحانیون	یری ها و روحانیون	۲	۳۰
قدیم ترین	قدیم	۱۷	۳۲
طاق های	طاق ها	۲	۳۵
ظاهری	کاریزی	۱۲	»
و ورقه	دو ورقه	۱۷	»
رفته	فرو رفته	۸	۳۹
متنوع الالوان	متنوع	۱۴	»
معجزه اکبر	اکبر	۱۷	»
Vetcheslov	Vetchlau	۱۴	۴۰
مانع	نافع	۱۹	۴۰

۴۱ پیش از شروع سطر اولی این دو سطر مانده :

و جلوف چنین میگردد در پای بت عظیم مدخل های وجود دارد که از آنجا راهی به  
- سوچ ها و زینه های رفته است که منزل تجمعاتی را به منزل فوقانی

۴۲ دیدن دیدن ۸

صحنه ۱۴ - سطر چهارم بعد از (متذکر شدیم که) مضمون ذیل مانده :

در پای جدار سنگی تا حال هیچ حفریانی نشده ممکن است بقایای مابعد قدیمه نبی که

۴۵ مسرین مسرین ۲

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۵	۵	شکلی	شکل
۶	۱۱	گنبدی	گنبدی بسازند
۵۵	۱۹	cole	Cole
۵۷	۱۷	سنگی را	سنگی
۵۸	۱۳	پوشانده	پوشاندی
۵۹	۱۰	نفوذ	نفوذ
۶۲	۱۸	یول	یول
۶۳	۹	موسیو	موسیو فوشه
۳	۹	Stanistlas	Stanislas
۶۴	۸	اوسی	رونی
۶۵	۱۴	تنگانی	تنگانی که شبیه تنگناهایی
۶۷	۱۱	۵۰ تا ۶۰ متر	۵۰ تا ۶۰ سانتی متر
۶۹	۶	بتصویر	به تصویر
۷۰	۷۱	چشور هویدا	هنوز هویدا
۷۵	۱۳	بندالس	بنداهس
۷۵	»	Bundales	Bundahes
۷۶	۹	سور شو	سوی شو
۷۷	۱۰	شو شو	سوی شو
۶	۱۶	رسمی	اسمی
»	۱۷	رسم	اسم
»	۱۸	ادای	اداری
۸۴	۱۷	بامیان	بامیان رسید
۸۵	۳	معلم قانون	به استقبال معلم قانون
۸۵	۱۶	پهشت	فیر











